

در اشخاص



## فصل اول

## «شخص طبیعی»

## تست‌های تألیفی فصل اول

🔹 مثال ۱: اوصاف و امتیازات مالی ..... .

- (۱) جزء شخصیت فرد است.  
(۲) جزء وضعیت فرد است.  
(۳) جزء شخصیت و وضعیت فرد است.  
(۴) هیچکدام

✅ پاسخ: گزینه «۴»؛ مطابق اصول حقوقی، شخصیت و وضعیت شخص جزء احوال شخصیه فرد است که امور مالی را در بر نمی‌گیرند.

🔹 مثال ۲: اشخاص حقوقی ..... .

- (۱) مطلقاً از حقوق اشخاص حقیقی برخوردار هستند.  
(۲) مطلقاً از حقوق اشخاص حقیقی برخوردار نیستند.  
(۳) اصولاً از حقوق اشخاص حقیقی برخوردار هستند.  
(۴) اصولاً از حقوق اشخاص حقیقی برخوردار نیستند.

✅ پاسخ: گزینه «۳»؛ به عنوان قاعده می‌توان گفت اشخاص حقوقی اصولاً از کلیه امتیازات اشخاص حقیقی برخوردارند، به غیر از آنچه ویژه و انحصاری اشخاص حقیقی است، مانند حق حضانت، ابوت، بنوت و ...

🔹 مثال ۳: کدام یک مصداق شخصیت حقیقی است؟

- (۱) اموال دانشگاه تهران (۲) مال موقوفه (۳) شهرداری (۴) شخص انسان

✅ پاسخ: گزینه «۴»؛ بقیه گزینه‌ها به اموال یا افرادی اشاره دارد که به هدفی خاص اختصاص داده شده‌اند؛ یا دور هم جمع شده‌اند؛ بنابراین شخصیت حقوقی دارند و اطلاق شخص حقیقی به آن‌ها صحیح نیست.

🔹 مثال ۴: دادگاه ایران در مورد طلاق مردی شافعی مذهب که همسرش حنفی مذهب است، از کدام قانون پیروی می‌کند؟

- (۱) قانون دادگاه ایران (۲) قانون متبوع مرد (۳) قانون متبوع زن (۴) قانون مورد توافق هر دو

✅ پاسخ: گزینه «۲»؛ زیرا قانون اساسی ایران در مورد احوال شخصیه قوانین مربوط به مذهب و ادیان دیگر را به رسمیت شناخته است. رجوع کنید به اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی و علاوه بر این، نسبت به احوال شخصیه مذاهب مسلمان، قانون دولت و مذهب شوهر ملاک است.

🔹 مثال ۵: کدام یک از گزینه‌های زیر مصداق صحیح سلب حق به طور جزئی نیست؟

- (۱) سلب حق ازدواج تا مدت معین  
(۲) سلب حق فروش خانه معین به شخص معین  
(۳) سلب حق شرکت در مناقصه معین  
(۴) سلب حق خرید خانه معین

✅ پاسخ: گزینه «۱»؛ زیرا افراد و مصادیق زیادی را شامل می‌شود و مفهومی کلی بوده و علاوه بر این، برخلاف اخلاق و نظم عمومی نیز می‌باشد.

🔹 مثال ۶: کدام یک از تعهدات زیر به نفع معدوم صحیح نیست؟

- (۱) حق انتفاع به نفع معدوم (۲) وقف بر معدوم (۳) وصیت تملیکی به نفع معدوم (۴) بیمه عمر به نفع معدوم

✅ پاسخ: گزینه «۳»؛ به طور کلی تعهد به نفع معدوم باطل است، مگر در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ آن هم به تبع موجود. البته وصیت عهدی نیز جزء استثنائات بوده و به نفع معدوم صحیح می‌باشد، ولی وصیت تملیکی به اقتضای ماهیت آن، با این نوع تعهد سازگار نیست و ملحق به استثنائات نمی‌شود.

🔹 مثال ۷: حفظ اموال غایب قبل از تعیین امین:

- (۱) بر عهده ورثه است. (۲) بر عهده دادستان است. (۳) بر عهده دادستان یا نماینده اوست. (۴) بلا تکلیف می‌باشد.

✅ پاسخ: گزینه «۳»؛ ماده ۱۱۳ قانون امور حسبی قبل از تعیین امین، وظیفه مذکور را بر عهده دادستان یا نماینده او گذاشته است.

**کلمه مثال ۸:** دو شخص الف و ب که از یکدیگر ارث می‌برند، فوت کرده‌اند؛ تاریخ فوت الف معلوم نیست، ولی تنها تاریخ فوت ب معلوم است، کدام یک از دیگری ارث می‌برد؟

- (۱) هر دو از هم ارث می‌برند. (۲) الف از ب ارث می‌برد. (۳) ب از الف ارث می‌برد. (۴) هیچ یک از دیگری ارث نمی‌برد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ زیرا هم اصل استصحاب ایجاب می‌کند الف پس از فوت ب هنوز زنده باشد و هم اصل تأخر حادث ایجاب می‌کند، آنچه در تاریخ نامعلومی اتفاق افتاده مؤخر از آن که تاریخش معلوم است، باشد.

**کلمه مثال ۹:** برای منصوب شدن به سمت امین غایب مفقودالارث کدام یک بر دیگران مقدم است؟

- (۱) مادر (۲) پدر وجد (۳) وارث (۴) اولاد
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ براساس ماده ۱۱۰ قانون امور حسبی: «در میان خویشاوندان اقربای غایب به ترتیب پدر، جد، مادر، اولاد و زن و شوهر با داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم‌اند».

**کلمه مثال ۱۰:** کدام گزینه (در مورد غایب) صحیح است؟

- (۱) تنها فروش اموال فاسد شدنی و ضایع شدنی با اجازه دادستان مجاز است. (۲) اموال غیر منقول غایب در هیچ صورتی قابل فروش نیست. (۳) نفقه اشخاص واجب النفقه از فروش اموال تأمین می‌شود. (۴) حق الزحمه امین از درآمد اموال غایب تعیین می‌شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ گزینه ۱ بدون اجازه مجاز است نه با اجازه، در گزینه ۲ نیز برای پرداخت نفقه و دیون غایب فروش اموال غیرمنقول جایز است. در گزینه ۳ نفقه ابتدا باید از وجوه نقدی یا منافع اموال پرداخت شود و در صورت عدم کفایت، از فروش اموال.

**کلمه مثال ۱۱:** کدام مورد جزء موارد عزل امین نمی‌باشد؟

- (۱) دادن اموال غایب به تصرف موقت ورثه (۲) هرگاه حیات یا ممات غایب محرز شود. (۳) هرگاه غایب برای اداره اموال خود وکیل تعیین کرده باشد. (۴) هرگاه حکم موت فرضی غایب صادر شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ زیرا اگر غایب وکیل تعیین کرده باشد، اصلاً امین نصب نخواهد شد تا نوبت به عزل برسد.

**کلمه مثال ۱۲:** ورثه ..... در اموالی که به تصرف موقت آنها داده شده تصرف نمایند و خرج کنند.

- (۱) می‌توانند. (۲) به صورت محدود می‌توانند. (۳) نمی‌توانند. (۴) با اجازه دادستان می‌توانند.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ زیرا در تصرف موقت ورثه، آنها تنها عهده‌دار نگهداری اموال هستند.

**کلمه مثال ۱۳:** کدام گزینه در مورد نام اشخاص صحیح نیست؟

- (۱) انتخاب نام کوچک با اعلام کننده ولادت است. (۲) فرزندان کبیر می‌توانند نام خانوادگی خود را برای یکبار تغییر دهند. (۳) زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود از نام خانوادگی او استفاده نماید. (۴) شوهر برای استفاده از نام خانوادگی زن باید از زن اجازه بگیرد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ زیرا باید اجازه از دارنده حق تقدم باشد، خواه زن او باشد یا دیگری، تنها استفاده زوجه از نام خانوادگی زوج با موافقت او ممکن است.

**کلمه مثال ۱۴:** هرگاه زوج محجور باشد، اقامتگاه زن از کدام نوع خواهد بود؟

- (۱) اجباری (۲) انتخابی (۳) اختیاری (۴) هیچکدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ چون در این حالت، خود زوج اقامتگاه اجباری دارد و این اقامتگاه اجباری به زن تحمیل نمی‌شود، اما چنانچه زن نیز مانند همسر خود محجور باشد؛ مثلاً زن صغیر باشد و شوهر نیز پس از ازدواج دیوانه شود، اقامتگاه ولی زن به او تحمیل می‌شود.

**کله مثال ۱۵:** کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مهلت اعلام ولادت، یکماه پس از تاریخ ولادت است.
- (۲) هرگاه شناسنامه‌ای برای طفل صادر شده باشد، نام خانوادگی زن یا شوهر به انتخاب درج می‌گردد.
- (۳) رسیدگی به اولویت و حق تقدم در نام خانوادگی بر عهده شورای عالی ثبت است.
- (۴) در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد، هر یک از آنها می‌تواند اعلام ولادت نماید.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» مطابق قانون، مهلت اعلام ولادت ۱۵ روز پس از تاریخ ولادت است. همچنین در صورت صدور شناسنامه، نام خانوادگی زوج (پدر) برای فرزند انتخاب می‌شود. همچنین رسیدگی به موضوع اولویت و حق تقدم در صلاحیت دادگاه است.

**کله مثال ۱۶:** کدام یک از وقایع زیر در اسناد سجلی ثبت احوال، ثبت نمی‌شود؟

- (۱) ولادت (۲) ازدواج (۳) غیبت (۴) طلاق
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ زیرا همانطور که توضیح داده شد، طبق قانون، چهار واقعه مهم باید در شناسنامه ثبت شود: ۱- تولد ۲- ازدواج ۳- طلاق ۴- وفات.

**کله مثال ۱۷:** کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) اگر پدر و مادر طفل معلوم باشند، نام خانوادگی یکی از آنها به انتخاب خودشان به طفل داده می‌شود.
- (۲) اگر پدر طفل معلوم نباشد، نام خانوادگی مادر به او داده خواهد شد.
- (۳) اگر پدر و مادر طفل معلوم نباشند، نام خانوادگی فرضی به طفل داده می‌شود.
- (۴) اگر پدر و مادر طفل معلوم نباشند، اسم پدر و مادر فرضی نیز برای طفل انتخاب می‌شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ اگر پدر معلوم باشد، نام خانوادگی پدر به طفل داده می‌شود.



## آزمون فصل اول

### ۱- کدام عبارت صحیح نیست؟

- (۱) شخص مورد نظر در عالم حقوق، عبارت است از شخص حقیقی و حقوقی
- (۲) اشخاص حقوقی اعم است از اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی
- (۳) اشخاص حقوقی از کلیه حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی برخوردارند.
- (۴) گزینه ۱ و ۳

### ۲- کدام گزینه در زمینه ویژگی‌های حقوق مربوط به شخصیت صحیح است؟

- (۱) چه در طول حیات و چه بعد از فوت قابل انتقال نمی‌باشند.
- (۲) نسبت به آنها مرور زمان جاری می‌شود.
- (۳) قابل توقیف به وسیله بستانکاران نمی‌باشند.
- (۴) قابل اسقاط هستند.

### ۳- حقوق مربوط به شخصیت ..... .

- (۱) به صورت کلی و دائمی قابل اسقاط است.
- (۲) به صورت جزئی و دائمی قابل اسقاط است.
- (۳) به صورت جزئی و غیر موقت قابل اسقاط است.
- (۴) به صورت جزئی و موقت قابل اسقاط است.

### ۴- تشخیص نام‌های ممنوعه بر عهده ..... می‌باشد.

- (۱) شورای عالی ثبت
- (۲) دادگاه
- (۳) هیئت اختلاف ثبتی
- (۴) دفاتر اسناد رسمی

### ۵- اداره اموال غایب مفقودالاثر قبل از نصب امین بر عهده کیست؟

- (۱) ورثه
- (۲) قیم
- (۳) دادستان یا نماینده وی
- (۴) هر شخص ذینفع از جمله طلبکاران

### ۶- در کدام گزینه اقامتگاه زن شوهردار، اجباری نیست؟

- (۱) زمانی که رضایت شوهر را مبنی بر انتخاب اقامتگاه جداگانه (علی‌حده) داشته باشد.
- (۲) اقامتگاه شوهر، متضمن خوف مالی، جانی و شرافتی باشد و دادگاه حکم به سکونت جداگانه دهد.
- (۳) در صورتی که در شرط ضمن عقد نکاح، اختیار تعیین مسکن جداگانه به وی داده شده باشد.
- (۴) همه موارد

### ۷- صدور حکم موت فرضی ..... .

- (۱) بر امور مالی شخص حاکم و موثر است.
- (۲) بر امور مالی و غیر مالی شخص موثر است.
- (۳) صرفاً بر امور غیرمالی موثر است.
- (۴) اصولاً بر هیچ یک موثر نیست.

### ۸- سکوت زوج بعد از طلاق، مبنی بر استفاده زوجه از نام خانوادگی او ..... .

- (۱) به معنی عدم اجازه او بر این امر است.
- (۲) اصولاً رضای ضمنی محسوب می‌شود.
- (۳) اصولاً رضای ضمنی محسوب نمی‌شود.
- (۴) به معنی اجازه صریح زوج به این امر است.

### ۹- جنین ..... .

- (۱) از حقوق مدنی در هر حالت برخوردار است.
- (۲) اصولاً از حقوق مدنی برخوردار است.
- (۳) اصولاً از حقوق مدنی برخوردار نیست.
- (۴) از حقوق مدنی در هیچ حالتی برخوردار نیست.

### ۱۰- اگر بر جنین خسارتی وارد شود:

- (۱) نماینده او صرفاً می‌تواند جبران خسارت بخواهد.
- (۲) خود طفل بعد از بلوغ می‌تواند جبران خسارت بخواهد.
- (۳) نماینده یا خود طفل بعد از بلوغ می‌تواند جبران خسارت بخواهند.
- (۴) خسارت بر جنین، اصولاً قابل مطالبه نیست.



## فصل دوم

### «شخص حقوقی»

#### تست‌های تألیفی فصل دوم

**کلمه مثال ۱:** اشخاص حقوق عمومی مانند ..... برای اینکه دارای شخصیت حقوقی باشند..... .

- (۱) شرکت‌های تجاری، نیاز به ثبت ندارند  
(۲) سازمان ثبت احوال، نیاز به ثبت دارد.  
(۳) شرکت‌های تجاری، نیاز به ثبت دارند.  
(۴) سازمان ثبت احوال، نیاز به ثبت ندارد.

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ سازمان ثبت احوال از جمله اشخاص حقوقی حقوق عمومی به حساب می‌آید که مانند سایر اشخاص حقوق عمومی برای اینکه دارای شخصیت حقوقی باشد، نیازی به ثبت ندارد.

**کلمه مثال ۲:** کدام یک در هنگام تشکیل، شخصیت حقوقی ناقص دارند؟

- (۱) مؤسسات غیر تجاری (۲) موقوفات (۳) شرکت‌های تجاری (۴) اشخاص حقوقی عمومی

☒ پاسخ: گزینه «۳» مؤسسات غیرتجاری و موقوفات قبل از به ثبت رسیدن، هیچ گونه شخصیت حقوقی ندارند. اشخاص حقوقی حقوق عمومی نیز بدون نیاز به ثبت در زمان تشکیل شخصیت حقوقی کامل می‌یابند، ولی شرکت‌های تجاری در زمان تشکیل، شخصیت ناقص و با به ثبت رسیدن شخصیت حقوقی شان کامل می‌شود.

**کلمه مثال ۳:** کدامیک اقامتگاه شخص حقوقی است؟

- (۱) همان اقامتگاه مدیر شخص حقوقی  
(۲) محل اداره شخص حقوقی  
(۳) مرکز عملیات شخص حقوقی  
(۴) گزینه ۳ و ۲

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ اقامتگاه شخص حقوقی مرکز اداره او محسوب می‌شود که حقوقدانان در تفسیر بین دو ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی و ماده ۵۹۰ قانون تجارت، مرکز عملیات را مرکز عملیات اداری تفسیر کرده‌اند.

**کلمه مثال ۴:** کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اعضای تشکیل دهنده شخص حقوقی، مسئول زیان‌هایی که آن شخص به دیگران وارد می‌کند، هستند.  
(۲) اعضای تشکیل دهنده شخص حقوقی، مسئول زیان‌هایی که آن شخص به دیگران وارد می‌کند، نیستند.  
(۳) اشخاص حقوقی و اعضای آنها مشترکاً مسئول جبران زیان‌های وارده به دیگران از ناحیه خود هستند.  
(۴) اعضای شخص حقوقی، مسئول زیان‌های وارده به دیگران از ناحیه شخص حقوقی نیستند، مگر اینکه مقصر باشند.

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی، مستقل از اعضای آن‌هاست؛ از این رو وضعیت حقوقی آنها نیز متفاوت است.

**کلمه مثال ۵:** کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) دولت در اعمال حاکمیت، مسئول جبران زیان وارده به دیگران است.  
(۲) دولت در اعمال تصدی، مسئول جبران زیان وارده به دیگران است.  
(۳) دولت در کلیه اعمال خود، مسئول جبران زیان وارده به دیگران است.  
(۴) دولت در هیچ صورتی، مسئول جبران زیان وارده به دیگران نیست.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ دولت در اعمال تصدی، همان فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد که مردم نیز در روابط خصوصی خود انجام می‌دهند؛ بنابراین همانند آنها مسئولیت دارد.

**کلمه مثال ۶:** کدام گزینه صحیح است؟

(۱) در مورد اهلیت تمتع، اصل نداشتن اهلیت است.

(۲) در مورد اهلیت استیفا، اصل نداشتن اهلیت است.

(۳) در مورد اهلیت استیفا، اصل داشتن اهلیت است.

(۴) در مورد اهلیت تمتع و استیفا، اصل داشتن اهلیت است.

✓ **پاسخ:** گزینه «۲»؛ مطابق مواد ۹۵۶ و ۹۵۷ قانون مدنی که می‌گوید: «اهلیت برای دارا بودن حق با تولد شروع و با مرگ خاتمه می‌یابد»، هر شخص حقیقی - و با مسامحه - حقوقی، از اهلیت تمتع برخوردار است، اما مطابق ماده ۲۱۱ قانون مدنی: برای داشتن اهلیت استیفا، شخص باید بالغ، عاقل و رشید باشد.

**کلمه مثال ۷:** کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) وصی می‌تواند در صورت مصلحت، صغیر را به نکاح در آورد.

(۲) قیم می‌تواند با تجویز پزشک و اجازه دادستان مجنون را به نکاح در آورد.

(۳) اسباب حجر در حقوق ایران، صغر، سفه و جنون است.

(۴) تمامی گزینه‌ها صحیح است.

✓ **پاسخ:** گزینه «۱»؛ مطابق قانون وصی نمی‌تواند شخص صغیر را به نکاح درآورد، اما قیم می‌تواند با تجویز پزشک و اجازه دادستان، مجنون را به نکاح در آورد و اسباب ازدواج را برای او فراهم کند.



## آزمون فصل دوم

## ۱- کدام گزینه در مورد شخص حقوقی صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) شخص حقوقی، با جمع شدن دسته‌ای از افراد یا اموال در کنار هم تشکیل می‌گردد.
- (۲) شخص حقوقی مانند شخص حقیقی از شخصیت مستقلی برخوردار نیست.
- (۳) در حقوق ایران، اصل بر اهلیت اشخاص حقوقی است.
- (۴) همه موارد

## ۲- مؤسسات غیر تجاری و شرکت‌های تجاری به ترتیب، قبل از ثبت:

- (۱) شخصیت حقوقی دارند - دارند.
- (۲) شخصیت حقوقی ندارند - ندارند.
- (۳) شخصیت حقوقی ندارند - دارند.
- (۴) شخصیت حقوقی دارند - ندارند.

## ۳- شخصیت حقوقی موقوفه ..... کامل می‌گردد.

- (۱) با ثبت و قبض (تسلیم) عین موقوفه
- (۲) با قبض (تسلیم) عین موقوفه
- (۳) با ثبت عقد وقف
- (۴) بدون هیچ عاملی، به محض تشکیل عقد وقف، تحقق می‌یابد.

## ۴- ممیزات اشخاص شخص حقوقی چیست؟

- (۱) تابعیت - اقامتگاه
- (۲) نام - اقامتگاه
- (۳) تابعیت و نام
- (۴) نام - تابعیت - اقامتگاه

## ۵- وضعیت تشکیل شخصیت حقوقی توسط خارجیان در ایران به چه نحو است؟

- (۱) به هیچ وجه چنین حقی ندارند.
- (۲) اگر ۵۱٪ سرمایه متعلق به خارجیان باشد، از این حق برخوردارند.
- (۳) اگر ۵۱٪ سرمایه متعلق به خارجیان نباشد، از این حق برخوردارند.
- (۴) در همه حال از این حق برخوردارند.

## ۶- اهلیت تمتع شخص حقوقی:

- (۱) نامحدود است.
- (۲) عمدتاً محدود است.
- (۳) محدود است.
- (۴) هیچکدام و اصولاً شخص حقوقی از اهلیت تمتع برخوردار نیست.

## ۷- مسئولیت کفبری اشخاص حقوقی در حقوق ایران به چه صورت است؟

- (۱) هم برای اشخاص حقوقی حقوق عمومی و هم برای اشخاص حقوقی حقوق خصوصی متصور گردیده است.
- (۲) نه برای اشخاص حقوقی حقوق عمومی و نه برای اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ملحوظ گردیده است.
- (۳) برای اشخاص حقوقی حقوق عمومی لحاظ شده، اما برای اشخاص حقوقی حقوق خصوصی لحاظ نشده است.
- (۴) برای اشخاص حقوقی حقوق عمومی لحاظ نشده، اما برای اشخاص حقوقی حقوق خصوصی در نظر گرفته شده است.

## ۸- اشخاص حقوقی دارای چه ماهیتی هستند؟

- (۱) فرضی
- (۲) واقعی
- (۳) ذهنی
- (۴) اعتباری

## ۹- مؤسسات غیر تجاری آن دسته از اشخاص حقوقی هستند که برای ..... تشکیل شده‌اند.

- (۱) مقاصد سودآور
- (۲) امور خیریه
- (۳) مقاصد عام المنفعه
- (۴) مقاصدی مانند امور علمی و خیریه اعم از انتفاعی یا غیرانتفاعی

## ۱۰- کدام یک از عبارتهای زیر صحیح است؟

- (۱) شخص حقوقی دارای اهلیت است، مگر آن مواردی که منحصراً ویژه‌ی انسان است.
- (۲) شخص حقوقی فاقد اهلیت است، به جز مواردی که تصریح شده است.
- (۳) شخص حقوقی فاقد اهلیت است و اهلیت آن به اهلیت مدیران می‌باشد.
- (۴) شخص حقوقی، همانند شخص حقیقی اهلیت دارد.



## فصل سوم

### «مفهوم حجر»

#### تست‌های تألیفی فصل سوم

**کجه مثال ۱:** عقد نکاح پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال منوط است به .....

(۱) اذن ولی

(۲) تشخیص دادگاه

(۳) اجازه دادستان

(۴) اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: عقد نکاح پسری که هنوز به سن ۱۵ سال تمام شمسی نرسیده است، منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت او و تشخیص دادگاه صالح.

**کجه مثال ۲:** کدام گزینه صحیح است؟

(۱) صغیر بدون اذن ولی می‌تواند ودیعه قبول کند.

(۲) صغیر در اموری که خود اهلیت تصرف در آن را دارد، می‌تواند وکالت دیگری را در آن موارد قبول کند.

(۳) صغیر حتی با اذن ولی نمی‌تواند قرارداد کار امضا کند.

(۴) صغیر نمی‌تواند حتی با اذن ولی عاریه قبول کند.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ ودیعه و عاریه و قرارداد کار با اذن ولی برای صغیر صحیح است.

**کجه مثال ۳:** کدام گزینه نادرست است؟

(۱) هر غیر رشیدی، غیر ممیز هم هست، ولی هیچ ممیزی پیش از بلوغ، رشید محسوب نمی‌شود.

(۲) غیر رشیدی که عدم رشد او متصل به دوران صغر باشد، حکم حجر از دادگاه لازم ندارد.

(۳) اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود.

(۴) سفیه برای ازدواج به اذن ولی نیاز دارد.

☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ هر غیر ممیزی غیر رشید هم هست؛ چرا که قدرت تمیز یا عدم آن مربوط به قبل از سن بلوغ است، ولی رشد مربوط به بعد از سن بلوغ است.

**کجه مثال ۴:** کدام یک عهده دار امور مجنونی است که جنون او متصل به دوران صغر نیست؟

(۱) ولی قهری

(۲) ولی خاص

(۳) قیم

(۴) وصی

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ پدر و جد پدری ولی قهری نامیده شده و ولی خاص؛ شامل ولی قهری به علاوه وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری می‌باشد. برای مجنون غیر متصل به صغر یعنی کسی که پس از رشد، جنون بر او حادث شده قیم نصب می‌شود و برای مجنونی که جنون وی متصل به دوران صغر اوست، ولی خاص عهده‌دار امور اوست.



## آزمون فصل سوم

## کله ۱- در مورد نکاح شخص صغیر، کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) وصی می‌تواند صغیر را به نکاح در آورد.  
 (۲) قیم می‌تواند مجنون را با تجویز پزشک و اجازه دادستان به نکاح در آورد.  
 (۳) ازدواج صغیر با اذن ولی، بدون اجازه دادستان غیرنافذ است.  
 (۴) همه موارد

## کله ۲- نسبت به غیررشدیدی که عدم رشد او، متصل به دوران صغر است و غیررشدیدی که رشد او بعد از بلوغ زایل می‌شود به ترتیب:

- (۱) حکم حجر از دادگاه لازم نیست - لازم نیست.  
 (۲) حکم حجر از دادگاه لازم نیست - است.  
 (۳) حکم حجر از دادگاه لازم است - است.  
 (۴) حکم حجر از دادگاه لازم است - نیست.

## کله ۳- حکم به کار گرفتن سفیه و قرارداد کار با او چه صورتی در حقوق ایران دارد؟

- (۱) به اجازه ولی و رضای او معتبر است و اجرت عمل سفیه باید به ولی پرداخت شود.  
 (۲) به اجازه ولی و رضای صغیر معتبر است و اجرت عمل باید به سفیه پرداخت شود.  
 (۳) به اجازه ولی و رضای صغیر معتبر است و اجرت عمل باید به ولی پرداخت شود.  
 (۴) اصولاً معتبر نیست.

## کله ۴- حجر صغیر و حجر مجنون که بعد از بلوغ دچار عارضه جنون گردیده است، به ترتیب:

- (۱) حجر، قانونی - قانونی است. (۲) حجر قضایی - قضایی است. (۳) حجر قضایی - قانونی است. (۴) حجر قانونی - قضایی است.

## کله ۵- از نظر قانون مدنی، اسباب حجر عبارتند از:

- (۱) جنون - افلاس - رقیت یا بردگی  
 (۲) صغر - سفه - مرض متصل به موت  
 (۳) صغر - سفه - جنون  
 (۴) سفه - جنون - مرض متصل به موت

## کله ۶- حجر تاجر ورشکسته و مجنون به ترتیب:

- (۱) حجر حمایتی - سوءظنی است.  
 (۲) حجر سوءظنی - حمایتی است.  
 (۳) حجر حمایتی - حمایتی است.  
 (۴) حجر سوءظنی - سوءظنی است.

## کله ۷- رابطه بین سمت و اختیار داشتن با اهلیت به لحاظ منطقی:

- (۱) تساوی (۲) تباین (۳) عموم و خصوص مطلق (۴) عموم و خصوص من وجه است.

## کله ۸- نهاد «حضانت» در حقوق ایران شامل چه اموری است؟

- (۱) صرفاً امور مالی  
 (۲) صرفاً امور غیر مالی  
 (۳) امور مالی، غیر مالی و حمایت جسمی و فیزیکی  
 (۴) صرفاً حمایت جسمی و فیزیکی

## کله ۹- استعمال اهلیت به طور مطلق در بردارنده:

- (۱) صرفاً اهلیت تمتع است. (۲) صرفاً اهلیت استیفا است. (۳) اهلیت تمتع و استیفا (۴) اصولاً اهلیت تمتع است.

## کله ۱۰- در زمینه اهلیت تمتع و اهلیت استیفا به ترتیب:

- (۱) اصل عدم - اصل وجود است. (۲) اصل عدم - اصل عدم است. (۳) اصل وجود - اصل وجود است. (۴) اصل وجود - اصل عدم است.

## فصل چهارم

## «قیمومت»

## تست‌های تألیفی فصل چهارم

**کلمه مثال ۱:** کدامیک از اشخاص زیر برای اینکه عهده دار محجور شوند، باید تمکن مالی داشته باشند؟

- (۱) قیم (۲) ولی قهری (۳) کسی که حضانت بر عهده اوست (۴) سرپرست

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ سرپرستی کودکان با قیمومیت و حضانت تفاوت دارد که شرایط خاص آن در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست آمده است.

**کلمه مثال ۲:** در صورت عدم توانایی ولی در اداره امور مولی علیه به واسطه امور موقتی مثل غیبت یا حبس.....

- (۱) قیم نصب می‌شود و در تصمیم‌گیری مستقل است. (۲) ضم‌امین می‌شود و با مشارکت ولی عمل می‌کند.  
(۳) قیم موقت نصب می‌شود که با مشارکت ولی عمل می‌کند. (۴) امین موقت نصب می‌شود که به تنهایی تصمیم می‌گیرد.

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ چون مورد، از جمله موارد موقتی است که امین موقت نصب می‌شود و موارد نصب قیم موقت محدود به موارد گفته شده است.

**کلمه مثال ۳:** دادگاه در کار ولی قهری ..... دخالت کند، ولی در کار قیم ..... دخالت کند.

- (۱) می‌تواند - نمی‌تواند. (۲) نمی‌تواند - می‌تواند.

- (۳) به صورت محدود می‌تواند - کاملاً می‌تواند. (۴) کاملاً می‌تواند - به صورت محدود می‌تواند.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ یکی از تفاوت‌های عمده ولی خاص با قیم در این است که دادگاه حق ندارد در کار ولی خاص (ولی قهری - وصی) دخالت کند، اما در مورد قیم حق دخالت دارد.

**کلمه مثال ۴:** کدام گزینه غلط است؟

- (۱) حکم حجر قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدید نظر استان است.  
(۲) فوت کسی که حجر او درخواست شده مانع از صدور حکم حجر است.  
(۳) برای افرادی که هنوز به سن بلوغ یا رشد نرسیده‌اند، صدور حکم حجر لازم نیست.  
(۴) انتشار حکم حجر در صورتی لازم است که شخص معاملات بالنسبه عمده انجام داده باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ فوت مانع از صدور حکم حجر نیست، زیرا آثاری بر حجر مترتب است که با فوت از بین نمی‌رود.

**کلمه مثال ۵:** اذن قیم در ازدواج نابالغ..... و در ازدواج سفیه ..... و در طلاق زوجه شخص محجور.....

- (۱) دخالتی ندارد، لازم است، دخالتی ندارد. (۲) لازم است، دخالتی ندارد، دخالت ندارد.  
(۳) دخالتی ندارد، دخالتی ندارد، لازم است. (۴) لازم است، دخالتی ندارد، لازم است.

☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ عقد نکاح قبل از بلوغ در اختیار ولی قهری است سفیه هر چند در امور غیرمالی محجور نیست، ولی چون نکاح آثار مالی دارد، به اذن قیم نیاز دارد. ولی طلاق چون امری غیر مالی است، خودش تصمیم می‌گیرد.

**کلمه مثال ۶:** قیم..... پس از ابلاغ وقت دارد نظر خود را مبنی بر قبول یا رد اعلام کند.

- (۱) یک هفته (۲) یک ماه (۳) ۳ روز (۴) ۲۴ ساعت

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ قیم سه روز پس از ابلاغ وقت دارد نظر خود را مبنی بر قبول یا رد اعلام کند.

**کلمه مثال ۷:** کدامیک از موارد عزل قیم نیست؟

- (۱) زایل شدن صفت امانت (۲) عدم تضمین در صورت تقاضای دادگاه  
(۳) در صورت اعسار قیم (۴) ندادن حساب تصدی سالانه

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ اعسار جدای از ورشکستگی که از موارد عزل می‌باشد، بوده و حتی اعسار از موارد حجر نیز محسوب نمی‌شود.

## آزمون فصل چهارم

**۱- اگر ولی و قیم در اثر حجر، سمت خود را از دست داده و سپس به حالت سابق باز گردند؟**

- (۱) هم ولایت و هم قیمومت، به اشخاص باز می‌گردد.  
 (۲) سمت ولایت باز می‌گردد، اما قیمومت باز نمی‌گردد.  
 (۳) سمت قیمومت باز می‌گردد، اما ولایت باز نمی‌گردد.  
 (۴) نه سمت ولایت و نه سمت قیمومت هیچ یک باز نمی‌گردد.

**۲- مطابق قانون مدنی، سن حضانت نسبت به والدین چگونه است؟**

- (۱) حضانت طفل تا ۷ سالگی با پدر و بعد از ۷ سالگی با مادر است.  
 (۲) حضانت طفل تا ۷ سالگی با مادر و بعد از ۷ سالگی با پدر است.  
 (۳) حضانت طفل اصولاً با پدر است، مگر دادگاه حضانت را به مادر دهد.  
 (۴) حضانت طفل اصولاً با مادر است، مگر اینکه دادگاه حضانت را به پدر دهد.

**۳- کدام گزینه صحیح است؟**

- (۱) قیم و سرپرست هر دو می‌توانند برای انجام وظایف خود مطالبه اجرت نمایند.  
 (۲) قیم و سرپرست هیچ یک نمی‌توانند برای انجام وظایف خود اجرت مطالبه نمایند.  
 (۳) قیم می‌تواند برای انجام وظایف اجرت مطالبه نماید، اما سرپرست نمی‌تواند.  
 (۴) سرپرست می‌تواند برای انجام وظایف اجرت مطالبه نماید، اما قیم نمی‌تواند.

**۴- ولی خاص متشکل است از:**

- (۱) پدر - وصی - قیم - جد پدری  
 (۲) پدر - قیم - وصی  
 (۳) پدر - جد پدری - وصی  
 (۴) پدر - جد پدری

**۵- کدام جمله صحیح است؟**

- (۱) ولی قهری به حکم مستقیم قانون و قیم به حکم دادگاه انتخاب می‌شود.  
 (۲) دادگاه هم می‌تواند در کار قیم و هم در کار ولی قهری دخالت نماید.  
 (۳) نه وصی و نه قیم هیچ یک نمی‌توانند با محجور طرف معامله قرار گیرند.  
 (۴) هیچکدام

**۶- ناظری که دادگاه برای قیم انتخاب می‌نماید:**

- (۱) می‌تواند اطلاعی یا استصوابی باشد.  
 (۲) صرفاً اطلاعی است.  
 (۳) صرفاً استصوابی است.  
 (۴) انتخاب ناظر برای قیم خلاف قانون است.

**۷- در صورتی که دو یا چند نفر به سمت قیمومت تعیین شوند؟**

- (۱) دادگاه می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید یا اینکه مجتمعاً آنها را منصوب کند.  
 (۲) صرفاً باید مجتمعاً کار کنند.  
 (۳) صرفاً باید منفرداً کار کنند.  
 (۴) تنها باید برای هر شخص، یک قیم تعیین گردد.

**۸- کدام گزینه صحیح نیست؟**

- (۱) به محض زوال وصف امانت از قیم، قیم عزل می‌شود.  
 (۲) به محض سفیه شدن، قیم عزل می‌شود.  
 (۳) به محض ورشکستگی، قیم عزل می‌شود.  
 (۴) به محض محکومیت به حبس، قیم عزل می‌شود.

**۹- حفظ و نظارت بر اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید تا زمانی که قیم تعیین نشده است بر عهده کیست؟**

- (۱) ولی  
 (۲) وصی  
 (۳) قاضی دادگاه  
 (۴) مدعی العموم

**۱۰- کدام یک از اشخاص زیر می‌توانند به سمت قیمومت معین شوند؟**

- (۱) کسی که خود تحت ولایت و قیمومت باشد.  
 (۲) کسی که از نظر مالی در وضع پایین‌تری از محجور قرار داشته باشد.  
 (۳) کسی که به علت ارتکاب اختلاس، به موجب حکم قطعی محکوم شده باشد.  
 (۴) کسی که اقرباء طبقه اول او دعوایی بر محجور داشته باشند.



## پاسخنامه آزمون‌های در اشخاص

## فصل اول: شخص طبیعی

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۳» | ۲- گزینه «۳» | ۳- گزینه «۴» | ۴- گزینه «۱» | ۵- گزینه «۳»  |
| ۶- گزینه «۴» | ۷- گزینه «۲» | ۸- گزینه «۲» | ۹- گزینه «۲» | ۱۰- گزینه «۳» |

## فصل دوم: شخص حقوقی

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۲» | ۲- گزینه «۳» | ۳- گزینه «۲» | ۴- گزینه «۴» | ۵- گزینه «۳»  |
| ۶- گزینه «۲» | ۷- گزینه «۴» | ۸- گزینه «۴» | ۹- گزینه «۴» | ۱۰- گزینه «۱» |

## فصل سوم: مفهوم حجر

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۱» | ۲- گزینه «۲» | ۳- گزینه «۳» | ۴- گزینه «۴» | ۵- گزینه «۳»  |
| ۶- گزینه «۲» | ۷- گزینه «۳» | ۸- گزینه «۴» | ۹- گزینه «۲» | ۱۰- گزینه «۴» |

## فصل چهارم: قیمومت

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۲» | ۲- گزینه «۲» | ۳- گزینه «۳» | ۴- گزینه «۳» | ۵- گزینه «۱»  |
| ۶- گزینه «۱» | ۷- گزینه «۱» | ۸- گزینه «۲» | ۹- گزینه «۴» | ۱۰- گزینه «۲» |

# در اموال و مالکیت

## فصل اول

### «انواع مال»

#### تست‌های تألیفی فصل اول

##### ❏ مثال ۱: تفاوت بین مال و شیء:

- (۱) شیء همواره دارای ارزش اقتصادی و قابل تقویم به پول است، ولی مال ممکن است ارزش مبادله اقتصادی داشته یا نداشته باشد.
- (۲) بین مال و شیء تفاوتی وجود نداشته و رابطه آنها تساوی است.
- (۳) مال همواره دارای ارزش اقتصادی و قابل تقویم به پول نیست، ولی شیء همواره ارزش مبادله اقتصادی دارد.
- (۴) تفاوت بین مال و شیء این است که مال همواره دارای ارزش مبادله اقتصادی و قابل تقویم به پول است؛ ولی شیء ممکن است ارزش مبادله اقتصادی داشته یا نداشته باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۴»؛ اموال جمع مال است و آن چیزی است که قابل استفاده بوده و ارزش مبادله اقتصادی و داد و ستد داشته باشد. فرق بین مال و شیء این است که مال همواره دارای ارزش مبادله اقتصادی و قابل تقویم به پول است، ولی شیء ممکن است ارزش مبادله اقتصادی داشته یا نداشته باشد. بنابراین هر مال شیء است، ولی هر شیء مال نیست. با توجه به مطلب فوق رابطه بین مال (خاص) و شیء (عام) عموم و خصوص مطلق است. مثلاً آفتاب و هوا، در داد و ستد به کار نمی‌روند و ارزش مبادله اقتصادی ندارند و قابل تملک و تقویم به پول نیستند، شیء هستند، لیکن مال به شمار نمی‌آیند.

##### ❏ مثال ۲: برای اینکه چیزی مال محسوب شود؟

- (۱) باید عرفاً شناخته شود.
- (۲) باید میان طرفین مال شناخته شود.
- (۳) باید عرفاً یا میان طرفین مال شناخته شود.
- (۴) صرفاً باید به موجب قرارداد مال شناخته شود.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ مطابق اصول حقوقی برای آنکه چیزی مال محسوب شود یا عرفاً باید دارای ارزش اقتصادی باشد و یا اینکه در رابطه بین طرفین مال به حساب آید؛ مثلاً یک عکس خانوادگی شاید عرفاً مال نباشد، اما ممکن است بین طرفین مال باشد و دارای اهمیت و ارزش اقتصادی گردد.

##### ❏ مثال ۳: کدام یک از حقوق ذیل حق عینی اصلی نمی‌باشد:

- (۱) حق شفعه (۲) حق تحجیر (۳) حق مرتهن بر عین مرهونه (۴) حق ارتفاق
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ حقوق عینی اصلی حقوقی هستند که به طور مستقل به چیزی تعلق گرفته‌اند؛ یعنی خود به استقلال، مورد احتیاج و استفاده بشر می‌باشند. مهمترین این حقوق مالکیت (اعم از عین و منفعت) است (ماده ۲۹ قانون مدنی). حقوق عینی تبعی: حقوقی را گویند که به عنوان وثیقه دین به کار می‌روند و بدین جهت استقلال نداشته و تابع دین می‌باشند، مانند حق رهن. در این مورد بستانکار برای اطمینان خاطر خود مالی را از بدهکار به رهن می‌گیرد. و بدین طریق نسبت به آن مال حق تقدم بر بستانکاران دیگر پیدا می‌کند؛ و هرگاه بدهکار از پرداخت بدهی خود امتناع نماید، بستانکار می‌تواند با رعایت مقررات و تشریفات قانونی، طلب خود را از مال مورد رهن وصول کند؛ بنابراین، حق وی نسبت به مال مرهون که یک حق عینی است حق مستقلی نیست، بلکه تابع دین است و با سقوط دین، این حق نیز ساقط می‌گردد.

##### ❏ مثال ۴: حقوقی که به طور مستقل مورد احتیاج بشر است .....

- (۱) حق دینی است. (۲) حق عینی است. (۳) حق مختلط است. (۴) حق شخصی است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ حقوق عینی حقوقی هستند که بی واسطه و به طور مستقل مورد احتیاج بشر است، مانند: حق تملیک بر یک مال.

##### ❏ مثال ۵: منافی که به حکم عادت در آینده به وجود می‌آیند؟

- (۱) در حکم منافع محسوب می‌شوند و تلف آنها ضمان آور است.
- (۲) در حکم منافع محسوب نمی‌شود، اما تلف آنها ضمان آور است.
- (۳) در حکم منافع محسوب می‌شوند اما تلف آنها ضمان آور نیست.
- (۴) در حکم منافع محسوب نمی‌شوند و تلف آنها نیز ضمان آور نیست.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱»؛ مطابق نظر حقوقدانان، این گونه از منافع در حکم منافع و تلف آنها نیز ضمان آور می‌باشد.

**مثال ۶: نفقه زوجه:**

- (۱) اگر عین معین باشد، ملک زوجه است.
- (۲) اگر مال مصرف نشدنی باشد، ملک زوجه نمی‌باشد و وی در آن فقط اباحه تصرف یا اذن در تصرف دارد.
- (۳) اگر مال مصرف شدنی باشد، ملک زوجه است.
- (۴) گزینه ۲ و ۳

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ استفاده از بعضی اموال با بقاء عین ممکن است، بدین معنی که بهره‌گیری از آنها موجب نابودی آنی عین نمی‌گردد؛ مانند خانه و لباس، ولی اموالی هستند که استفاده از آنها با بقاء عین ممکن نیست و انتفاع از آنها مستلزم نابودی آنهاست؛ مانند میوه و دیگر مواد مصرف شدنی. این تقسیم‌بندی نیز در حقوق در مواردی به کار می‌آید، از جمله در مورد اجاره (ماده ۴۷۱ قانون مدنی): «برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره با بقا اصل آن ممکن باشد» و عاریه (ماده ۶۳۷ قانون مدنی): «هر چیزی که بتوان با بقا اصلش از آن منتفع شد، می‌تواند موضوع عقد عاریه گردد. منفعتی که مقصود از عاریه است منفعتی است که مشروع و عقلایی باشد» و وقف (ماده ۵۸ قانون مدنی): «فقط وقف مالی جایز است که با بقا عین بتوان از آن منتفع شد اعم از اینکه منقول باشد یا غیرمنقول مشاع باشد یا مفروز». و عقد موجد حق انتفاع (ماده ۴۶ قانون مدنی): «حق انتفاع ممکن است فقط نسبت به مالی برقرار شود که استفاده از آن با بقا عین ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیرمنقول و مشاع باشد یا مفروز». موضوع این عقود باید از اموالی باشد که انتفاع از آنها با بقاء عین ممکن باشد. همچنین در مورد استرداد هدایای نامزدی (ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی): «هر یک از نامزدها می‌توانند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایایی را که به طرف دیگر یا ابویین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کنند» و نیز مالی که به عنوان نفقه و برای مصرف در اختیار زن قرار داده می‌شود و با انتفاع از بین می‌رود ملک او است، ولی درباره اموالی که در برابر انتفاع باقی می‌ماند، هرگاه در يد عرف تسلیم مال به عنوان بخشش باشد (مانند هدایا، لباس، زیورهای زنانه) ملک زن است و در مورد خانه و اثاث منزل تنها اذن انتفاع به زن داده می‌شود.

**مثال ۷: بیگانگان:**

- (۱) برای سکونت، صنعت و تجارت می‌توانند اموال غیرمنقول و املاک مزروعی تملک کنند.
  - (۲) فقط برای سکونت می‌توانند اموال غیرمنقول تملک کنند و حق تملک املاک مزروعی را ندارند، لیکن در مورد مالکیت اموال منقول، بیگانگان تفاوتی با اتباع ایرانی ندارند.
  - (۳) فقط برای سکونت و صنعت و تجارت می‌توانند اموال غیرمنقول تملک کنند و حق تملک املاک مزروعی را ندارند، لیکن در مورد اموال منقول، بیگانگان تفاوتی با اتباع ایران ندارند.
  - (۴) فقط برای سکونت و تجارت می‌توانند اموال غیرمنقول تملک کنند و حق تملک املاک مزروعی را ندارند. لیکن در مورد اموال منقول، بیگانگان تفاوتی با اتباع ایران ندارند.
- پاسخ:** گزینه «۳»؛ اتباع بیگانه فقط برای سکونت و صنعت و تجارت می‌توانند اموال غیرمنقول تملک کنند و حق تملک املاک مزروعی را ندارند، لیکن در مورد مالکیت اموال منقول، بیگانگان تفاوتی با اتباع ایران ندارند:
- قانون راجع به اموال غیرمنقول اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۶ و آیین نامه استملاک اتباع بیگانه مصوب ۱۳۲۷.

**مثال ۸: غیرمنقول حکمی:**

- (۱) از همه نظر، در حکم غیرمنقول است.
  - (۲) از نظر صلاحیت محاکم، در حکم غیرمنقول است.
  - (۳) از جهت توقیف اموال، در حکم غیرمنقول است.
  - (۴) از جهت صلاحیت محاکم و توقیف مال، در حکم غیرمنقول است.
- پاسخ:** گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۱۷ قانون مدنی، این قسم از غیرمنقول از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال غیرمنقول و اصالاً منقول می‌باشد. ب - مالک این اموال و زمین کشاورزی یکی باشد؛ مثلاً زمین زراعی یا اموال مزبور استیجاری نباشد، برای مثال اگر شخصی زمینی را برای زراعت اجاره کند تراکتوری را که به امر زراعت اختصاص می‌دهد در حکم مال غیرمنقول محسوب نمی‌شود.

**مثال ۹: کدام یک از اموال ذیل منقول محسوب می‌شود:**

- (۱) لوله به کار رفته در ساختمان
- (۲) تراکتوری که توسط مالک زمین مزروعی به زراعت اختصاص داده شده است.
- (۳) دعوای تصرف عدوانی
- (۴) آجرهای به کار رفته در بنا که قرار است از ساختمان جدا و فروخته شود.



**پاسخ: گزینه «۴»؛ «مال پیشاپیش منقول»** اصطلاحی است که در قانون مدنی وجود ندارد و چون این اموال ذاتاً غیرمنقول نیستند و در نتیجه پیوستگی به بنا و عمل انسان غیرمنقول شده‌اند، قصد طرفین می‌تواند وصف منقول به آنها بدهد؛ بنابراین اگر قصد طرفین معامله بر خراب کردن بنا، چیدن میوه، درو کردن محصول، بریدن شاخه‌ها یا کندن اشجار باشد، مال مورد معامله، با توجه به اراده متعاملین، منقول به شمار می‌آید؛ بنابراین اگر صاحب ملک، آجرهای به کار رفته در ساختمان را قبل از جدا کردن از بنا بفروشد، چون قصد طرفین مبنی بر جدا کردن آجرها از بنا در فاصله‌ای کوتاه است، می‌توان گفت مورد معامله غیرمنقول محسوب نمی‌شود و مشمول مقررات راجع به آن (از قبیل تنظیم سند رسمی و صلاحیت دادگاه محل وقوع مال در صورت اختلاف) نخواهد بود؛ بنابراین در صورت ایجاد اختلاف، دادگاه محل اقامت خوانده صالح می‌باشد.

#### ❖ مثال ۱۰: کدام یک از تعهدات و اموال ذیل منقول می‌باشند؟

- (۱) تعهد به انتقال مال غیرمنقول
- (۲) تعهد به تسلیم مال غیرمنقول
- (۳) مال الاجاره غیرمنقول که ناشی از قرارداد اجاره است، سهام بی‌نام شرکتها و سهم‌الشرکه شرکا و مالکیت‌های معنوی
- (۴) تعهد به دادن اجرت المثل استفاده از مال غیرمنقول

**پاسخ: گزینه «۳»؛ مال الاجاره غیرمنقول** که ناشی از قرارداد اجاره است، منقول به شمار می‌آید؛ لیکن **اجرت المثل غیرمنقول** که بدون قرارداد بر **عهده متصرف** یا **غاصب** قرار می‌گیرد، غیرمنقول تبعی محسوب می‌شود. از آنجا که حق شرکاء در شرکت‌هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند به طور مستقیم به اموال شرکت تعلق نمی‌گیرد، بلکه در تملک سهمی از سود شرکت، در زمان حیات آن و تملک بخشی از سرمایه، بعد از انحلال شرکت، خلاصه می‌شود، باید حقوق شرکاء را مال منقول دانست. در خاتمه یادآور می‌شویم که بنابر آنچه از ماده ۱۸ قانون مدنی: «حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است» بر می‌آید و علمای حقوق هم پذیرفته‌اند، اصل در اموال، منقول بودن است و اموال غیرمنقول استثناء بر اصل هستند و باید آنها را منحصر به مواردی دانست که در قانون ذکر شده است. بنابراین، هرگاه در موردی نص قانونی وجود نداشته و در منقول یا غیرمنقول بودن مال تردید حاصل شود، مانند مالکیت‌های فکری یا معنوی، باید مال را مـ تصرف اموال عمومی توسط دولت اماره بر مالکیت است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

#### ❖ مثال ۱۱: اموال و مشترکات عمومی

- (۱) تملک خصوصی مشترکات عمومی ممنوع است.
- (۲) مشترکات عمومی متعلق به دولت است.
- (۳) گزینه ۱ و ۴
- (۴) استفاده انحصاری از مشترکات عمومی ممنوع است.

**پاسخ: گزینه «۳»؛ اولاً** تملک خصوصی مشترکات عمومی ممنوع است، یعنی افراد نمی‌توانند آنها را تملک نمایند. این معنی از مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ قانون مدنی مستفاد می‌گردد. به همین دلیل مشترکات عمومی قابل توقیف از سوی بستانکاران دولت نیستند؛ زیرا هدف از توقیف مال، فروش و انتقال آن به منظور استیفای طلب است و توقیف مالی که قابل انتقال و تملک خصوصی نیست کاری بیهوده است که این هدف را تأمین نمی‌کند. ثانیاً، استفاده انحصاری از آنها نیز ممنوع است؛ مثلاً هیچ کس نمی‌تواند یک باغ یا شارع عمومی را به استفاده شخص خود اختصاص دهد و دیگران را از استفاده از آن باز دارد. اموال مزبور را بدان جهت عمومی گویند که متعلق به عموم است و هیچ کس حق استفاده انحصاری از آنها را ندارد.

#### ❖ مثال ۱۲: اموال مجهول‌المالک:

- (۱) اموال مجهول‌المالک اموالی هستند که در ملکیت اشخاص هستند و مالک آنها معلوم است و اعراض وی نیز مسلم می‌باشد.
  - (۲) اموال مجهول‌المالک اموالی هستند که در ملکیت اشخاص نیستند و مالک آنها معلوم نیست.
  - (۳) اموال مجهول‌المالک اموالی هستند که در ملکیت اشخاص هستند، ولی مالک آنها معلوم نیست و اعراض وی نیز مسلم نمی‌باشد.
  - (۴) اموال مجهول‌المالک اموالی هستند که اعراض مالک از آن مسلم می‌باشد و جزء مباحات به شمار می‌آیند.
- پاسخ: گزینه «۳»؛ از جمله** مصادیق اموال مجهول‌المالک، **ودیعه‌ای** می‌باشد که مالک آن معلوم نباشد که در این صورت تابع اموال مجهول‌المالک است. مطابق ماده ۲۸ قانون مدنی: «اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم (یعنی دادستان) یا مأذون (نماینده) از طرف وی به مصارف فقرا می‌رسد».

#### ❖ مثال ۱۳: انتقال مال در کدام یک از حالات زیر «مسلوب‌المنفعة» می‌باشد؟

- (۱) بیع مالی که در اجاره دیگری است.
- (۲) انعقاد حق انتفاع به صورت عمری
- (۳) حق ارتفاق ایجاد شده به سود شخص
- (۴) حق انتفاعی که به صورت رقبی باشد.

**پاسخ: گزینه «۱»؛ در** گزینه ۱ وقتی مال در اجاره دیگری است، در حقیقت منافع مال تا زمان مشخص متعلق به آن شخص است، هرچند مالک در زمان اجاره می‌تواند عین مال را به دیگری بفروشد، ولی شخص خریدار تا پایان اجاره شخص اول از منافع محروم است. در این حالت قرارداد مسلوب‌المنفعه می‌باشد که در گزینه‌های دیگر چنین موردی نیست و منافع با عین در اختیار طرف گذاشته می‌شود.



## آزمون فصل اول

### کدام ۱- اقسام عین عبارتند از:

- (۱) معین، کلی در معین، به طور کلی از شیء متساوی الاجزاء  
(۲) معین، غیرمعین، کلی در معین  
(۳) معین، کلی فی الذمه، کلی در معین  
(۴) معین، کلی فی الذمه، غیر معین

### کدام ۲- اموال در حکم غیرمنقول:

- (۱) از همه لحاظ غیرمنقول فرض می‌شوند.  
(۲) تنها از حیث صلاحیت محاکم غیرمنقول فرض می‌شوند.  
(۳) تنها از حیث توقیف اموال، غیرمنقول فرض می‌شوند.  
(۴) از حیث صلاحیت محاکم و توقیف اموال غیرمنقول فرض می‌شوند.

### کدام ۳- مقصود از مشترکات عمومی چیست؟

- (۱) آنچه برای رفع نیازهای عمومی از طرف دولت اختصاص یافته است.  
(۲) مباحات  
(۳) اموال مجهول المالک  
(۴) هیچکدام

### کدام ۴- کدام جمله صحیح نیست؟

- (۱) اموالی که مالک خاص ندارند عبارتند از: مشترکات عمومی، مباحات و اموال مجهول المالک  
(۲) مال الاجاره غیرمنقول که ناشی از قرارداد اجاره است، غیرمنقول است.  
(۳) خسارات وارد بر املاک و اجرت المثل، منقول نیست.  
(۴) حیات یعنی تصرف و وضع ید یا مهیا نمودن وسایل تصرف و استیلا

### کدام ۵- ترکه متوفی:

- (۱) دارای شخصیت حقوقی است. (۲) فاقد شخصیت حقوقی است.  
(۳) ماهیت ویژه دارد. (۴) گزینه ۱ و ۳

### کدام ۶- تفاوت حق دینی و عینی در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) حق عینی از دو عنصر ساخته شده و حق دینی از سه عنصر  
(۲) حق عینی مستلزم حق تقدم است، برخلاف حق دینی  
(۳) حق دینی مستلزم حق تعقیب است، برخلاف حق عینی  
(۴) گزینه ۱ و ۳

### کدام ۷- حق التألیف و حق اختراع به ترتیب ..... هستند.

- (۱) منقول - منقول (۲) غیرمنقول - غیرمنقول  
(۳) منقول - غیرمنقول (۴) غیرمنقول - منقول

### کدام ۸- اگر در منقول یا غیرمنقول بودن شیء تردید شود:

- (۱) منقول فرض می‌شود. (۲) غیرمنقول فرض می‌شود.  
(۳) عرف تعیین می‌کند. (۴) گزینه ۱ و ۳

### کدام ۹- حق شریکان در یک شرکت:

- (۱) منقول است. (۲) غیرمنقول است.  
(۳) اصولاً غیرمنقول است. (۴) موارد ۱ و ۲

### کدام ۱۰- کدام گزینه در مورد حق مالی صحیح است؟

- (۱) قابل تقویم و ارزیابی به پول نیست.  
(۲) قابل اسقاط نیست.  
(۳) قابل توقیف نیست.  
(۴) قابل انتقال است.



## فصل دوم

## «مالکیت»

## تست‌های تألیفی فصل دوم

**که مثال ۱:** در تعارض قاعده تسلیط و لا ضرر:

- (۱) قاعده تسلیط حاکم است.  
 (۲) قاعده لا ضرر حاکم است.  
 (۳) هیچ یک بر دیگری برتری ندارد و جمع می‌گردد.  
 (۴) هر دو ساقط می‌شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ مطابق ماده ۱۳۲ قانون مدنی تصرفی مشروع است که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر باشد و اصل ۴۰ قانون اساسی نیز می‌گوید: هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد.

**که مثال ۲:** تصرفی مشروع است که:

- (۱) به قدر متعارف باشد.  
 (۲) برای دفع ضرر و رفع حاجت باشد.  
 (۳) به قدر متعارف یا برای دفع ضرر و رفع حاجت باشد.  
 (۴) به قدر متعارف و برای دفع ضرر یا رفع حاجت باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۱۳۲ تصرفی، مشروع است که به قدر متعارف و برای دفع ضرر یا رفع حاجت باشد.

**که مثال ۳:** مالک می‌تواند:

- (۱) در دیوار مشترک، روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می‌تواند جلو روزنه یا شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود.  
 (۲) در دیوارمختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را دارد.  
 (۳) در دیوار مختصی خود در و پنجره باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می‌تواند جلو در و پنجره، دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود.  
 (۴) از دیوار مختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می‌تواند جلو روزنه یا شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ ماده ۱۳۳ قانون مدنی در این مورد بیان می‌دارد: «کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند، اگرچه دیوار ملک مختص او باشد، لیکن می‌تواند از دیوار مختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می‌تواند جلو روزانه یا شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود». تصرف در دیوار مشترک بدون اذن همسایه ممنوع است و هیچ یک از دو طرف حق باز کردن در و پنجره و روزنه را ندارد، مگر به اذن شریک دیگر: (ماده ۱۱۸ قانون مدنی): «هیچ یک از دو شریک حق ندارد دیوار مشترک را بالا ببرد یا روی آن بنا سر تیر بگذارد یا دریچه و رف باز کند یا هر نوع تصرفی نماید، مگر به اذن شریک دیگر».

**که مثال ۴:** چنانچه قراردادی بین مالکین ساختمان برای اداره قسمتهای مشترک آن وجود نداشته باشد:

- (۱) کلیه تصمیمات مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت‌های مشترک به وسیله اکثریت آراء مالکینی که حداقل نصف مساحت تمام قسمتهای اختصاصی را دارا باشند، گرفته خواهد شد.  
 (۲) کلیه تصمیمات مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت‌های مشترک به وسیله اکثریت آراء مالکینی که بیش از نصف مساحت تمام قسمتهای اختصاصی را دارا باشند، گرفته خواهد شد.  
 (۳) کلیه تصمیمات مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت‌های مشترک به وسیله اکثریت آراء مالکینی که بیش از یک سوم مساحت تمام قسمتهای اختصاصی را دارا باشند، گرفته خواهد شد.  
 (۴) کلیه تصمیمات مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت‌های مشترک به وسیله اکثریت آراء مالکینی که حداقل یک سوم مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را دارا باشند، گرفته خواهد شد.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ به موجب قانون مدنی، برای تصرفات و اداره قسمت‌های مشترک، اصولاً توافق شرکاء لازم است، قاعده‌ای که درباره کلیه اموال مشاع لازم الاجراست، در مورد آپارتمانها هرگاه عده مالکین آپارتمان بیش از سه نفر باشد، برای اداره و امور مربوط به قسمتهای مشترک تشکیل یک مجمع عمومی مالکین مقرر شده است که با اکثریت آراء اخذ تصمیم می‌نمایند و تصمیماتش برای کلیه مالکین الزام آور است، بدان گونه که در شرکت‌های تجاری عمل می‌شود: (ماده ۶ قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳/۲/۱۶): «چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجود نداشته باشد، کلیه تصمیمات

مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت‌های مشترک به اکثریت آرای مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالک باشند. **تبصره:** نشانی مالکین برای ارسال کلیه دعوتنامه‌ها و اعلام تصمیمات مذکور در این قانون همان محل اختصاصی آنها در ساختمان است، مگر اینکه مالک نشانی دیگری را در همان شهر برای این امر تعیین کرده باشد» و ماده ۸ قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳/۲/۱۶: «در هر ساختمان مشمول مقررات این قانون در صورتی که عده مالکین بیش از سه نفر باشد، مجمع عمومی مالکین مکلفند مدیر یا مدیرانی از بین خود یا از خارج انتخاب نمایند طرز انتخاب مدیر از طرف مالکین و وظایف و تعهدات مدیر و امور مربوط به مدت مدیریت و سایر موضوعات مربوطه در آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد».

#### 🔗 مثال ۵: شریک مال مشاع:

- (۱) می‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء در مال مشاع تصرف مادی کند.
  - (۲) می‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء مال مشاع را اجاره دهد.
  - (۳) می‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء سهم خود را جزئاً یا کلاً به غیر اجاره یا بفروشد.
  - (۴) می‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء مال مشاع را رهن و به قبض دهد.
- ✅ **پاسخ:** گزینه «۳»؛ امکان انتقال سهم شریک بدون اذن دیگران به این دلیل است که تصرف حقوقی شریک در سهم اختصاصی خود مستلزم تصرف در سهم دیگران نیست. انتقال اعم است از این که موضوع آن عین سهم باشد یا منافع آن (ماده ۴۷۵ قانون مدنی) همچنین مفاد حکم اباحه سایر تصرفات حقوقی (مانند رهن) را نشان می‌دهد. یادآوری می‌شود که تصرف بدون اذن در کل مال مشاع هر چند حقوقی باشد، **فضولی** بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود. (ماده ۵۸۱ قانون مدنی: «تصرفات هر یک از شرکاء در صورتی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود.» و ۵۸۳ قانون مدنی: «هر یک از شرکاء می‌تواند بدون رضایت شرکاء دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل کند»).

#### 🔗 مثال ۶: شرطی که اوصاف ماهوی تملیک را از بین ببرد:

- (۱) باطل و غیر مبطل است.
  - (۲) باطل و مبطل است.
  - (۳) صحیح است.
  - (۴) باطل است.
- ✅ **پاسخ:** گزینه «۲»؛ شرطی که اوصاف ماهوی تملیک را از بین ببرد، خلاف مقتضای ذات عقد و مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، باطل و مبطل عقد است.

#### 🔗 مثال ۷: کدام گزینه غلط می‌باشد:

- (۱) حمل در بیع حیوان مالکیت تبعی محسوب و متعلق به مشتری است.
  - (۲) نتاج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هرکس مالک مادر باشد، مالک آن نتاج آن هم خواهد شد.
  - (۳) نما و محصولی که از زمین حاصل می‌شود، در هر صورت مال مالک زمین است.
  - (۴) گزینه ۱ و ۳
- ✅ **پاسخ:** گزینه «۴»؛ در فروش حیوان، با این که خریدار مالک مادر می‌شود، حمل از توابع مبیع نیست و خریدار به تبع مادر مالک حمل نمی‌شود. ماده ۳۵۸ قانون مدنی: «نظر به دو ماده فوق در بیع باغ اشجار و در بیع خانه ممر و مجری و هر چه ملصق به بنا باشد، به طوری که نتوان آن را بدون خرابی نقل نمود متعلق به مشتری می‌شود و برعکس زراعت در بیع زمین و میوه در بیع درخت و حمل در بیع حیوان متعلق به مشتری نمی‌شود، مگر اینکه تصریح شده باشد یا برحسب عرف از توابع شمرده شود. در هر حال طرفین عقد می‌توانند به عکس ترتیب فوق تراضی کنند». در مورد نما و محصولی که از زمین حاصل می‌شود و در صورتی که مالک زمین بذر یا اصله دیگری در زمین خود کاشته یا غاصب با بذر متعلق به خود در زمین متعلق به غیر کشاورزی نماید یا به وسیله عوامل طبیعی مانند باد یا حیوان بذر یا اصله یا حبه متعلق به غیر در زمین مالک رشد و نمو پیدا کند، در این صورت درخت و محصول مال صاحب بذر یا اصله یا حبه خواهد بود و نه مالک زمین (ماده ۳۳ قانون مدنی).

#### 🔗 مثال ۸: کدام یک از گزینه‌ها از اسباب تملک نیست؟

- (۱) شکار
  - (۲) عقد صلح
  - (۳) وصیت
  - (۴) حضانت
- ✅ **پاسخ:** گزینه «۴»؛ شکار از مصادیق حیازت مباحات است، عقد صلح نیز چون در زمره عقود است از اسباب تملک است، وصیت نیز طبق ماده ۱۴۰ قانون مدنی از اسباب تملک معرفی شده. ولی حضانت سبب تملک نیست و از مواردی است که به شخص انسان مربوط است.

**که مثال ۹: اسباب تملک عبارت است از:**

- (۱) عقود و تعهدات و ایقاع
- (۲) اخذ به شفعه و ارث و ایقاع
- (۳) احیاء اراضی موات و حیازات اشیاء مباحه
- (۴) احیاء اراضی موات و حیازات اشیاء مباحه - عقود و تعهدات - اخذ به شفعه و ارث.

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ ذکر این نکته ضروری است که قانون مدنی ایقاع را به طور عام به عنوان اسباب تملک و همچنین منابع تعهد نپذیرفته است، بلکه به صورت استثنایی ایقاع را در زمره اسباب تملک آورده است و همچنان که از ماده ۱۴۰ قانون مدنی: «تملك حاصل می‌شود: به احیاء اراضی موات و حیازات اشیاء مباحه، به وسیله عقود و تعهدات، به وسیله اخذ به شفعه، به ارث» پیداست در متن آن از کلمه «ایقاع» استفاده نشده است و قانونگذار به طور استثنایی از اخذ به شفعه و حیازات مباحات نام برده است.

**که مثال ۱۰: کدام گزینه درباره اخذ به شفعه صحیح است؟**

- (۱) مال باید غیر قابل تقسیم باشد. (۲) حتماً انتقال به وسیله عقد بیع باشد. (۳) شریکان بیش از دو نفر باشند. (۴) همه موارد
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ مطابق ماده ۸۰۸ قانون مدنی برای تحقق حق شفعه، مال غیرمنقول باید قابل تقسیم و مشترک بین دو نفر باشد و یکی از دو شریک حصه خود را با عقد بیع به ثالثی منتقل نماید.

**که مثال ۱۱: کدام یک از اسباب تملک ذیل قهری می‌باشد؟**

- (۱) ارث و اخذ به شفعه (۲) اخذ به شفعه و وصیت (۳) ارث (۴) ارث و وصیت
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ ارث یکی از اسباب تملک می‌باشد که به موجب آن اموال شخص بعد از فوت او به صورت قهری به خویشانش منتقل می‌گردد. اخذ به شفعه از ایقاعات بوده و نیاز به قصد انشاء دارد و وصیت نیز در هر دو صورت تملیکی (عقد) و عهدی (ایقاع) عمل حقوقی محسوب شده و نیاز به قصد انشاء دارد: (ماده ۱۹۱ قانون مدنی): «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند».

**که مثال ۱۲: تصرف به عنوان مالکیت:**

- (۱) دلیل مالکیت است. (۲) عین مالکیت است. (۳) اماره مالکیت است. (۴) مخالف با مالکیت است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ اگرچه ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف به عنوان مالکیت را دلیل مالکیت می‌داند، اما مطابق نظر جامع حقوقدانان دلیل را باید در این ماده به معنی اماره گرفت که تاب و توان پایداری در برابر سایر دلایل ندارد.

**که مثال ۱۳: در تعارض تصرف با ادعای مالکیت عمومی سابق:**

- (۱) تصرف مقدم است. (۲) مالکیت عمومی سابق مقدم است.
  - (۳) تصرف مقدم است در صورتی که سابقه مالکیت عمومی روشن باشد. (۴) در صورتی که تصرف مشروع باشد، مقدم است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ اماره تصرف، در برابر ادعای مالکیت عمومی، متصرف را از اقامه دلیل بی‌نیاز می‌کند، ولی اگر مالکیت عمومی سابق احراز شود اماره تصرف در برابر آن اعتبار ندارد؛ زیرا مشترکات یا اموال عمومی قابل تملک نیست تا تصرف اماره بر آن باشد.

**که مثال ۱۴: اموال موجود در محل سکونت زوجین:**

- (۱) مشترک بین زوجین می‌باشد.
- (۲) اموالی که تنها مورد استفاده مردان است، به زوج تعلق دارد و بقیه اموال، مشترک میان زوجین می‌باشد.
- (۳) اموالی که تنها مورد استفاده زنان است، به زوج تعلق دارد و بقیه اموال مشترک میان زوجین می‌باشد.
- (۴) اموالی که تنها مورد استفاده مردان است، به زوج تعلق دارد و اموالی که تنها مورد استفاده زنان است، به زوج تعلق دارد و بقیه اموال مشترک بین زوجین می‌باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ به موجب ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی در اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین، آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد، متعلق به زوج و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد، متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می‌شود، مگر این که خلاف آن ثابت گردد. برای سایر موارد قاعده ید (اماره تصرف) اعمال می‌شود.



## آزمون فصل دوم

## ۱- اوصاف مالکیت عبارت است از:

- (۱) دائمی بودن، انحصاری بودن، غیر مطلق بودن  
(۲) غیر مطلق بودن، غیر انحصاری بودن، دائمی بودن  
(۳) دائمی بودن، غیرانحصاری بودن، مطلق بودن  
(۴) دائمی بودن، انحصاری بودن، مطلق بودن

## ۲- مالکیت تبعی بر منافع و ثمره‌ها شامل ..... می‌باشد.

- (۱) منافع طبیعی و مصنوعی  
(۲) منافع عهده‌ای، طبیعی و مصنوعی  
(۳) صرفاً منافع عهده‌ای  
(۴) صرفاً منافع طبیعی و عهده‌ای

## ۳- مطابق قانون مدنی کدام مورد جزء اسباب تملک نیست؟

- (۱) اخذ به شفعه  
(۲) عقود و تعهدات  
(۳) ایقاع  
(۴) ارث

## ۴- شروع در احیاء:

- (۱) نه ایجاد حق مالکیت است، نه حق اولویت (تحجیر)  
(۲) صرفاً ایجاد حق مالکیت است.  
(۳) هم موجب حق مالکیت و هم حق اولویت (تحجیر)  
(۴) صرفاً ایجاد حق اولویت است (تحجیر)

## ۵- در تعارض تصرف فعلی و مالکیت سابق:

- (۱) تصرف فعلی معتبر است.  
(۲) مالکیت سابق معتبر است.  
(۳) اصولاً تصرف فعلی معتبر است.  
(۴) اصولاً مالکیت سابق معتبر است.

## ۶- تصرف ملک به عنوان وقفیت:

- (۱) دلیل بر وقف است.  
(۲) دلیل بر وقف نیست.  
(۳) اصولاً دلیل به وقف است.  
(۴) اصولاً دلیل بر وقف نیست.

## ۷- مطابق ماده ۳۵ که تصرف را دلیل مالکیت می‌داند، مقصود از دلیل چیست؟

- (۱) دلیل به مفهوم واقعی  
(۲) اماره قضایی  
(۳) اماره قانونی  
(۴) اصل عملی

## ۸- کدام مورد در زمینه غیرمنقول حکمی صحیح نیست؟

- (۱) عرفاً به کشاورزی اختصاص داده شده باشد.  
(۲) صاحب زمین و صاحب مال یکی باشد.  
(۳) قابل تسری به ماشین آلات صنعتی نیز می‌باشد.  
(۴) از جهت صلاحیت محاکم و توقیف آن‌ها غیرمنقول محسوب می‌گردد.

## ۹- غیرمنقول تبعی:

- (۱) دعاوی است.  
(۲) حقوق است.  
(۳) تابع زمین است.  
(۴) حقوق و دعاوی است.

## ۱۰- تصرف و استیلا یا مهیا کردن وسایل استیلا از دید قانون مدنی:

- (۱) احیاست.  
(۲) حیات است.  
(۳) اخذ به شفعه است.  
(۴) هیچکدام

## فصل سوم

## «شاخه‌های مالکیت»

## تست‌های تألیفی فصل سوم

## ❖ مثال ۱: تفاوت حق انتفاع عمری با حبس مطلق

(۱) هر دو از عقود لازم می‌باشند و غیر قابل رجوع

(۲) مدت حق انتفاع عمری در عقد موجد انتفاع ذکر می‌شود (به مدت عمر مالک یا منتفع یا ثالث)، اما در حبس مطلق، قانون مدت را تعیین می‌کند.

(۳) عقد موجد حق انتفاع عمری عقدی است لازم و غیر قابل رجوع و حبس مطلق از عقود جایز و قابل رجوع است.

(۴) مدت حق انتفاع عمری در عقد موجد انتفاع (به مدت عمر مالک یا منتفع یا ثالث) ذکر می‌شود، اما در حبس مطلق، قانون مدت را معین می‌کند (تا فوت یا رجوع مالک). عقد موجود حق انتفاع عمری، عقدی است لازم و غیر قابل رجوع و حبس مطلق از عقود جایز و قابل رجوع است.

❑ پاسخ: گزینه «۴»؛ مدت حق انتفاع در عقد موجد حق انتفاع معین می‌شود؛ ماده ۴۱ قانون مدنی: «عمری حق انتفاعی است که به موجب (عقدی) از طرف مالک برای شخص، به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی، برقرار شده باشد» و قانونگذار در تعیین مدت برای حبس مطلق در ماده ۴۴ قانون مدنی بیان می‌دارد: «در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد، حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود، مگر این که مالک قبل از فوت خود رجوع کند». همچنین در مورد لزوم و جواز حق انتفاع قانون مدنی ساکت است، اما با وجود اصل لزوم قراردادهای در صورت تردید در لزوم و جواز عقود باید عقد را لازم محسوب نمود. ماده ۲۱۹ قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». حبس مطلق عقدی است جایز که استثنائاً بنابر تصریح قانونگذار فقط با فوت یا رجوع مالک منحل می‌شود.

## ❖ مثال ۲: طبق قانون مدنی قبض در وقف ..... در عقد موجد حق انتفاع ..... است.

(۱) شرط صحت - شرط صحت (۲) شرط نفوذ - شرط صحت (۳) شرط تحقق - شرط صحت (۴) شرط لزوم - شرط نفوذ

❑ پاسخ: گزینه «۳»؛ ماده ۵۹ قانون مدنی در این زمینه بیان می‌دارد: «اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف (محقق) نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف (تحقق) پیدا می‌کند. و ماده ۴۸ قانون مدنی نیز بیان می‌کند: «در حبس، اعم از عمری و غیره، قبض شرط (صحت) است». وقف که توسط یک یا چند متولی اداره می‌شود ممکن است برای افراد خاصی باشد که در این صورت وقف خاص نامیده می‌شود و یا ممکن است برای عموم مردم وقف شود که در این صورت وقف عام نام می‌گیرد و قبول و قبض عین موقوفه نیز با حاکم است. ماده ۶۵ قانون مدنی: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط به اجازه دیان است.» و در اجرای وقف نیز اداره اوقاف نظارت دارد.

در مورد مالکیت عین موقوفه پس از وقف، هیچ یک از موقوف علیهم یا مالک سابق یا متولی مالک مال نیستند، بلکه مال در این حالت شخصیت حقوقی مستقلی پیدا می‌کند. این وضعیت در وقف خاص و عام تفاوتی ندارد. در ماده ۳ قانون اداره اوقاف آمده است: «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد»

## ❖ مثال ۳: چنانچه در حبس مطلق منتفع مجبور گردد کدام گزینه صحیح است؟

(۱) حق انتفاع به ولی منتفع واگذار می‌شود.

(۲) عقد منحل می‌شود.

(۳) حق همچنان برای خود منتفع برقرار است.

(۴) مالک می‌تواند از اذن خود رجوع کرده و عقد را منحل کند.

❑ پاسخ: گزینه «۳»؛ در حبس مطلق همانطور که گفته شد برخلاف حبس به صورت رقبی و عمری عقد جایز است، در عقود جایز نیز با مرگ یا حجر یکی از طرفین عقد منحل می‌شود. دکتر کاتوزیان بیان داشته‌اند که حبس مطلق فقط با فوت هر یک از مالک یا منتفع از بین می‌رود و نه با حجر هر یک از طرفین.

## ❖ مثال ۴: در وقف عین مال باید «حبس» شود، یعنی:

(۱) مال از ملکیت شخص خارج شود یا فک ملک

(۲) عین مال از نقل و انتقال مصون بماند.

(۳) منافع مال تسبیل شود.

(۴) گزینه ۱ و ۲

❑ پاسخ: گزینه «۴»؛ مقصود از «حبس عین» جدا ساختن ملک (فک ملک) از دارایی و مصون داشتن آن از نقل و انتقال است. حبس عین باید دائمی باشد نه موقت، هرچند که پس از مدتی هدف وقف منتفی شود.

**کلمه مثال ۵:** کدام گزینه در مورد حق انتفاع صحیح است؟

- (۱) قبض شرط نفوذ آن است.  
 (۲) ایجاد حق انتفاع بر معدوم به تبع موجود صحیح است.  
 (۳) عمری و رقبی در زمره عقود معین هستند.  
 (۴) حق انتفاع نسبت به مال غیر را نمی‌توان به دیگری انتقال داد.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ قبض در حق انتفاع شرط صحت است نه شرط نفوذ، شرط نفوذ آن است که عقدی صحیحاً ایجاد شده و برای کامل شدن نیازمند آن است، ولی شرط صحت شرطی است که تا ایجاد نشود، عقد اصلاً واقع نمی‌شود. در مورد گزینه ۳ نیز عمری و رقبی جزء عقود معین نیستند؛ زیرا شرایط و قواعد خاصی برای قرارداد آنها نیامده و با تراضی دو طرف شکل می‌گیرد. این حق قابل انتقال است، چرا که یک حق مالی است.

**کلمه مثال ۶:** اگر مالک عین موضوع حق انتفاع را به منتفع منتقل کند:

- (۱) عقد موجد حق انتفاع قابل فسخ است.  
 (۲) عقد موجد حق انتفاع باطل می‌شود.  
 (۳) عقد موجد حق انتفاع نافذ است.  
 (۴) حق انتفاع زایل می‌شود.  
**پاسخ:** گزینه «۴»؛ اگر مالک عین را به منتفع انتقال دهد، یا منتفع حق خود را به مالک ببخشد، حق انتفاع زایل می‌شود.

**کلمه مثال ۷:** انتقال عین موضوع حق انتفاع به ثالث موجب:

- (۱) بطلان حق انتفاع می‌شود و اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، خیار ندارد.  
 (۲) بطلان حق انتفاع نمی‌شود و اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، خیار تدلیس دارد.  
 (۳) بطلان حق انتفاع نمی‌شود و اگر منتقل الیه عالم باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، خیار تخلف از وصف دارد.  
 (۴) بطلان حق انتفاع نمی‌شود و اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، خیار تخلف از وصف دارد.  
**پاسخ:** گزینه «۴»؛ انتقال عین موضوع حق انتفاع به ثالث نافذ می‌باشد، ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت که عنوان خیار، خیار تخلف از وصف می‌باشد. ماده ۵۳ قانون مدنی: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود، ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت» و مستفاد از ماده ۴۱۱ قانون مدنی: «اگر بائع مبیع را ندیده، ولی مشتری آن را دیده باشد و مبیع غیر اوصافی که ذکر شده است دارا باشد، فقط بائع خیار فسخ خواهد داشت». ماده ۴۱۸ قانون مدنی: «اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است، خیار فسخ نخواهد داشت». ماده ۴۲۴ قانون مدنی: «عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم به آن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است» و ماده ۴۴۳ قانون مدنی: «تبعض صفقه وقتی موجب خیار است که مشتری در حین معامله عالم به آن نباشد، ولی در هر حال ثمن تقسیط می‌شود». علاوه بر این، شخص عالم خیار ندارد.

**کلمه مثال ۸:** عقد موجد حق ارتفاق

- (۱) حق عینی قائم به ملک است و مختص اموال منقول  
 (۲) عقد موجد حق ارتفاق در زمره عقود معین و دارای احکام خاص است.  
 (۳) عقد موجد حق ارتفاق در زمره عقود نامعین و بر طبق ماده ۱۰ قانون مدنی است.  
 (۴) عقد موجد حق ارتفاق در زمره عقود نامعین و بر طبق ماده ۱۰ قانون مدنی است، همچنین حقی عینی قائم به ملک که ناشی از عقد یا قانون است.  
**پاسخ:** گزینه «۴»؛ حق ارتفاق حق عینی قائم به ملک است و اختصاص به زمین دارد و به طور معمول در دو ملک مجاور برقرار می‌شود، البته حق ارتفاق رami توان به طور قراردادی بنابر تصریح ماده ۹۴ قانون مدنی: «صاحبان املاک می‌توانند در ملک خود هر حقی را که بخواهند نسبت به دیگری قرار دهند در این صورت کیفیت استحقاق تابع قرارداد و عقدی است که مطابق آن حق داده است» نیز برقرار کرد. حق ارتفاق جدای از ملک قابل انتقال نیست. برقراری حق ارتفاق ممکن است معوض باشد یا رایگان و قرارداد آن تابع مواد ۱۰ و ۱۹۰ قانون مدنی است.

**کلمه مثال ۹:** هرگاه از قدیم ملک کسی مجرای ملک دیگری باشد، اصطلاحاً به آن..... می‌گویند.

- (۱) ارتفاق تبعی  
 (۲) ارتفاق قراردادی  
 (۳) حق انتفاع طبیعی  
 (۴) ارتفاق طبیعی  
**پاسخ:** گزینه «۴»؛ حقوقدانان نام چنین حق ارتفاقی را «ارتفاق طبیعی» نهاده‌اند؛ زیرا ریشه این گونه ارتفاقی‌ها در بیشتر موارد وضع طبیعی املاک است (ماده ۹۵ قانون مدنی).

**کله مثال ۱۰: کدام گزینه صحیح است؟**

- (۱) اگر شرط خاصی در قرارداد حق ارتفاق نباشد، چگونگی استفاده از حق و اجرای آن را مالک مشخص می‌کند.
- (۲) جبران خسارت وارده به طرف مقابل بر اثر رجوع مالک از اذن خود در جایی که مالک تنها اذن محض داده باشد بر عهده مالک نیست، چنانچه رجوع از اذن برای دفع ضرر یا رفع حاجت باشد.
- (۳) حق ارتفاق نسبت به اموال منقول و غیرمنقول اجرا می‌شود.
- (۴) حق ارتفاق مستقلاً قابل انتقال به غیر است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ در مورد گزینه ۱ اگر شرط خاصی در قرار داد نباشد، نحوه اجرای حق طبق عرف می‌باشد و تنها محل اجرای حق است که اگر تعیین نشده باشد، مالک حق تعیین دارد. حق ارتفاق مخصوص املاک است؛ بنابراین در مال منقول اجرا نمی‌شود، بنابراین گزینه ۳ صحیح نمی‌باشد و گزینه «۴» غلط است؛ چون حق ارتفاق از جمله حقوق تبعی است و تابع مالکیت زمین است، بنابراین بدون ملک قابل انتقال نیست.

**کله مثال ۱۱: حریم:**

- (۱) مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.
- (۲) از نظر اصولی، حریم فقط در اراضی موات ایجاد می‌شود، نه در ملک و از اقسام حق ارتفاق و موضوع آن منفی است.
- (۳) حریم هم در املاک و هم در اراضی موات ایجاد می‌شود.
- (۴) گزینه ۱ و ۲
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ مبنای شناسایی حریم جلوگیری از تضرر صاحب ملک و قنات و نهر و چاه است. پس، دیگران باید از تصرفی که مضر به حال او و انتفاع است، ممنوع شوند و تصرف بدون ضرر مباح است. حریم از اقسام حق ارتفاق و موضوع آن منفی است (منع از تصرف زیان‌آور).

**کله مثال ۱۲: مبنای شناسایی حریم:**

- (۱) جلوگیری از ضرر منتفع است.
- (۲) جلوگیری از ضرر شخص ثالث است.
- (۳) جلوگیری از ضرر مالک است.
- (۴) گزینه ۲ و ۳
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ مطابق ماده ۱۳۹ قانون مدنی و نظر دکتر کاتوزیان مبنای شناسایی حریم، جلوگیری از تضرر مالک است.

**کله مثال ۱۳: به مقدار حریم در زمین رخوه و زمین سخت به ترتیب:**

- (۱) ۲۵۰ گز - ۵۰۰ گز (۲) ۲۰ گز - ۳۰ گز (۳) ۵۰۰ گز - ۲۵۰ گز (۴) ۳۰ گز - ۲۰ گز
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ ماده ۱۳۸ قانون مدنی حریم را برای زمین رخوه، ۵۰۰ گز و برای زمین سخت، ۲۵۰ گز می‌داند.



## آزمون فصل سوم

## کله ۱- اعراض از مال:

(۱) عمل حقوقی و ایقاع (۲) عقد (۳) واقعه حقوقی (۴) عمل حقوقی

## کله ۲- اثر مستقیم وقف ..... است.

(۱) تسبیل منفعت (۲) فک ملک واقف (۳) مالکیت موقوف علیهم (۴) نمایندگی متولی

## کله ۳- حق انتفاع بدون تعیین مدت:

(۱) حبس مطلق بوده و صحیح نیست. (۲) حبس مطلق بوده و صحیح است.  
(۳) حبس غیرمطلق بوده و صحیح است. (۴) عهده و صحیح است.

## کله ۴- حق انتفاع از اشیاء غیرمنقول:

(۱) منقول (۲) غیرمنقول تبعی (۳) در حکم غیرمنقول (۴) منقول حکمی

## کله ۵- اگر واقف، مالی را برای تحصیل فرزند خود وقف نماید:

(۱) وقف صحیح است. (۲) وقف باطل است. (۳) مصداق وقف بر نفس است. (۴) گزینه ۲ و ۳

## کله ۶- حق رقبی از خانه‌ای به مدت ۵ سال:

(۱) غیرمنقول ذاتی (۲) در حکم غیرمنقول (۳) غیرمنقول تبعی (۴) در حکم منقول

## کله ۷- حبس مطلق عقدی است ..... و با ..... منحل می‌شود.

(۱) لازم - فوت و حجر طرفین (۲) لازم - فوت طرفین (۳) جایز - فوت و حجر طرفین (۴) جایز - فوت طرفین

## کله ۸- انتصاب متولی برای موقوفه ..... ؟

(۱) ایقاع (۲) عقد (۳) واقعه حقوقی (۴) گزینه ۱ و ۲

## کله ۹- حق انتفاع عقدی است .....

(۱) لازم (۲) جایز (۳) خیار (۴) حبس مطلق است

## کله ۱۰- مطابق با قانون اوقاف، وقف .....

(۱) شخصیت حقوقی مستقل ندارد. (۲) وابسته به شخصیت موقوف علیه است.  
(۳) شخصیت مستقل دارد. (۴) وابسته به شخصیت واقف است.



## پاسخنامه آزمون‌های در اموال و مالکیت

## فصل اول: انواع مال

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۳» | ۲- گزینه «۴» | ۳- گزینه «۱» | ۴- گزینه «۲» | ۵- گزینه «۱»  |
| ۶- گزینه «۳» | ۷- گزینه «۱» | ۸- گزینه «۱» | ۹- گزینه «۱» | ۱۰- گزینه «۴» |

## فصل دوم: مالکیت

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۴» | ۲- گزینه «۲» | ۳- گزینه «۳» | ۴- گزینه «۴» | ۵- گزینه «۴»  |
| ۶- گزینه «۲» | ۷- گزینه «۳» | ۸- گزینه «۳» | ۹- گزینه «۴» | ۱۰- گزینه «۲» |

## فصل سوم: شاخص‌های مالکیت

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۱» | ۲- گزینه «۲» | ۳- گزینه «۲» | ۴- گزینه «۲» | ۵- گزینه «۴»  |
| ۶- گزینه «۳» | ۷- گزینه «۴» | ۸- گزینه «۱» | ۹- گزینه «۱» | ۱۰- گزینه «۳» |

# حقوق خانواده

## فصل اول

## «کلیات نکاح»

## تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: نکاح چه نوع عقدی است؟

- (۱) تشریفاتی  
(۲) رضایی  
(۳) عقدی که با معاطات نیز منعقد می‌شود.  
(۴) گزینه ۲ و ۳
- ❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ طبق ماده ۱۰۶۲ و حواشی ۱ و ۲ ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی.

❏ مثال ۲: کدام گزینه درباره نکاح صحیح است؟

- (۱) نکاح ایقاع است.  
(۲) نکاح عقدی است که از لحاظ آثار با سایر عقود برابر است.  
(۳) نکاح عقد است، اما به لحاظ آثار با سایر عقود متفاوت است.  
(۴) نکاح ماهیتی دوگانه (عقدی - ایقاعی) دارد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ مطابق ماده ۱۰۶۲ نکاح عقد است، اما از آنجا که ماهیت ویژه دارد، به لحاظ آثار از سایر عقود متفاوت می‌باشد. به عبارتی برخلاف عقود که بیشتر بر مبنای اراده آزاد است، نکاح دارای قواعد آمره می‌باشد.
- شرایط زوجین از نقطه نظر مثبت که عبارت است از دو جنس بودن زوجین و قابلیت صحت ازدواج که دو جنس بودن زوجین یکی از شرایط اساسی صحت نکاح می‌باشد، اما در قانون مدنی به آن تصریح نشده است.

❏ مثال ۳: کدامیک از موارد زیر از شروط عاقد نمی‌باشد؟

- (۱) عقل  
(۲) رشد  
(۳) بلوغ  
(۴) قصد
- ❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ طبق ماده ۱۰۶۴ عقل و بلوغ و قصد از شروط عاقد است.

❏ مثال ۵: کدام یک باعث بطلان نکاح منقطع نیست؟

- (۱) عدم تعیین مهر  
(۲) عدم تعیین مدت  
(۳) عدم پرداخت نفقه  
(۴) شرط توارث
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ طبق ماده ۱۱۱۳ در نکاح منقطع زن حق نفقه ندارد.

❏ مثال ۶: اگر مدت نکاح منقطع قابلیت تعیین داشته باشد، نکاح چه وضعیتی خواهد داشت؟

- (۱) باطل  
(۲) صحیح است.  
(۳) غیرنافذ است.  
(۴) قابل فسخ است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ ماده ۱۰۷۶ و حاشیه ۱ ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی.

❏ مثال ۷: در عقد منقطع، اگر زن در تمامی مدت از شوهر تمکین نماید ولی شوهر تا انقضای مدت یا تا بذل مدت با زوجه نزدیکی ننماید:

- (۱) چون نکاح منقطع تابع عقد معاوضی است، مهر به زن تعلق نمی‌گیرد. (۲) نصف مهر به زن تعلق می‌گیرد.  
(۳) مهر به صورت کامل به زن تعلق می‌گیرد.  
(۴) گزینه ۱ و ۲
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ اگرچه نکاح موقت تابع عقد معاوضی و مانند اجاره اشخاص است، اما اگر مرد به اراده خود تا پایان مدت این نکاح با زن نزدیکی ننماید، زن مستحق تمام مهر است.

❏ مثال ۸: اگر مردی از زن شوهرداری خواستگاری کند و بعد زن از شوهرش طلاق بگیرد و با آن مرد ازدواج کند عقد نکاح چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است  
(۲) باطل است  
(۳) غیر نافذ است  
(۴) منفسخ می‌شود
- ❏ پاسخ: گزینه «۱»؛ چون این خواستگاری متأسفانه هیچ گونه ضمانت اجرای حقوقی ندارد و عقد جدید صحیحاً واقع گردیده است.



**کله مثال ۹:** در مورد ماهیت حقوقی هدایای نامزدی، کدام یک از گزینه‌های زیر متناسب است؟

(۱) این هدایا، هبه معلق است به انعقاد نکاح

(۲) این هدایا هبه منجز است با تعلیق انفساح عقد به عدم تحقق نکاح

(۳) این هدایا، امانت قانونی است که در فرض انعقاد عقد نکاح، تبدیل به مالکیت می‌شود.

(۴) این هدایا، امانت مالکانه است معلق به انعقاد نکاح

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ هر یک از نامزدها می‌توانند در صورت بر هم خوردن نامزدی هدایایی که به طرف دیگر یا ابوین او برای وصلت منظور نموده‌اند، را مطالبه نمایند؛ بنابراین به محض دادن هدیه به نامزد، او مالک آن می‌گردد (هبه‌ی منجز) که بعد از بر هم خوردن نامزدی، عقد هبه مزبور خود به خود منفسخ نمی‌گردد، بلکه مطابق قانون مدنی ۱۰۳۷ قانون مدنی، نامزد حق فسخ هبه مذکور را دارد، اگر چه گزینه ۲ پاسخ صحیح نیست، اما با توجه به عقیده‌ی اکثر حقوقدانان مدنی پذیرفته شده است؛ بنابراین باید گزینه‌ی ۲ را پاسخ صحیح دانست.

**کله مثال ۱۰:** آقای X از خانم Y که نامزد شخص دیگری به نام A بوده است خواستگاری می‌نماید و متعاقب آن، عقد نکاح فی ما بین ایشان منعقد می‌گردد:

(۱) عقد نکاح صحیح است.

(۲) عقد نکاح باطل است.

(۳) در صورت اذن نامزد قبلی (A)، صحیح است.

(۴) عقد نکاح غیر نافذ است.

**پاسخ:** گزینه «۱»؛ مطابق ۱۰۳۵ قانون مدنی وعده ازدواج (نامزدی) قراردادی است جایز و هر کدام از طرفین هر زمانی بخواهند می‌توانند آن را بر هم بزنند و در اینجا، خانم Y هنگامی که با آقای X ازدواج می‌کند، در واقع به طور ضمنی عقد نامزدی خود را با آقای A بر هم زده (فسخ نموده) است، و در اینجا چون هنگام ازدواج آقای X با خانم Y، هیچ مانعی بر سر راه آنان وجود نداشته است، ازدواج یا نکاح کاملاً صحیح است.

**کله مثال ۱۱:** کدام گزینه غلط است؟

(۱) عده طلاق در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

(۲) عده وفات ۴ ماه و ده روز است.

(۳) عده طلاق ۳ طهر است.

(۴) عده انقضای مدت در نکاح موقت ۲ طهر است.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ چون به استناد ماده ۱۱۵۱، عده طلاق که مختص نکاح دائم است، ۳ طهر می‌باشد.

**کله مثال ۱۲:** توالی عرفی ایجاب و قبول شرط عقد است؟

(۱) صحت

(۲) لزوم

(۳) نفوذ

(۴) گزینه ۱ و ۲

**پاسخ:** گزینه «۱»؛ توالی عرفی در همه عقود شرط صحت عقد است.

**کله مثال ۱۳:** تعیین زن و شوهر در نکاح به نحوی که برای هیچ‌یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط ..... است؟

(۱) صحت

(۲) لزوم

(۳) تحقق و لزوم

(۴) نفوذ

**پاسخ:** گزینه «۱»؛ مطابق ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی.

**کله مثال ۱۴:** چنانچه زوجه به تصور اینکه مهریه او ۵۰۰ سکه است ایجاب را قبول نماید و عقد نکاح منعقد شود، در حالیکه مهریه ۳۰۰ سکه می‌باشد

وضعیت عقد چگونه است؟

(۱) باطل است.

(۲) صحیح است.

(۳) غیر نافذ است.

(۴) قابل فسخ است.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ چون قرارداد مهر جدا از عقد نکاح محسوب می‌شود و حتی بدون ذکر مهر نیز عقد نکاح دائم صحیح است.

**کله مثال ۱۵:** کدام یک از امور زیر شرط تأثیر اکره در وضعیت عقد است؟

(۱) به وسیله طرف عقد اعمال شود.

(۲) به وسیله شخص خارج از عقد اعمال شود.

(۳) به وسیله حاکم اعمال شود.

(۴) در شخص مکروه مؤثر باشد.

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۲۰۲ قانون مدنی در شخص مکروه مؤثر باشد.

**❏ مثال ۱۶:** کدام یک باعث بطلان نکاح نیست؟

- (۱) تعلیق در انشا (۲) تعلیق در منشأ (۳) عدم تعیین مهر (۴) اشتباه در هویت جسمانی عقد
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ چون طبق ماده ۱۰۶۸ تعلیق در عقد نکاح موجب بطلان است. اشتباه در هویت جسمانی موجب بطلان است. پس گزینه ۳ صحیح است.

**❏ مثال ۱۷:** در بیان قصد عقد نکاح:

- (۱) معاطات نیز پذیرفته است.  
 (۲) صرفاً باید از طریق الفاظ باشد.  
 (۳) به وسیله نوشتار و کتابت نیز می‌تواند باشد.  
 (۴) اگر به صورت کتابت بود، باید همراه با امر دیگری باشد که دلالت بر قصد نماید.
- ❏ پاسخ: گزینه «۴»؛ اگرچه امروزه قصد بر این است که عقود از حالت تشریفاتی خارج گردند، اما نظر مشهور این است که اگر عقد به صورت کتابت بود باید همراه با امر دیگری باشد که دلالت بر قصد کند و صرف کتابت کافی نیست.

**❏ مثال ۱۸:** کدام جمله صحیح است؟

- (۱) در صورتی که وکالت به طور مطلق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند.  
 (۲) زن و مرد نمی‌توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهند.  
 (۳) در صورتی که وکالت مطلق داده شود وکیل می‌تواند موکله را برای خود تزویج کند.  
 (۴) اگر وکیل رعایت مصلحت موکل را نکند، باز هم در عقد نکاح بی‌تأثیر است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱»؛ چون در وکالت مطلق، وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند، مگر اینکه اذن صریحاً به او داده شود.

**❏ مثال ۱۹:** نکاح فضولی:

- (۱) ماهیت ویژه دارد و باطل است.  
 (۲) تابع مقررات معامله فضولی و غیرنافذ است.  
 (۳) در برخی موارد باطل و در برخی موارد غیرنافذ است.  
 (۴) گزینه ۲ و ۳
- ❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ با توجه به مواد ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ قانون مدنی که صحت عقد را متوقف بر تنفیذ موکل نموده است، می‌توان گفت تابع مقررات عام معامله فضولی و غیرنافذ است.

**❏ مثال ۲۰:** نکاح فضولی چه حکمی دارد؟

- (۱) باطل است (۲) صحیح است (۳) تابع قواعد معامله فضولی است. (۴) تابع قواعد خاص خود است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ در احکام نکاح مستقیماً اشاره‌ای به نکاح فضولی نشده، اما از مواد قانون مدنی می‌شود فهمید که تابع قواعد عمومی معاملات است که عدم نفوذ می‌باشد.

**❏ مثال ۲۱:** اگر شخصی مبلی را به کسی بفروشد به شرطی که طرف مالک نشود شرط مذکور چیست؟

- (۱) شرط نامشروع (۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد (۳) شرط غیرمقدور (۴) شرطی که موجب جهل به عوضین شود
- ❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ چون در بیع مالک شدن خریدار از مقتضای ذاتی عقد است که حتی موجب بطلان عقد نیز می‌شود.



**کلمه مثال ۲۲:** مطابق قانون اسناد رسمی ازدواج، شرط انتقال تا نصف دارایی به زوج:

- (۱) باطل و بلا اثر است.  
 (۲) طبق نظر دادگاه و به صورت معوض به زوجه منتقل می‌شود.  
 (۳) طبق نظر دادگاه و به صورت بلاعوض به زوجه منتقل می‌شود.  
 (۴) اصولاً باطل است و بنا به نظر دادگاه می‌تواند صحیح باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ مطابق این قانون در صورت وجود این شرط، نصف دارایی زوج طبق نظر دادگاه و به صورت بلاعوض به زوجه منتقل می‌گردد.

**کلمه مثال ۲۳:** شرط انتقال دارایی تا نصف اموال شوهر به زوجه:

- (۱) خلاف قانون و شرع است.  
 (۲) خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.  
 (۳) خلاف مقتضای ذات عقد است.  
 (۴) صحیح و انجام آن مقدور است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ این شرط نه خلاف قانون و شرع و نه خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه و نه مقتضای ذات عقد است، بلکه انجام آن کاملاً مقدور و تا حدودی حقوق زوجه را به هنگام طلاق تأمین می‌کند و حتی از بروز طلاق‌های شتابزده نیز جلوگیری می‌نماید.



## آزمون فصل اول

**کله ۱-** هرگاه در عقد دائم مهری ذکر نشود و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق چیست؟

- (۱) مهرالمسمی (۲) مهرالمثل (۳) مهرالمتعه (۴) مستحق چیزی نیست

**کله ۲-** دختر باکره‌ای که به حد بلوغ رسیده است؟

- (۱) برای ازدواج اجازه پدر یا جد پدری لازم است.  
(۲) برای ازدواج فقط اجازه پدر لازم است.  
(۳) برای ازدواج می‌تواند مستقلاً اقدام نماید.  
(۴) برای ازدواج، پدر یا جد پدری می‌توانند مستقلاً اقدام نمایند.

**کله ۳-** کدام یک از عبارتهای زیر صحیح است؟

- (۱) فقط قیم می‌تواند برای مولی علیه خود عقد نکاح ببندد.  
(۲) فقط ولی قهری با رعایت مصلحت محجور می‌تواند برای مولی علیه خود عقد نکاح ببندد.  
(۳) قیم و ولی می‌توانند برای مولی علیه خود عقد نکاح ببندند.  
(۴) ولی و قیم هیچکدام نمی‌توانند برای مولی علیه خود عقد نکاح ببندد.

**کله ۴-** ولایت در نکاح و ولایت در طلاق با شرط رعایت مصلحت در حقوق ما:

- (۱) در نکاح پذیرفته نشده است.  
(۲) در نکاح پذیرفته شده و در طلاق اختلاف وجود دارد.  
(۳) پذیرفته نشده است.  
(۴) پذیرفته شده است.

**کله ۵-** شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) با مدت معین صحیح است. (۴) با مدت نامعین صحیح است.

**کله ۶-** کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مطابق قانون مدنی نکاح با معاطات واقع نمی‌شود.  
(۲) مطابق قانون مدنی با معاطات واقع می‌شود.  
(۳) مطابق قانون مدنی اصل در نکاح معاطات است.  
(۴) مطابق قانون مدنی نکاح هم با معاطات و هم به صورت غیرمعاطات واقع می‌شود.

**کله ۷-** نکاح سفیه چه وضعیتی دارد؟

- (۱) نافذ است. (۲) غیرنافذ است. (۳) باطل است. (۴) از سوی ولی او قابل فسخ است.

**کله ۸-** در عقد نکاح دائم، شرط خیار فسخ .....

- (۱) نسبت به عقد و صداق (مهر) صحیح است.  
(۲) نسبت به عقد و صداق (مهر) باطل است.  
(۳) نسبت به عقد، صحیح است و به نسبت به صداق، باطل است.  
(۴) نسبت به عقد، باطل است و نسبت به صداق، صحیح است.

**کله ۹-** اگر در نکاح دائم شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدتی معینی، نکاح باطل باشد، شرط و عقد چه وضعی دارد؟

- (۱) شرط و عقد، هر دو صحیح هستند.  
(۲) شرط، باطل و مبطل عقد است.  
(۳) شرط، باطل است و نکاح و مهر، صحیح است.  
(۴) شرط و مهر، باطل و نکاح صحیح است.

**کله ۱۰-** اگر زنی با مردی ازدواج نماید، اما در ضمن آن شرط نماید مجدداً او را طلاق دهد تا با کس دیگری ازدواج کند شرط مذکور چیست و چه تأثیری

در عقد دارد؟

- (۱) شرط غیر مقدور است که موجب بطلان عقد نیست.  
(۲) شرط نامشروع است که موجب بطلان عقد نیست.  
(۳) شرط نامشروع است که موجب بطلان عقد خواهد شد.  
(۴) شرط خلاف مقتضای ذات عقد است که موجب بطلان عقد می‌شود.



## فصل دوم

### «اهلیت»

#### تست‌های تألیفی فصل دوم

**که مثال ۱:** چنانچه ازدواج صغیر بدون احراز (مصلحت) از سوی دادگاه واقع شود ..... .

- (۱) باطل است. (۲) غیرنافذ است. (۳) قابل فسخ است. (۴) صحیح است.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ اگر ازدواج بدون تأیید دادگاه مبنی بر تشخیص مصلحت واقع شود، غیرنافذ و با تأیید بعدی دادگاه نافذ می‌گردد.

تخلف از این شرط موجب بطلان نکاح نیست، تجاوزی است اداری که مجازات انتظامی خاصی دارد.

**که مثال ۲:** ولایت در نکاح و ولایت در طلاق با شرط رعایت مصلحت مولی علیه:

- (۱) در حقوق، پذیرفته شده است. (۲) در حقوق، پذیرفته نشده است.  
(۳) در نکاح بلا اشکال است، ولی در طلاق محل تردید است. (۴) در نکاح پذیرفته نشده است، ولی در طلاق پذیرفته شده است.

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ ولایت در نکاح به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه بلا اشکال است، ولی در مورد طلاق از سوی ولی صغیر اختلاف نظر وجود دارد. براساس نظر دکتر کاتوزیان به دلیل اینکه طلاق جنبه شخصی دارد ولی صغیر نمی‌تواند از جانب او اقدام به طلاق همسر صغیر نماید.

**که مثال ۳:** دختره باکره که به حد بلوغ و رشد رسیده، برای ازدواج...

- (۱) می‌تواند مستقلاً اقدام نماید.  
(۲) پدر یا جد پدری به عنوان ولی می‌تواند مستقلاً اقدام نمایند.  
(۳) اجازه پدر یا جد پدری لازم است.  
(۴) فقط اجازه پدر لازم است و اگر پدر نبود، اجازه جد پدری لازم نیست.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ براساس ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی، نکاح دختر باکره هر چند به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر و جد پدری او می‌باشد.

**که مثال ۴:** هرگاه زن ایرانی با مرد خارجی بدون اخذ پروانه ازدواج کند، ازدواج او.....

- (۱) باطل است (۲) غیرنافذ است. (۳) صحیح است (۴) قابل فسخ است

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ این ازدواج صحیح است، اگر چه دارای جنبه کیفری است.

**که مثال ۵:** در مورد ازدواج سفیه کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) سفیه بدون اذن ولی یا قیم نمی‌تواند ازدواج کند.  
(۲) سفیه بدون اذن ولی یا قیم می‌تواند ازدواج کند.  
(۳) سفیه نمی‌تواند در رابطه با آثار مالی ازدواج مستقلاً عمل کند.  
(۴) گزینه ۲ و ۳

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ چون سفیه حجر غیرمالی ندارد پس ازدواج او صحیح است، اما حجر مالی دارد و در مورد مهر و آثار مالی آن نمی‌تواند مستقلاً عمل کند.

**که مثال ۶:** کدام یک از موانع نکاح نیست؟

- (۱) در عده بودن (۲) در احرام بودن  
(۳) قرابت داشتن (۴) داشتن ۴ زن به طور ازدواج موقت

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ چون برای ازدواج موقت تعداد خاصی مدنظر نیست، در دائم به ۴ زن محدود می‌شود.

**مثال ۷:** زنا با زنی که در عده طلاق یا وفات است، موجب حرمت ابدی..... و زنا با زنی که در عده رجعیه است، موجب حرمت ابدی.....

- (۱) می‌شود - می‌شود (۲) می‌شود - نمی‌شود (۳) نمی‌شود - می‌شود (۴) نمی‌شود - نمی‌شود

پاسخ: گزینه «۳»؛ چون طبق ماده ۱۰۵۴ زنا با زنی که در عده رجعیه است، موجب حرمت ابدی می‌شود و از مفهوم مخالفت آن استنباط که زنا با زنی که در عده وفات یا طلاق است، سبب حرمت ابدی نمی‌شود.

**مثال ۸:** در حقوق کنونی، تعدد زوجات:

- (۱) به صورت کلی باطل است. (۲) مطلقاً صحیح می‌باشد.  
(۳) با حصول شرایطی و اصولاً صحیح باشد. (۴) اصولاً صحیح نمی‌باشد مگر با حصول برخی شرایط.  
پاسخ: گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده، تعدد زوجات صحیح نمی‌باشد، مگر با حصول شرایط مصرحه در این قانون.

**مثال ۹:** عده طلاق در نکاح دائم..... و عده بذل مدت در نکاح موقت..... است.

- (۱) ۳ طهر - ۲ طهر (۲) ۲ طهر - ۳ طهر (۳) ۴۵ روز - ۳ ماه (۴) ۳ ماه - ۴۵ روز

پاسخ: گزینه «۱»؛ به استناد مواد ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲؛ عده طلاق در نکاح دائم ۳ طهر و در نکاح موقت ۲ طهر می‌باشد.

**مثال ۱۰:** ممنوع بودن ازدواج با چه کسی قابل رفع شدن نیست؟

- (۱) خواهر زن (۲) دختر برادر زن (۳) دختر خواهر زن (۴) مادر زن

پاسخ: گزینه «۴»؛ مرد زمانی که همسر خود را طلاق دهد می‌تواند با خواهر زن طلاق داده شده ازدواج نماید و با دختر برادر زن و دختر خواهر زن با اجازه زن اول، می‌تواند ازدواج کند و اگر همسر خود را طلاق بدهد باز هم می‌تواند با دختر برادرزن یا دختر خواهرزن ازدواج نماید.

**مثال ۱۱:** تخطئه زن و شوهر با سوگندهای ویژه:

- (۱) لعان است. (۲) شقاق است. (۳) نفی نسب است. (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه «۱»؛ هنگامی که زن و شوهر با سوگند خاص به یکدیگر نسبت زنا دهند و یکدیگر را تخطئه نمایند به چنین حالتی لعان گفته می‌شود که موجب حرمت ابدی است.

**مثال ۱۲:** در کدام مورد زن بر مرد حرام مؤبد نمی‌شود؟

- (۱) تفریق با لعان (۲) عقد در حال احرام و با علم به حرمت  
(۳) ۹ طلاق شدن که ۶ تا آن عدتی باشد. (۴) ۳ طلاق متوالی شدن

پاسخ: گزینه «۴»؛ چون در ۳ طلاق متوالی زن بر مرد حرام مؤبد نمی‌شود و با محلل منع آن برطرف می‌شود.



## آزمون فصل دوم

## ❧ ۱- اعمال حقوقی صغیر ممیز چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) اصولاً غیرنافذ است. (۴) اصولاً باطل است.

## ❧ ۲- اعمال حقوقی صغیر غیر ممیز چه وضعیتی دارد؟

- (۱) مطلقاً باطل است. (۲) مطلقاً صحیح است. (۳) غیرنافذ است. (۴) اصولاً باطل است.

## ❧ ۳- برای چه اشخاصی نصب قیم می‌شود؟

- (۱) برای صغاری که ولی خاص ندارند.  
 (۲) برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر نباشد و ولی خاص نداشته باشند.  
 (۳) برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها باشد.  
 (۴) برای هر شخصی که دادگاه لازم بداند، نصب قیم می‌کند.

## ❧ ۴- اعمال حقوقی سفیه چه وضعیتی دارد؟

- (۱) مطلقاً باطل است.  
 (۲) اعمال حقوقی مالی سفیه غیرنافذ است و اعمال حقوقی غیر مالی وی صحیح است.  
 (۳) اصولاً اعمال حقوقی مالی سفیه غیرنافذ است و اعمال حقوقی غیرمالی صحیح است.  
 (۴) مطلقاً غیرنافذ است.

## ❧ ۵- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) جنون در زوج و زوجه، چه قبل از ازدواج عارض شود و چه بعد از ازدواج، به طرف مقابل حق فسخ می‌دهد.  
 (۲) هیچکس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان عدم رشد محجور دانست، مگر اینکه عدم رشد او ثابت شود.  
 (۳) اعمال حقوقی مجنون دائمی، مطلقاً باطل است.  
 (۴) اعمال حقوقی مجنون ادواری، اصولاً باطل است.

## فصل سوم

### «آثار نکاح»

#### تست‌های تألیفی فصل سوم

**که مثال ۱:** کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اصولاً زن باید در منزل شوهر زندگی نماید.

(۲) زن باید در منزل شوهر زندگی نماید، حتی اگر اختیار تعیین منزل به او داده شود.

(۳) زن باید در منزل شوهر زندگی کند، مگر اینکه اختیار تعیین منزل به او داده شود.

(۴) گزینه ۱ و ۳

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی: زن باید در منزل شوهر زندگی کند، مگر اختیار تعیین مسکن با او باشد یا اینکه ماندن در منزل شوهر، متضمن ضرر بدنی، مالی یا شرافتی باشد.

**که مثال ۲:** کدام جمله صحیح نیست؟

(۱) زن و شوهر مکلف به حسن معاشرتند.

(۲) زوجین باید در تشدید میانی خانواده معاذت کنند.

(۳) ریاست خانواده به عهده شوهر است و می‌تواند آن را به زن نیز بدهد. (۴) زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ چون ریاست شوهر بر خانواده از قواعد آمره است.

**که مثال ۳:** کدام عبارت صحیح نیست؟

(۱) نفقه زن مقدم بر نفقه اقارب است.

(۲) نفقه زن مشروط به تمکن مالی مرد است.

(۳) زن می‌تواند نفقه گذشته خود را نیز مطالبه کند.

(۴) نفقه زوجه یک تکلیف یک جانبه است.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ نفقه زن مشروط به تمکن مرد نیست.

**که مثال ۴:** کدام گزینه صحیح است؟

(۱) زوجه فقط حق مطالبه نفقه آینده خود را دارد.

(۲) زوجه فقط حق مطالبه نفقه گذشته خود را دارد.

(۳) زوجه حق مطالبه نفقه گذشته و آینده خود را دارد.

(۴) اقارب حق مطالبه نفقه‌ی گذشته خود را دارند.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ چون طبق ماده ۱۲۰۶: زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه گذشته خود نیز اقامه دعوا نماید، برعکس اقارب که چنین حقی را ندارند. هرگاه مهر فاقد یکی از شرایط صحت باشد، باطل خواهد بود، ولی عقد صحیح باقی خواهد ماند؛ مثلاً اگر مالی که فاقد ارزش و منفعت عقلایی است به عنوان مهر تعیین شود مهر فوق باطل است ولی خللی به عقد نکاح وارد نمی‌آورد، چرا که مهر یک امر فرعی و تبعی است و از ارکان نکاح به شمار نمی‌آید. در صورتی که مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد، زن در صورت اول و دوم مستحق مهر المثل خواهد بود (در صورت وقوع نزدیکی و در غیر آن صورت، باید بر روی میزان مهر توافق نمایند) و در مورد سوم مثل یا قیمت آن «مگر آنکه صاحب مال اجازه نماید».

**که مثال ۵:** تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (مصوب ۱۳۷۶) موضوع محاسبه مهریه به نرخ روز:

(۱) ناظر به مهریه وجه رایج و مربوط به بعد از تصویب آن است.

(۲) ناظر به مهریه وجه رایج و مربوط به ازدواج‌های قبل یا بعد از تصویب آن است.

(۳) ناظر به هر نوع مهریه و مربوط به بعد از تصویب آن است.

(۴) ناظر به هر نوع مهریه مربوط به ازدواج‌های قبل یا بعد از تصویب آن است.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: به مجرد وقوع نکاح، زن مالک تمام مهر می‌گردد و به موجب ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی: هرگاه طلاق پیش از نزدیکی واقع شود، مالکیت نصف مهر به شوهر باز می‌گردد. این حکم ویژه طلاق است و در سایر موارد اجرا نمی‌شود و به موجب رأی وحدت رویه شامل ازدواج‌های قبل از تصویب قانون نیز می‌شود.



**کلمه مثال ۶:** هرگاه در نکاح دائم مهریه به کلی ذکر نشده باشد یا اینکه زوجین نکاح را بدون مهر واقع نمایند و بعد از عقد مهر را معین کنند مهر چنین نکاحی را:

- (۱) مفوضه‌المهر گویند. (۲) مفوضه البضع گویند. (۳) مهرالسنه گویند. (۴) مهر المثل گویند.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ مفوضه البضع، نکاحی است که مهر در آن ذکر نشده باشد و یا زوجین توافق نمایند که نکاح بدون مهر واقع شود.

**کلمه مثال ۷:** کدام گزینه غلط است؟

- (۱) در مهرالمتعه حال زن در نظر گرفته می‌شود.  
 (۲) برای تعیین مهرالمثل، حال زن در نظر گرفته می‌شود.  
 (۳) هرگاه شوهر قبل نزدیکی زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهر می‌شود.  
 (۴) در نکاح منقطع، عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است.

☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ چون در مهرالمتعه، حال مرد از حیث فقر و غنا ملاحظه می‌شود.

## آزمون فصل سوم

**۱- در صورتی که ضمن تعهد به زناشویی، وجه التزامی برای تخلف از آن شرط شده باشد، مفاد آن.....**

- (۱) نافذ است. (۲) اصولاً نافذ است. (۳) باطل است. (۴) قابل فسخ است.

**۲- در صورت به هم خوردن وصلت تکلیف هدایای نامزدی چه خواهد بود؟**

- (۱) اگر عین هدایا موجود نباشد هریک از نامزدها مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می‌شوند.  
(۲) اگر عین هدایا موجود نباشد، نامزدها مستحق چیزی نخواهد بود.  
(۳) در صورتی که هدایا بدون تقصیر تلف شده باشد، طرف دیگر مستحق هیچ چیز نخواهد بود.  
(۴) گزینه ۱ و ۳

**۳- دختر باکره که به حد بلوغ و رشد رسیده برای ازدواج:**

- (۱) می‌تواند مستقلاً اقدام نماید.  
(۲) پدر یا جد پدری به عنوان ولی می‌توانند مستقلاً اقدام نمایند.  
(۳) اجازه پدر یا جد پدری لازم است.  
(۴) فقط اجازه پدر لازم است و اگر پدر نبود، اجازه جد پدری لازم نیست.

**۴- چنانچه زنی در زمان وجود و استمرار عقد ازدواج خواهرش، با شناخت قبلی از این امر، به عقد ازدواج او در آید چه مهری به او تعلق می‌گیرد؟**

- (۱) همان مهر المسمی (۲) مهرالمتهه  
(۳) چنانچه فعل زناشویی با او واقع شود، مهر المثل (۴) هیچ مهری به او تعلق نمی‌گیرد.

**۵- نکاح با دختر خواهر زن بدون اجازه زن..... است.**

- (۱) باطل (۲) غیرنافذ (۳) قابل فسخ (۴) صحیح

**۶- نکاح با زنی که در عده وفات یا طلاق است، با علم به عده و حرمت نکاح.....**

- (۱) باطل است.  
(۲) قابل فسخ است.  
(۳) باطل است و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام موبد می‌شود.  
(۴) غیرنافذ است و آن زن بر آن شخص حرام موبد نمی‌شود.

**۷- نکاح سفیه چه وضعیتی دارد؟**

- (۱) نافذ است. (۲) غیر نافذ است.  
(۳) باطل است. (۴) از سوی ولی او قابل فسخ است.

**۸- تعیین زن و شوهر در نکاح به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط..... است.**

- (۱) صحت (۲) لزوم (۳) تحقق و لزوم (۴) نفوذ

**۹- شرط خیار نسبت به مهر در نکاح منقطع.....**

- (۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) غیرنافذ است. (۴) باطل و مبطل عقد نکاح است.

**۱۰- در صورتی که وکالت برای تزویج به طور اطلاق باشد، آیا وکیل می‌تواند خود طرف عقد نکاح قرار گیرد؟**

- (۱) وکیل ممنوع از نکاح منقطع است.  
(۲) وکیل می‌تواند موکله را برای خود تزویج کند.  
(۳) وکیل مطلقاً ممنوع از نکاح با موکله است.  
(۴) وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند، مگر این که این اذن صریحاً به او داده شده باشد.

**۱۱- اگر مدت در نکاح منقطع قابلیت تعیین داشته باشد، نکاح چه وضعیتی خواهد داشت؟**

- (۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

**کج ۱۲- در صورتی که پرداخت مهر به عهده ثالث قرار گیرد.....**

- (۱) الزام شوهر به پرداخت مهر از بین می‌رود.
  - (۲) الزام شوهر به پرداخت مهر از بین نمی‌رود و ثالث در حکم ضامن او است.
  - (۳) الزام شوهر در صورتی از بین می‌رود که ثالث مهر را به زن بپردازد.
  - (۴) الزام شوهر به پرداخت مهریه از بین می‌رود، مگر این که زوجه دریافت مهر را از ثالث قبول نکند.
- کج ۱۳- اگر در نکاح دائم شرط شود که در صورت عدم تادیه مهر در مدت معینی نکاح باطل باشد، شرط و عقد چه وضعی دارد؟**
- (۱) شرط و عقد هر دو صحیح است.
  - (۲) شرط باطل است و نکاح و مهر صحیح است.
  - (۳) شرط باطل و مبطل عقد است.
  - (۴) شرط و مهر باطل و نکاح صحیح است.

**کج ۱۴- در صورتی که مهر عین معین باشد.....**

- (۱) به مجرد عقد زن مالک آن می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.
- (۲) به مجرد عقد زن مالک آن می‌شود، ولی نمی‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.
- (۳) به مجرد عقد زن مالک آن نمی‌شود، بلکه حق عینی نسبت به آن می‌یابد.
- (۴) به مجرد عقد، زن طلبکار آن می‌شود.

**کج ۱۵- هرگاه مهر بعد از عقد و قبل از قبض تلف شود، نکاح.....**

- (۱) باطل می‌شود.
- (۲) منفسخ می‌شود.
- (۳) صحیح باقی می‌ماند.
- (۴) قابل فسخ می‌شود.

**کج ۱۶- تمکین ارادی زن قبل از دریافت مهر.....**

- (۱) مسقط حق حبس اوست.
- (۲) مسقط حق مطالبه او نیست.
- (۳) مسقط حق حبس او نیست.
- (۴) گزینه ۱ و ۲

**کج ۱۷- اگر در عقد نکاح دائم شرط عدم مهر شود، عقد و شرط چه وضعی دارد؟**

- (۱) شرط باطل و مبطل عقد است.
- (۲) عقد و شرط هر دو صحیح است.
- (۳) عقد صحیح ولی شرط باطل است.
- (۴) شرط باطل است و زوج در صورت جهل به بطلان شرط می‌تواند عقد را فسخ نماید.

**کج ۱۸- اگر در نکاح شرط شود که زن مستحق مهر نباشد،.....**

- (۱) عقد و شرط هر دو صحیح است.
- (۲) عقد و شرط هر دو باطل است.
- (۳) عقد صحیح، ولی شرط باطل است.
- (۴) عقد و شرط صحیح است، ولی زن حق فسخ عقد را دارد.

**کج ۱۹- اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد و شوهر پیش از نزدیکی و تعیین مهر بمیرد، زن مستحق چه مهری است؟**

- (۱) زن مستحق مهرالمثل است.
- (۲) زن مستحق هیچ مهری نیست.
- (۳) زن مستحق مهرالمتعه است.
- (۴) زن مستحق نصف مهرالمثل است.

**کج ۲۰- مهرالمتعه ویژه چه مورد است؟**

- (۱) در نکاح دائم، در صورتی که مهر در عقد ذکر نشده باشد و طلاق پیش از نزدیکی واقع شود.
- (۲) در نکاح دائم، در صورتی که مهر در عقد ذکر نشده باشد، اعم از این که طلاق پیش از نزدیکی یا بعد از آن واقع شود.
- (۳) نکاح منقطع و پس از نزدیکی
- (۴) نکاح منقطع و در صورتی که بذل مدت پیش از نزدیکی اتفاق افتد.

**کج ۲۱- کدام یک از عبارات زیر در خصوص مهر صحیح است؟**

- (۱) مهرالسنه همان مهرالمسمی است.
- (۲) عدم ذکر مهر در عقد منقطع موجب بطلان عقد است.
- (۳) عدم ذکر مهر در عقد دائم موجب بطلان عقد است.
- (۴) در نکاح دائم، مهر نبایستی از یک میزان متعارف فراتر رود.



**کج ۲۲-** هرگاه فسخ نکاح به دلیل تدلیس زن باشد، مشارالیه‌ها مستحق چه مهری خواهد بود؟

- |               |                                   |
|---------------|-----------------------------------|
| (۱) مهرالمثل  | (۲) مهرالمسمی                     |
| (۳) مهرالمتعہ | (۴) زن مستحق هیچ مهری نخواهد بود. |

**کج ۲۳-** هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهت قانونی فسخ شود، وضعیت مهر او چگونه است؟

- (۱) زن مستحق دریافت مهر است.
- (۲) زن مستحق دریافت نصف مهر است.
- (۳) زن حق دریافت مهر ندارد، مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که مستحق نصف مهر است.
- (۴) به طور کلی در فسخ نکاح مهر تعلق نمی‌گیرد.

**کج ۲۴-** به موجب قانون مدنی در عقد دائم ازدواج، نفقه از چه زمانی تعلق می‌گیرد؟

- (۱) از زمان وقوع عقد ازدواج
- (۲) از زمان تمکین زوجه
- (۳) از زمان اعمال حق حبس مهریه، حتی در صورت عدم تمکین
- (۴) از زمان صدور حکم تمکین در دادگاه

**کج ۲۵-** کدام یک از عبارتهای زیر صحیح نیست؟

- (۱) در عقد منقطع زن حق نفقه ندارد.
- (۲) در عده وفات زن حق نفقه ندارد.
- (۳) مطلقه رجعیه در زمان عده حق نفقه ندارد.
- (۴) اگر عده از جهت فسخ نکاح باشد، زن حق نفقه ندارد.



## فصل چهارم

### «فسخ نکاح»

#### تست‌های تألیفی فصل چهارم

**کلمه مثال ۱:** کدام یک موجب فسخ نکاح است؟

- (۱) جنون زوج بعد از عقد نکاح (۲) جنون زوجه در حین عقد (۳) جنون زوج قبل از عقد نکاح (۴) هر سه مورد

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ به استناد مواد ۱۱۲۵، ۱۱۲۴ و ۱۱۲۶ قانون مدنی که جنون مرد چه قبل و چه بعد از نکاح و جنون زن حین عقد موجب خیار فسخ است.

**کلمه مثال ۲:** کدام عیب در زنان موجب فسخ است؟

- (۱) خضاء (۲) عنن (۳) برص (۴) هیچ‌کدام

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ به استناد ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی.

**کلمه مثال ۳:** هرگاه در یکی از زوجین صفت خاصی شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که طرف فاقد وصف مقصود بوده است، عقد:

- (۱) باطل است. (۲) منفسخ است. (۳) قابل فسخ است. (۴) غیرنافذ است.

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ اگر چنین وضعیتی حادث گردد؛ مطابق قواعد عمومی تخلف از شرط صفت، عقد از ناحیه طرف دیگر قابل فسخ خواهد بود.

**کلمه مثال ۴:** کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) خیار فسخ فوری است. (۲) رعایت تشریفات طلاق در فسخ نکاح نیز وجود دارد. (۳) خیار تدلیس در نکاح امکان دارد. (۴) خیار تخلف از شرط در نکاح امکان دارد.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ به استناد ماده ۱۱۳۲ در فسخ نکاح، رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

**کلمه مثال ۵:** کدام گزینه در خصوص طلاق به درخواست زن صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) عسر و حرج زن در نتیجه غیبت مرد از موجبات درخواست طلاق است. (۲) صرفاً استنکاف شوهر از دادن نفقه موجب طلاق است و عجز و ناتوانی شوهر را در بر نمی‌گیرد. (۳) استنکاف یا عجز شوهر از پرداخت نفقه از موجبات درخواست طلاق است. (۴) استنکاف، عجز شوهر از دادن نفقه و عسر و حرج زن از موجبات طلاق است.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ مطابق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی عجز شوهر نیز از مصادیق موجبات طلاق به درخواست زن است و تنها شامل استنکاف نمی‌گردد.

**کلمه مثال ۶:** طلاق معلق به شرط چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح (۲) باطل (۳) غیرنافذ (۴) قابل فسخ

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ طبق ماده ۱۱۳۵: طلاق معلق به شرط باطل است.

**کلمه مثال ۷:** دادن حق طلاق بدون قید و شرط به زن:

- (۱) باطل است؛ چون نامشروع است. (۲) صحیح است؛ زیرا با مقتضای ذات عقد تعارض ندارد. (۳) صحیح است؛ زیرا مطابق با مقتضای اطلاق عقد است. (۴) باطل و مبطل است؛ زیرا خلاف مقتضای ذات عقد است.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ در عمل هم در جامعه می‌بینیم و از ماده ۱۱۱۹ نیز استنباط می‌کنیم.

**❧ مثال ۸:** طلاق توسط کدام یک صحیح است؟

- (۱) طلاق صغیر (۲) طلاق مجنون (۳) طلاق سفیه (۴) هیچکدام

✓ پاسخ: گزینه «۳»؛ فقط طلاق سفیه صحیح است؛ چون نکاح مالی نیست، اما طلاق صغیر و مجنون باطل است.

**❧ مثال ۹:** عدم ثبت طلاق:

- (۱) صرفاً دارای ضمانت اجرای حقوقی است. (۲) صرفاً دارای ضمانت اجرای کیفری است.  
(۳) هم دارای ضمانت اجرای کیفری و هم ضمانت اجرای حقوقی است. (۴) فاقد ضمانت اجرا است.
- ✓ پاسخ: گزینه «۳»؛ مطابق ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی: طلاق، ایقاعی تشریفاتی و مطابق ماده ۶۴۵ قانون مجازات، عدم ثبت طلاق، جرم است.

**❧ مثال ۱۰:** کدام گزینه غلط است؟

- (۱) عدم ثبت طلاق و نکاح جرم است. (۲) طلاق توافقی نیازی به حکم دادگاه ندارد.  
(۳) سفیه می‌تواند زن خود را طلاق دهد. (۴) مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش ۳ ماه است.
- ✓ پاسخ: گزینه «۲»؛ چون اکنون هیچ طلاقى را نداریم که از دادگاه نگذرد.

**❧ مثال ۱۱:** در صورتی که عین فدیة در طلاق خلع پیش از تسلیم تلف شود، .....

- (۱) فدیة منحل و طلاق باطل است. (۲) فدیة منحل و طلاق غیرقابل رجوع است.  
(۳) فدیة منحل و طلاق قابل رجوع است. (۴) فدیة و طلاق هر دو منحل می‌شوند.
- ✓ پاسخ: گزینه «۳»؛ طبق ماده ۱۱۴۵: «در موارد ذیل طلاق بائن است: طلاقى که قبل از نزدیکی واقع شود - طلاق یائسه - طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از این که وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.» و طبق ماده ۱۱۴۶ زن در ازای دادن مال به مرد می‌تواند طلاق خلع بگیرد.

**❧ مثال ۱۲:** رجوع در طلاق رجعی.....

- (۱) از عقود است. (۲) از ایقاعات است. (۳) به اراده زن است. (۴) به اراده طرفین است.
- ✓ پاسخ: گزینه «۲»؛ رجوع در طلاق یک عمل حقوقی یک طرفه به اراده مرد است.

**❧ مثال ۱۳:** مقرری ماهانه .....

- (۱) صرفاً با گواهی عدم امکان سازش قابل دریافت نیست و در طلاق با توافق نیز اعمال می‌شود.  
(۲) ماهیتی شبیه به خسارت دارد.  
(۳) متناسب با وضع و سن و مدت زناشویی است و قابل کاهش یا قطع شدن است.  
(۴) گزینه‌های «۱» و «۲»
- ✓ پاسخ: گزینه «۳»؛ مقرری ماهیانه با توجه به وضع و سن و مدت زناشویی است و قابل کاهش یا قطع شدن می‌باشد.



## آزمون فصل چهارم

کله ۱- ماهیت حقوقی طلاق چیست؟

- (۱) عقد تشریفاتی (۲) ایقاع تشریفاتی (۳) عقد رضایی (۴) ایقاع رضایی

کله ۲- در هنگام طلاق، شرط استحقاق زن به دریافت اجرت‌المثل کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده عبارت است از:

- (۱) چنانچه زوجه کاری را به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد.  
(۲) هرگاه طلاق به درخواست زوجه نباشد.  
(۳) در صورتی که طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد.  
(۴) جمع همه شرایط مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳

کله ۳- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود.  
(۲) رجوع در طلاق فقط با فعلی که دلالت بر رجوع کند، حاصل می‌شود.  
(۳) رجوع در طلاق فقط با لفظی که دلالت بر رجوع کند، حاصل می‌شود.  
(۴) رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر رجوع کند، حاصل می‌شود.

کله ۴- عده در کدام مورد دو طهر است؟

- (۱) طلاق (۲) فسخ نکاح دائم (۳) بذل مدت (۴) هر سه مورد

کله ۵- عده وفات در مورد زن حامله چه میزان است؟

- (۱) در هر حال چهار ماه و ده روز.  
(۲) در هر حال تا روز وضع حمل.  
(۳) عده زن حامله کمترین مدت میان وضع حمل، چهار ماه و ده روز است.  
(۴) چهار ماه و ده روز، مگر اینکه مدت حمل بیش از چهار ماه و ده روز از تاریخ فوت باشد که در این صورت تا وضع حمل است.

کله ۶- زنی که شوهر او غایب مفقودالاثَر بوده و حاکم او را طلاق داده است:

- (۱) باید از تاریخ طلاق عده وفات نگهدارد.  
(۲) باید عده طلاق را نگهدارد.  
(۳) باید ۴۵ روز عده نگهدارد.  
(۴) عده ندارد.

کله ۷- کدامیک از طلاق‌های زیر بائن است؟

- (۱) یائسه (۲) خلع (۳) غیرمدخوله (۴) هر سه مورد

کله ۸- در صورت فسخ نکاح دائم، عده زن به چه صورت می‌باشد؟

- (۱) سه ماه است. (۲) سه طهر است. (۳) منتفی است. (۴) چهارماه و ده روز است.

کله ۹- طلاق عدی به طلاقی می‌گویند که:

- (۱) زن باید عده نگه دارد.  
(۲) شوهر در مدت عده رجوع کرده باشد.  
(۳) عده زن سپری شده باشد.  
(۴) زن نباید عده نگه‌دارد.

کله ۱۰- عده زنی که شوهر او فوت کرده و حامله نیست.

- (۱) چهار ماه و ده روز است. (۲) عده ندارد. (۳) سه ماه است. (۴) سه ماه و ده روز است.



## فصل پنجم

## «قربان»

## تست‌های تألیفی فصل اول

**که مثال ۱:** کدام یک از موارد قربان نسب نیستند؟

- (۱) پدر و فرزند (۲) پسرعموها (۳) زن و شوهر (۴) پسرخاله‌ها

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ چون زن و شوهر قربان نسب و خونی با هم ندارند.

**که مثال ۲:** کدام مورد از طبقه اول خویشاوندان نسب نیست؟

- (۱) پدر (۲) اولاد (۳) نوه (۴) برادر

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ چون برادر از طبقه دوم می‌باشد.

**که مثال ۳:** کدام گزینه در مورد فرزندخواندگی صحیح می‌باشد؟

- (۱) فرزندخواندگی در اسلام به رسمیت شناخته شده و موجب ارث است.  
 (۲) فرزندخواندگی در اسلام به رسمیت شناخته نشده و موجب ارث نیست.  
 (۳) سن هر یک از زوجین سرپرست باید حداقل ۴۰ سال باشد.  
 (۴) اثری که بر قربان نسب از لحاظ منع نکاح بار می‌شود، بر فرزند خواندگی نیز مترتب است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ فرزندخواندگی نهادی جدید است که سابقه فقهی نداشته و موجب ارث نیست. همچنین باید توجه داشت که سن هر یک از زوجین سرپرست باید حداقل ۳۰ باشد، مگر در صورت عقیمی به دلایل پزشکی و همچنین اثر منع نکاحی که از قربان نسب است بر فرزندخواندگی بار نمی‌شود.

**که مثال ۴:** کدام مورد از شرایط سرپرستی اطفال نیست؟

- (۱) یکی از زوجین ۳۰ ساله باشد.  
 (۲) تمکن مالی زوجین یا یکی از آنها  
 (۳) طفل هر سنی داشته باشد.  
 (۴) اقامتگاه سرپرستان در ایران باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ طفل باید از ۱۲ سال کمتر باشد.

**که مثال ۵:** در مورد روابط طفل تحت سرپرستی و سرپرستان کدام صحیح است؟

- (۱) از هم ارث می‌برند.  
 (۲) از هم ارث نمی‌برند.  
 (۳) از لحاظ نگهداری و نفقه مثل اولاد و والدین است.  
 (۴) گزینه ۳ و ۲ صحیح‌اند.

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ در اسلام و قانون ما فرزند خوانده ارث نمی‌برد و فقط از نفقه برخوردار است.

**که مثال ۶:** رسیدگی به دعوای نسبت در صلاحیت ..... است.

- (۱) دادگاه خانواده (۲) دادگاه عمومی (۳) شورای عالی ثبت (۴) گزینه ۱ و ۲

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ رسیدگی به دعوای نسبت در صلاحیت دادگاه خانواده است که این دادگاه نیز شعبه‌ای از دادگاه عمومی است.

**که مثال ۷:** در صورتی که پدر از لعان رجوع نماید:

- (۱) پدر از پسر ارث می‌برد.  
 (۲) پسر از پدر ارث می‌برد.  
 (۳) پدر و پسر از یکدیگر ارث می‌برند.  
 (۴) هیچ یک از هم ارث نمی‌برند.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ مطابق ماده ۸۸۳ قانون مدنی: هرگاه پدر از لعان رجوع کند، پسر صرفاً از او ارث می‌برد.

**❏ مثال ۸:** کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) از دیدگاه مخالفان، تلقیح مصنوعی مانند زنا فرض شده است.
- (۲) تلقیح به لحاظ انتقادی، مانند وطی به شبهه است.
- (۳) تلقیح مصنوعی به نوعی مخالف با اخلاق حسنه است.
- (۴) در نقد تلقیح مصنوعی، تفاوتی بین تلقیح با نطفه شوهر و غیرشوهر نیست.

❏ پاسخ: گزینه «۴»؛ باید توجه داشت که مخالفان تلقیح مصنوعی، چندان مخالفتی با تلقیح به وسیله نطفه شوهر ندارند و این امر را به وسیله نطفه غیرشوهر مذموم می‌دانند.

**❏ مثال ۹:** کدام گزینه در زمینه تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر صحیح می‌باشد؟

- (۱) در تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر طفل ملحق به زوج است.
- (۲) در تلقیح مصنوعی طفل ملحق به زوجین است.
- (۳) نزدیکی، شرط اصلی الحاق طفل به زوجین است و مواردی دیگر از جمله تفخیز، باعث مشروعیت نسب نمی‌گردد.
- (۴) تفخیز و به تبع آن آبستن شدن زن، موجب مشروعیت طفل نمی‌باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱»؛ زیرا از آنجا که نزدیکی شرط مشروعیت نسب نیست، طفل ملحق به زوج است.

**❏ مثال ۱۰:** اگر ولی قهری محجور گردد:

- (۱) مدعی العموم قیم نصب می‌کند.
- (۲) ولی قهری به درخواست مدعی العموم عزل می‌گردد.
- (۳) ولی قهری منعزل است و ضم امین می‌گردد.
- (۴) ولایت قهری ساقط و نصب قیم می‌گردد.

❏ پاسخ: گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی: در این فرض ولی قهری منعزل، ولایت او ساقط و مدعی العموم مکلف به نصب قیم می‌گردد.

## آزمون فصل پنجم

## کجه ۱- طفل متولد از نزدیکی به شبهه ملحق به کیست؟

- (۱) به طرفی که در اشتباه بوده.  
(۲) مادر، مگر این که اشتباه از طرف او بوده.  
(۳) پدر مگر این که اشتباه از طرف او بوده.  
(۴) به هیچ یک از پدر و مادر

## کجه ۲- طفل متولد از زنا.....

- (۱) ملحق به زانی می‌شود.  
(۲) اصولاً ملحق به زانیه نمی‌شود.  
(۳) ملحق به زانیه می‌شود.  
(۴) ملحق به زانی نمی‌شود.

## کجه ۳- در حضانت اطفال:

- (۱) حضانت پسر و دختر تا ۷ سال با مادر و سپس با پدر است.  
(۲) حضانت پسر تا ۲ سال و دختر تا ۷ سال با مادر و سپس با پدر است.  
(۳) حضانت دختر تا ۲ سال و پسر تا ۷ سال با مادر و سپس با پدر است.  
(۴) حضانت پسر و دختر تا ۷ سال با پدر و سپس با مادر است.

## کجه ۴- در صورت فوت پدر و شوهر کردن مادر، حضانت فرزند با کیست؟

- (۱) مادر  
(۲) جد پدری  
(۳) جدمادری  
(۴) امین

## کجه ۵- ولی قهری در حقوق ما شامل چه کسانی می‌شود؟

- (۱) پدر  
(۲) مادر  
(۳) پدر و جد پدری  
(۴) پدر و مادر

## کجه ۶- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) حضانت حق ابوین است.  
(۲) حضانت تکلیف ابوین است.  
(۳) حضانت حق و تکلیف ابوین است.  
(۴) حضانت نه حق و نه تکلیف ابوین است.

## کجه ۷- کدام یک از موارد زیر باعث قرابت رضاعی می‌شود؟

- (۱) طفل حداقل یک شبانه روز، شیر کامل خورده باشد.  
(۲) طفل حداقل ۱۵ دفعه متوالی، شیر کامل خورده باشد.  
(۳) طفل به گونه‌ای شیر خورده باشد که از آن گوشت و استخوان روییده باشد.  
(۴) هر سه گزینه

## کجه ۸- کدام یک از موارد قرابت سببی هستند؟

- (۱) دخترخاله  
(۲) پسر، پسر خاله  
(۳) مادر زن  
(۴) دایی، دایی

## کجه ۹- کدام یک از موارد زیر جزء طبقه دوم خویشاوندان نسبی نیستند؟

- (۱) خواهر  
(۲) اولاد خواهر  
(۳) اولاد برادر  
(۴) اولاد اولاد

## کجه ۱۰- کدام یک از موارد زیر، از شرایط سرپرست اطفال است؟

- (۱) وجود رابطه نکاح  
(۲) اهلیت  
(۳) شایستگی اخلاقی  
(۴) هر سه گزینه



## پاسخنامه آزمون‌های حقوق خانواده

### فصل اول: کلیات نکاح

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۳» | ۲- گزینه «۱» | ۳- گزینه «۲» | ۴- گزینه «۲» | ۵- گزینه «۲»  |
| ۶- گزینه «۱» | ۷- گزینه «۱» | ۸- گزینه «۴» | ۹- گزینه «۳» | ۱۰- گزینه «۲» |

### فصل دوم: اهلیت

|              |              |              |              |              |
|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|
| ۱- گزینه «۳» | ۲- گزینه «۱» | ۳- گزینه «۱» | ۴- گزینه «۳» | ۵- گزینه «۱» |
|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|

### فصل سوم: آثار نکاح

|               |               |               |               |               |
|---------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| ۱- گزینه «۳»  | ۲- گزینه «۴»  | ۳- گزینه «۳»  | ۴- گزینه «۴»  | ۵- گزینه «۲»  |
| ۶- گزینه «۳»  | ۷- گزینه «۱»  | ۸- گزینه «۱»  | ۹- گزینه «۴»  | ۱۰- گزینه «۴» |
| ۱۱- گزینه «۲» | ۱۲- گزینه «۲» | ۱۳- گزینه «۲» | ۱۴- گزینه «۱» | ۱۵- گزینه «۳» |
| ۱۶- گزینه «۴» | ۱۷- گزینه «۳» | ۱۸- گزینه «۳» | ۱۹- گزینه «۲» | ۲۰- گزینه «۱» |
| ۲۱- گزینه «۲» | ۲۲- گزینه «۴» | ۲۳- گزینه «۳» | ۲۴- گزینه «۱» | ۲۵- گزینه «۳» |

### فصل چهارم: فسخ نکاح

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۲» | ۲- گزینه «۴» | ۳- گزینه «۴» | ۴- گزینه «۳» | ۵- گزینه «۴»  |
| ۶- گزینه «۱» | ۷- گزینه «۴» | ۸- گزینه «۲» | ۹- گزینه «۲» | ۱۰- گزینه «۱» |

### فصل پنجم: قرابت

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۱» | ۲- گزینه «۴» | ۳- گزینه «۱» | ۴- گزینه «۱» | ۵- گزینه «۳»  |
| ۶- گزینه «۳» | ۷- گزینه «۴» | ۸- گزینه «۳» | ۹- گزینه «۴» | ۱۰- گزینه «۴» |

ادث



## فصل اول

### «در اخذ به شفعه»

#### تست‌های تألیفی فصل اول

**کلمه مثال ۱:** کدام یک از موارد زیر از شرایط ایجاد حق شفعه نمی‌باشد؟

- (۱) مال باید غیرمنقول باشد.  
(۲) تنها در صورتی است که یک شریک در کار باشد.  
(۳) مال نباید تقسیم شده باشد.  
(۴) شفعی قدرت پرداخت ثمن به مشتری را داشته باشد.

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ با توجه به صدر ماده ۸۰۸ قانون مدنی مال غیرمنقول (اعم از ذاتی، مثل: زمین یا غیرمنقول به واسطه عمل انسان، مثل: ابنیه، آب، پرده نقاشی چنانچه به تبع عرصه به فروش روند) می‌تواند مورد حق شفعه قرار گیرد و چنانچه مستقلاً به فروش رود، طبق ماده ۸۰۹ (قانون مدنی): «هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود». بنابراین گزینه ۱ از شرایط ایجاد حق شفعه می‌باشد و پاسخ صحیح نمی‌باشد. مطابق ماده ۸۰۸ (قانون مدنی) مال باید به صورت مشاع بین دو شریک مشترک باشد؛ یعنی اشاعه شرط ایجاد حق شفعه می‌باشد و مال تقسیم شده دیگر مشاع نمی‌باشد و گزینه ۳ نیز بیانگر این مورد است و همچنین مطابق ماده مذکور تعداد شرکا باید ۲ نفر باشد و گزینه ۲ در مقام بیان این شرط می‌باشد. پاسخ صحیح گزینه ۴ می‌باشد، چرا که قدرت پرداخت ثمن توسط شفعی شرط اعمال حق شفعه می‌باشد، نه شرط ایجاد حق شفعه چرا که بین مرحله ایجاد و اعمال باید تفکیک قائل شد؛ به محض فروش مال توسط شریک به ثالث، حق شفعه برای شریک دیگر (شفعی) ایجاد می‌شود و توانایی پرداخت ثمن معامله شرط اعمال این حق می‌باشد و مرحله اعمال حق، مرحله بعد از ایجاد حق می‌باشد.

**کلمه مثال ۲:** هدف کلی از ایجاد حق شفعه برای شفعی کدام مورد است؟

- (۱) آشنایی شفعی به امور مربوط به ملک  
(۲) جلوگیری از ضرر شریک دیگر ناشی از شراکت با شریک جدید ناخواسته  
(۳) دفع مفسده و جلب منفعت برای مال مزبور  
(۴) جلوگیری از مالکیت بیگانگان بر مال

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ طبق نظر برخی از فقها علت عمده‌ی ایجاد حق شفعه در مال قابل تقسیم، جلوگیری از ضرر شفعی ناشی از احتمال تقسیم مال غیرمنقول است و فرض شده که در مال غیر قابل تقسیم، ضرری متوجه شفعی نمی‌شود تا اخذ به شفعه ضرورتی پیدا کند. منطقی است که در مال غیر قابل تقسیم به دلیل عدم امکان تقسیم مال تغییر شریک مشاعی موجب اضرار به شریک دیگر نمی‌گردد.

**کلمه مثال ۳:** علی و حسن یک قطعه زمینی را از کمیته امداد امام خمینی (ره) اجاره کرده تا در آن مشترکاً یک دستگاه آپارتمان چند طبقه بسازند و در صورتی که علی (یکی از شرکاء) سهم خود را از آپارتمان احدائی بفروشد، شریک دیگر (حسن) واجد حق شفعه ..... .

- (۱) نمی‌باشد؛ زیرا در هنگام فروش سهم علی شرکاء ۳ نفر بوده‌اند.  
(۲) بوده در صورت اذن کمیته امداد امام خمینی (ره)  
(۳) بوده و می‌تواند آن را اعمال کند.  
(۴) نمی‌باشد.

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۸۰۹ قانون مدنی: «هرگاه بنا و درخت، بدون زمین فروخته شود، حق شفعه ایجاد نمی‌گردد»؛ لذا اگر مالکین بنا و درخت به‌دلایلی از قبیل وقف یا عاریه زمین، مالک زمین نباشند، حق شفعه با فروش یکی از آنان به‌وجود نخواهد آمد.

**کلمه مثال ۴:** کدام یک از عقود زیر سبب ایجاد حق شفعه می‌باشد؟

- (۱) هبه (۲) صلح (۳) معاوضه (۴) بیع

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ طبق ماده ۸۰۸ قانون مدنی: اخذ به شفعه در صورتی حاصل می‌گردد که یکی از دو شریک سهم خود را به وسیله عقد بیع واگذار نماید؛ بنابراین، چنانچه شریک سهم خود را به سببی از اسباب دیگر مانند: معاوضه، صلح، هبه و یا آن‌که مهریه در نکاح زوجه خود قرار دهد حق شفعه برای شریک دیگر به‌وجود نمی‌آید.

**🔗 مثال ۵:** در مورد اثر اقاله بر حق شفعه کدام درست است؟

- (۱) اگر اقاله قبل از اخذ به شفعه باشد، صحیح است، ولی در برابر شفیع غیرقابل استناد است.
- (۲) اگر اقاله قبل از اخذ به شفعه باشد، در هر صورت صحیح است.
- (۳) اگر اقاله بعد از اخذ شفعه باشد، در حق شفیع بی‌اثر است.
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۳ هر دو.

✓ **پاسخ:** گزینه «۴»؛ اقاله چه قبل و چه بعد از اخذ به شفعه در حق شفیع بی‌اثر است؛ چرا که به محض انعقاد بیع، این حق وارد دارایی شفیع شده و اراده ثانوی فروشنده (شریک) و خریدار نمی‌تواند به آن لطمه‌ای بزند، منتها در مورد اقاله قبل از اخذ به شفعه گفته‌اند که باطل مطلق نیست؛ یعنی صحیح است ولی غیرقابل استناد در برابر شفیع است.

**🔗 مثال ۶:** در مورد اجرای حق شفعه، مهلت عرفی شفیع برای اعمال حق شفعه از چه زمانی می‌باشد؟

- (۱) از زمان معامله بین شریک و خریدار
- (۲) از زمان آگاهی شفیع به معامله
- (۳) از زمان آگاهی به مخفی بودن معامله شریک و خریدار
- (۴) از زمان تقدیم ثمن از سوی خریدار به شریک

✓ **پاسخ:** گزینه «۲»؛ مفهوم ماده‌ی ۸۲۱ قانون مدنی از فوریت اخذ به شفعه رعایت فوریت عرفی است، درنگ در اخذ به شفعه باعث سقوط حق می‌شود و مهلت عرفی اجرای حق از تاریخ آگاه شدن از وقوع معامله می‌باشد.

**🔗 مثال ۷:** از گزینه‌های زیر کدام یک جزو آثار اجرای حق شفعه نمی‌باشد؟

- (۱) تملک سهم فروخته شده توسط شفیع
- (۲) تملک منافع متصل مبیع توسط شفیع
- (۳) ابطال معاملات مشتری در فاصله عقد و شفعه
- (۴) انتقال منافع منفصل مبیع به شفیع

✓ **پاسخ:** گزینه «۴»؛ طبق ماده ۸۱۹ قانون مدنی اگر منافع منفصل باشد و این منافع قبل از اخذ به شفعه پدید آمده باشد مال مشتری است و در صورتی که متصل باشد مال شفیع است و در موردی که تردید در متصل یا منفصل بودن است (مثل میوه‌ی رسیده بر درخت)، اصل عدم انتقال آن و بقاء در ملک خریدار است.

**🔗 مثال ۸:** وضعیت اسقاط حق شفعه قبل از وقوع بیع، توسط شفیع چگونه است؟

- (۱) باطل است
- (۲) صحیح است
- (۳) نافذ است
- (۴) هیچ کدام

✓ **پاسخ:** گزینه «۳»؛ در مورد اسقاط حق شفعه پیش از وقوع بیع اختلاف است، بعضی می‌گویند: حق را پیش از بدست آوردن آن نمی‌توان اسقاط کرد و بعضی دیگر اراده در اسقاط حق شفعه را قبل از بیع مانند اسقاط خیار تأخیر ثمن و خیار تخلف از شرط که ضمن عقد می‌باشد و ماده ۴۴۸ قانون مدنی آن را جایز شمرده است نافذ شمرده‌اند، و نظر اخیر مرجع است.

**🔗 مثال ۹:** کدام گزینه مصداق زوال قهری حق شفعه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) شفیع بدون اطلاع از وجود حق شفعه سهم خود را به دیگران منتقل کند.
- (۲) شفیع در اجرای حق و پرداخت ثمن تأخیر کند.
- (۳) شفیع با اطلاع از وجود حق شفعه سهم خود را به ثالثی منتقل کند.
- (۴) عین مورد انتقال پیش از اخذ به شفعه تلف می‌شود.

✓ **پاسخ:** گزینه «۳»؛ گزینه ۱ از مصادیق زوال قهری حق شفعه می‌باشد؛ چرا که شفیع با انتقال سهم خود به دیگری حقی نسبت به حصه دیگر ندارد. گزینه ۲ و ۴ نیز با توجه به توضیحاتی که گفته شد از مصادیق زوال قهری حق شفعه به شمار می‌روند. اما گزینه ۳ از مصادیق زوال ارادی حق شفعه می‌باشد نه زوال قهری. با این توصیف که شفیع زمانی که با اطلاع از وجود حق شفعه سهم خود را به دیگری انتقال می‌دهد در حقیقت آگاهانه از حق خود صرف‌نظر کرده و این اسقاط ضمنی حق شفعه می‌باشد.

**🔗 مثال ۱۰:** در مورد زوال حق شفعه کدام یک از موارد زیر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) اهمال در اجرای آن موجب زوال حق می‌شود.
- (۲) اهمال در پرداخت ثمن بعد از اعمال حق موجب زوال می‌شود.
- (۳) ناتوانی از پرداخت ثمن موجب زوال حق شفعه می‌شود.
- (۴) تلف مبیع پس از اخذ به شفعه باعث زوال حق می‌شود.

✓ **پاسخ:** گزینه «۴»؛ اگر مبیع بعد از اخذ به شفعه تلف شود، باعث زوال حق نمی‌شود؛ زیرا حق به درستی انتقال یافته است و تلف مبیع تملک آن را منسوخ می‌کند، نه حق شفعه را.

**مثال ۱۱:** کدام گزینه در اخذ به شفعه صحیح می‌باشد؟

- (۱) عقدی مابین خریدار و شفیع است.
- (۲) ایقاعی مابین شفیع و شریک است.
- (۳) ایقاعی است از جانب شفیع
- (۴) عقدی مابین شفیع و شریک است.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ همانطور که گفته شد اخذ به شفعه ایقاعی است الحاقی و سهم شفیع اراده در پیوستن به این معامله و تملک حصه مبیعه است و یا رد معامله و رضایت به معامله‌ی بین خریدار و شریک است. در واقع اراده شفیع به یک عمل حقوقی که از قبل ایجاد شده است، الحاقی می‌شود و اما در ثمن و ماهیت معامله هیچ تصرفی نمی‌تواند داشته باشد.

**مثال ۱۲:** آن چه که شفیع به عنوان ارش به دلیل ارزش مبیع به خریدار می‌پردازد؟

- (۱) دین ناشی از مسئولیت مدنی است.
- (۲) ثمن است برای آن چه که به مبیع افزوده شده است.
- (۳) عوض استیفاء حق است.
- (۴) عوضی است برای تلاش خریدار جهت افزایش ارزش مبیع

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ خریدار می‌تواند ارزش افزوده بر مبیع را اگر این ارزش افزوده ناشی از عمل اوست از شفیع به عنوان عوض حش استیفا کند.

**مثال ۱۳:** تعهد تسلیم مبیع به شفیع از سوی خریدار از چه زمانی است؟

- (۱) در زمان اراده اخذ به شفعه توسط شفیع
  - (۲) در زمان تسلیم ثمن توسط شفیع و در صورتی که مبیع به خریدار تسلیم شده باشد.
  - (۳) در زمان آگاهی شفیع از بیع بین شریک و خریدار
  - (۴) در هریک از موارد فوق باید مبیع به شفیع تسلیم شود.
- پاسخ:** گزینه «۲»؛ زمانی که شفیع در ازای تملک حق شفعه ثمن را به خریدار می‌پردازد، این جاست که خریدار متعهد است که مبیع را در اختیار شفیع قرار دهد. و براساس ماده ۸۱۷ قانون مدنی «در مقابل شریکی که به حق شفعه تملک می‌کند مشتری ضامن درک مبیع است نه بایع...».

**مثال ۱۴:** در اخذ به شفعه اگر مبیع مستحق الغیر در آید چه کسی ضامن استرداد ثمن پرداختی شفیع به خریدار می‌باشد؟

- (۱) در هر حال خریدار
  - (۲) در هر حال فروشنده
  - (۳) فروشنده، اگر مبیع را به خریدار تسلیم نکرده باشد.
  - (۴) خریدار، اگر مبیع به او تسلیم شده باشد.
- پاسخ:** گزینه «۱»؛ زیرا همانطور که بیان شد شفیع سهم فروخته شده را از خریدار تملک می‌کند، نه از فروشنده و ثمن را به خریدار می‌پردازد و رابطه حقوقی بین او و خریدار برقرار می‌شود و فروشنده در این رابطه بیگانه است.

**مثال ۱۵:** دعوی شفیع علیه خریدار زمانی محقق می‌شود که .....

- (۱) شفیع ثمن را به خریدار رد نماید.
- (۲) از زمان بیع مدت زیادی نگذشته باشد.
- (۳) بیع میان خریدار و فروشنده اثبات شود.
- (۴) زمان انجام بیع معلوم باشد.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ دعوای شفیع علیه خریدار منوط بر اثبات و احراز بیع میان خریدار و فروشنده (شریک) می‌باشد.

**مثال ۱۶:** اگر بین خریدار و شفیع در میزان تراضی اختلاف نباشد، اما در اثبات آن اختلاف باشند .....

- (۱) ادعای طرفی که به میزان بیشتر اقرار دارد پذیرفته می‌شود.
  - (۲) ادعای شفیع پذیرفته می‌شود، چون قدر متیقن است.
  - (۳) ادعای خریدار پذیرفته می‌شود، چون در معرض ضرر است.
  - (۴) ادعای طرفی که به میزان کمتر اقرار کرده پذیرفته می‌شود.
- پاسخ:** گزینه «۴»؛ اگر اختلاف میان خریدار و شفیع در اثبات تراضی باشد. نه در میزان آن باید ادعای طرفی که اقرار بر میزان کمتر کرده است و قدر متیقن است پذیرفته می‌شود.

**مثال ۱۷:** اگر در اخذ به شفعه، بین خریدار و شفیع اختلاف شود که درختان و بنای موجود در سهم شریک آیا توسط خریدار احداث شده یا قبلاً

وجود داشته نظر چه کسی مقدم است؟ مطابق کدام اصل؟

- (۱) مطابق اصل عدم، نظر خریدار
- (۲) مطابق اصل تأخر حادث، نظر شفیع
- (۳) مطابق اصل تأخر حادث و اصل عدم، نظر خریدار
- (۴) مطابق اصل عدم و تأخر حادث، نظر شفیع

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ زیرا ادعای شفیع خلاف اصل عدم و اصل تأخر حادث می‌باشد، چرا که شفیع مدعی وجود درختان و بنا در زمان قبل از بیع خریدار و فروشنده می‌باشد، در حالی که مطابق اصل عدم در آن زمان وجود نداشته‌اند و مطابق اصل تأخر حادث، چون تاریخ احداث آن‌ها مجهول است؛ بنابراین زمان احداث آن‌ها متأخر (یعنی بعد از بیع) می‌باشد.

## آزمون فصل اول

## کله ۱- در صورتی که وراثت شفیع متعدد باشد .....

- (۱) تمام وراثت به صورت مساوی از حق شفعه برخوردار می‌شود.  
 (۲) تنها برای وراثت ذکور ثابت است.  
 (۳) هیچ‌کدام از وراثت نمی‌تواند به تنهایی اخذ به شفعه نماید.  
 (۴) بین ورثه به نسبت سهام آنان تقسیم می‌شود.

## کله ۲- اسقاط حق شفعه از سوی شفیع .....

- (۱) عقد است و نیاز به رضایت شریک دارد.  
 (۲) فقط باید به صورت صریح باشد.  
 (۳) به طور ضمنی امکان‌پذیر است.  
 (۴) ایقاع است و نیاز به رضایت شریک ندارد.

## کله ۳- کدام یک از موارد زیر از شرایط ایجاد حق شفعه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) لزوم وجود شرکت  
 (۲) قابل تقسیم بودن ملک  
 (۳) انتقال آن به هر روشی  
 (۴) مختص به غیرمنقول بودن

## کله ۴- اقاله در چه زمانی در حق شفیع اثری ندارد؟

- (۱) قبل از اخذ به شفعه  
 (۲) پس از اخذ به شفعه  
 (۳) قبل و بعد از اخذ به شفعه  
 (۴) هیچ‌کدام از موارد

## کله ۵- کدامیک از موارد زیر، باعث سقوط حق شفعه از سوی شفیع نمی‌شود؟

- (۱) عدم آگاهی از معامله بین خریدار و شریک  
 (۲) اهمال و سستی در اعمال و اجرای حق  
 (۳) عدم تمکن مالی شریک  
 (۴) آگاهی و رضایت شفیع از معامله و عدم اعمال حق

## کله ۶- اگر خریدار سهم خود را پیش از اخذ به شفعه به شفیع فروخته باشد و مالک جدید هم به دیگری فروخته باشد؛ در این صورت

شفیع می‌تواند .....

- (۱) فقط نسبت به بیع اول اخذ به شفعه نماید.  
 (۲) فقط نسبت به بیع دوم اخذ به شفعه نماید.  
 (۳) نسبت به هر کدام که خواست اخذ به شفعه نماید.  
 (۴) نسبت به هیچ‌کدام نمی‌تواند اخذ به شفعه نماید.

## کله ۷- در کدامیک از گزینه‌های اعراض از حق شفعه اختیاری است؟

- (۱) شفیع به اراده خود و به صراحت از حق شفعه بگذرد.  
 (۲) شفیع به اراده خود و به صورت ضمنی از حق شفعه بگذرد.  
 (۳) هرگاه اسقاط ناشی از کوتاهی شفیع باشد.  
 (۴) موارد ۱ و ۲

## کله ۸- اخذ به شفعه

- (۱) ایقاع است.  
 (۲) عقد است.  
 (۳) واقعه‌ای حقوقی است.  
 (۴) عقد جایز است.

## کله ۹- در بیع فاسد، حق شفعه .....

- (۱) می‌باشد.  
 (۲) نمی‌باشد.  
 (۳) علی‌الاصول می‌باشد.  
 (۴) هیچ‌کدام

## کله ۱۰- در برابر شفیع، ضامن درک مبیع .....

- (۱) مشتری می‌باشد.  
 (۲) بایع می‌باشد.  
 (۳) بایع و مشتری می‌باشد.  
 (۴) هیچ کس

## فصل دوم

## «در وصایا»

## تست‌های تألیفی فصل دوم

**کلمه مثال ۱:** وصف مشترک در تمام انواع وصیت‌ها، ..... است.

- (۱) تعلیق آن امور به قبول وصی  
(۲) تعلیق آن امور به مرگ موصی  
(۳) عدم توانایی موصی بر انجام آن  
(۴) تسلیط موصی بر آن امور

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ اگر چه هر یک از دو قسم وصیت تملیکی و عهدی طبیعت حقوقی مخصوص را در بر دارد، اما وصف مشترک در تمام انواع وصایا (عهدی و تملیکی) مربوط به پس از فوت موصی است. در واقع عمل حقوقی در صورتی وصیت محسوب می‌شود که اثر آن معلق به فوت یا بعد از فوت انشاءکننده (موصی) باشد.

**کلمه مثال ۲:** کدام یک از موارد زیر، اوصاف ذاتی وصیت محسوب نمی‌شود؟

- (۱) رایگان بودن  
(۲) قابلیت رجوع داشتن توسط موصی  
(۳) معلق بودن به فوت  
(۴) ایقاع بودن وصیت

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ با توجه به توصیف و ویژگی‌های وصیت، ایقاع بودن از اوصاف ذاتی وصیت نمی‌باشد؛ زیرا همان‌طور گفته می‌شود، وصیت تملیکی عقد است و به موجب صدر ماده ۸۲۶ قانون مدنی: وصیت عهدی ایقاع است. (به موجب ماده ۸۳۴ قانون مدنی)؛ پس ایقاع بودن نمی‌تواند خصیصه ذاتی وصیت به طور اعم باشد.

**کلمه مثال ۳:** وصیت تملیکی نوعی ..... و وصیت عهدی نوعی ..... است.

- (۱) عقد - عقد  
(۲) ایقاع - عقد  
(۳) عقد - ایقاع  
(۴) ایقاع - ایقاع

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ با توجه به مفهوم ماده ۸۲۶ قانون مدنی، وصیت تملیکی عقد است و همچنین موصی با تنظیم وصیت‌نامه اراده خود را مبنی بر تملیک وصیت به موصی‌له اعلام می‌دارد و این امر ایجاب یا قصد انشاء است، پس وصیت تملیکی عقد است، خواه آن عقد منجز باشد یا معلق و با توجه به مفهوم ماده ۸۳۴ قانون مدنی، وصیت عهدی ایقاع است؛ زیرا در آن قبول شرط نیست.

**کلمه مثال ۴:** در چه صورتی قبول موصی لزم شرط نمی‌باشد؟

- (۱) موصی لزم غیرمحمصور باشند.  
(۲) وصیت بر امور جزئی باشد.  
(۳) موصی لزم مفقود باشند.  
(۴) همه‌ی موارد فوق

**پاسخ:** گزینه «۱»؛ بر اساس استدلال از ماده ۸۲۸ قانون مدنی می‌توان متوجه شد که وصیت بر غیرمحمصور و بر جهت، تملیکی است، ولی به لحاظ آن که قبول در آن شرط نمی‌باشد، چون امکان گرفتن قبولی بعد از فوت موصی به جهت وصیت بر آنها وجود ندارد پس وصیت بر غیرمحمصور نیز ایقاع محسوب می‌شود.

**کلمه مثال ۵:** کدام یک از موارد زیر در مورد وصیت صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) در وصیت تملیکی، موصی‌له اختیار دارد وصیت را رد یا قبول کند.  
(۲) تخلف در ایجاد شرایط صحت وصیت به بطلان آن می‌انجامد.  
(۳) برای رد یا قبول وصیت از سوی موصی‌له، زمان خاصی در نظر گرفته شده است.  
(۴) دادگاه نمی‌تواند مستقیماً موصی‌له را مجبور به قبول یا رد وصیت کند.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ با توجه به مفهوم ماده ۸۳۰ قانون مدنی برای رد یا قبول وصیت از سوی موصی‌له زمان خاصی در نظر گرفته نشده است و سایر گزینه‌ها در مورد وصیت صحیح می‌باشد.



**❏ مثال ۶:** زمانی مالکیت موصی له بر موصی به حاصل و مستقر می‌شود که ....

- (۱) موصی له وصیت را هنگام حیات موصی قبول کند.  
(۲) موصی له وصیت را بعد از فوت موصی قبول کند.  
(۳) به محض انشاء وصیت توسط موصی  
(۴) با قبول وصیت و قبض موصی به پس از فوت موصی

**❏ پاسخ:** گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۸۳۰ قانون مدنی: «نسبت به موصی له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است، بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد، بعد از فوت می‌تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد، دیگر نمی‌تواند آن را رد کند، لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست».

قبض موصی به، شرط لزوم وصیت تملیکی است؛ بنابراین اگر موصی له پس از فوت موصی، وصیت را قبول و موصی به را قبض کند، مالکیت او مستقر می‌شود و دیگر نمی‌تواند وصیت را رد کند.

**❏ مثال ۷:** معنای کاشفیت و ناقلیت اثر قبولی موصی له، به ترتیب کدام است؟

- (۱) انتقال مالکیت از زمان فوت موصی - انتقال مالکیت از زمان قبول موصی له  
(۲) انتقال مالکیت از زمان قبول ورثه - انتقال مالکیت از زمان فوت موصی  
(۳) قبض مال از زمان فوت موصی - قبض مال از زمان قبول موصی له  
(۴) قبض مال از زمان قبول موصی له - قبض مال از زمان فوت موصی

**❏ پاسخ:** گزینه «۱»؛ یعنی اگر اثر قبولی را کاشف از انتقال بگیریم، در نتیجه منافع موصی به از زمان فوت به موصی له تعلق می‌گیرد و اگر اثر قبولی را ناقل بگیریم؛ یعنی اجازه و مالکیت برای موصی له برای قبض موصی به از زمان قبول موصی له است و منافع در فاصله میان فوت موصی تا قبول موصی به توسط موصی له از آن وراثت می‌باشد.

**❏ مثال ۸:** زمان موثر در رد یا قبول وصیت از سوی موصی له .....

- (۱) در زمان حیات موصی است.  
(۲) در زمان آگاهی موصی له از وصیت است.  
(۳) در زمان اجازه وراثت موصی است.  
(۴) بعد از فوت موصی است.

**❏ پاسخ:** گزینه «۴»؛ با توجه به مفهوم مخالف ماده ۸۲۹ قانون مدنی: زمان موثر در رد یا قبول وصیت از سوی موصی له زمان فوت موصی است. اگر بعد از فوت موصی، موصی له وصیت را قبول کند دیگر نمی‌تواند آن را رد کند و رد بعد از قبولی موثر نیست و اگر بعد از فوت موصی، موصی له وصیت را رد کند بعد از رد دیگر قبولی او اثری ندارد و در واقع ملاک، اولین واکنشی است که موصی له در قبول یا رد وصیت بعد از فوت موصی انجام دهد.

**❏ مثال ۹:** حکم حجر موصی پس از انشای وصیت تملیکی کدام است؟

- (۱) چون قبول موصی له به ایجاب موصی ضمیمه نشده پس باطل است.  
(۲) وصیت غیرنافذ است و با تنفیذ نماینده قانونی محجور (وصی) صحیح و با رد آن باطل است.  
(۳) وصیت صحیح است و مانند موردی است که وصی محجور نشده است.  
(۴) وصیت توسط نماینده قانونی قابل رجوع است.

**❏ پاسخ:** گزینه «۳»؛ طبق ماده ۸۳۵ قانون مدنی: «موصی باید نسبت به مورد وصیت جائز التصرف باشد».

**❏ مثال ۱۰:** کدام یک از موارد زیر جزو شروط موصی به نمی‌باشد؟

- (۱) وجود داشتن در زمان وصیت (۲) معین بودن آن (۳) مالیت داشتن آن (۴) قابلیت انتقال آن

**❏ پاسخ:** گزینه «۱»؛ بر اساس مفهوم ماده ۸۴۲ (قانون مدنی) مال مورد وصیت باید قابلیت وجود را داشته باشد، اما نیازی به وجود آن در زمان و حین وصیت نمی‌باشد؛ مثلاً وصیت به منافع ترکه از اقسام اموالی است که قابلیت وجود را دارد و در آینده به وجود می‌آید و وصیت به آن نیز نافذ است.

**که مثال ۱۱:** طبق قانون مدنی ایران، در ارتباط با وصیت به مال غیر کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) صحیح است، ولی باید شرایط آن رعایت شود.  
(۲) صحیح است مشروط به تنفیذ و اجازه صاحب مال  
(۳) مطلقاً باطل است.  
(۴) گزینه ۱ و ۲

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ مطابق ماده ۸۴۱ قانون مدنی: «موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر و لو با اجازه مالک باطل است»، ولی در ارتباط با وصیت برای غیر طبق ماده ۲۴۷ قانون مدنی غیرنافذ است. در ارتباط با تفاوت وصیت به مال غیر (یعنی برای خود) با وصیت برای غیر توجه به ۲ مثال زیر ضروریست:

**وصیت به مال غیر (برای خود):** علی وصیت می‌کند که ماشین حسن بعد از مرگ من (علی) مال احمد بشود. ماده ۸۴۱ قانون مدنی ناظر به این مورد است که باطل است.

**وصیت برای غیر:** علی وصیت می‌کند که ماشین حسن بعد از مرگ حسن مال احمد بشود. در این جا این وصیت غیرنافذ است و مالک یعنی حسن می‌تواند تنفیذ و یا رد کند که اگر حسن فوت کند؛ اجازه یا رد، با وراثت او می‌باشد.

**که مثال ۱۲:** اگر شخص در زمان حیات پدرش  $\frac{1}{4}$  از سهم الارث خود از مال پدرش را وصیت کند این وصیت چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است، زیرا فرد در مداخله در اموالش آزاد است (قاعده تسلیط)  
(۲) باطل است، زیرا وصیت زاید بر ثلث است.  
(۳) در صورتی که سایر وراثت اجازه نکنند، باطل است.  
(۴) باطل است، زیرا وصیت به مال غیر تلقی می‌شود.

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ این نوع وصیت بدلیل اینکه مورث هنوز حیات دارد و اموالش متعلق به خودش می‌باشد از نوع وصیت به مال غیر و باطل می‌باشد، حتی اگر توسط مورث (پدر) تنفیذ شود (ماده ۸۴۱ قانون مدنی).

**که مثال ۱۳:** اگر کسی به موجب وصیتی که یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت او چه حکمی دارد؟

- (۱) نافذ است.  
(۲) صحیح است.  
(۳) باطل است.  
(۴) غیرنافذ است.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ به موجب ماده ۸۳۷ قانون مدنی: اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست.

**که مثال ۱۴:** در رابطه با اثر اجازه وارث بر وصیت زائد بر ثلث مال، کدام مورد صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) اجازه نباید مشروط به شرطی شود که اثر وصیت را خنثی کند.  
(۲) اجازه دهندگان باید دارای اهلیت و اراده‌ی سالم باشند.  
(۳) اجازه‌دهندگان در هنگام تنفیذ و زمان فوت باید جزو ورثه باشند.  
(۴) اجازه دهنده اگر محجور باشد اجازه او صحیح است.

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ اجازه و تنفیذ وصیت زاید بر ثلث یک عمل حقوقی است و وارث باید برای آن اهلیت داشته باشد؛ لذا محجور به دلیل عدم اهلیت نمی‌تواند وصیت زاید بر ثلث را اجازه دهد.

**که مثال ۱۵:** علی همسر مریم است، علی تمام دارایی خود را به نفع مریم که تنها وارث او هم هست، وصیت نموده است، حال اگر علی فوت کند:

- (۱) مریم  $\frac{1}{4}$  ماترک بعلاوه  $\frac{1}{3}$  ماترک بعد از کسر دیون را می‌برد.

(۲) مریم به عنوان وصیت، تمام اموال علی را تملک می‌کند.

(۳) مریم به عنوان سهم الارث و وصیت ماترک را می‌برد.

(۴) زوجه فقط یک چهارم ماترک را می‌برد و بقیه ترکه در حکم مال اشخاص بالاوارث و تابع ماده ۸۶۶ قانون مدنی است.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ مطابق ماده ۸۴۳ قانون مدنی: تنفیذ وصیت زاید بر ثلث با ورثه است، در این سؤال، موصی له خود، تنها وارث است، لذا تنفیذ وصیت زاید بر ثلث منتفی است؛ بنابراین زوجه (مریم) به عنوان موصی له و در چارچوب وصیت، تمام اموال زوج را تملک کرده و دیگر چیزی باقی نمی‌ماند تا به او ارث برسد و دلیل این امر آن است که مطابق مراد ۸۹۶ و ۸۷۰ قانون مدنی، وصیت مقدم بر ارث است.



**🔗 مثال ۱۶:** اگر موصی از رجوع از وصیت خود عدول نماید....

(۱) وصیت قبلی نافذ است و باید اجرا شود.

(۲) رجوع از وصیت به منزله انشاء وصیت جدید است.

(۳) وصیت نیاز به انشای مجدد دارد زیرا با رجوع از وصیت آن را منحل نموده است.

(۴) مال به تملیک ورثه در می‌آید.

**✅ پاسخ:** گزینه «۳» اگر موصی از رجوع از وصیت‌اش عدول کند، یعنی بخواهد همان وصیت اولش اجرا گردد، باید دوباره آن را انشاء کند. لذا با رجوع از آن وصیت سابق، آن را منحل و بی اعتبار کرده است.

**🔗 مثال ۱۷:** از بین بردن موضوع وصیت از سوی موصی در صورتی رجوع محسوب می‌شود که .....

(۱) ارادی باشد (۲) منجز باشد (۳) موصی به عین معین باشد. (۴) همه موارد

**✅ پاسخ:** گزینه «۴»؛ از بین بردن موضوع وصیت در صورتی که رجوع محسوب می‌شود که:

۱- ارادی باشد؛ زیرا رجوع از امور شخصی است.

۲- منجز باشد؛ یعنی رجوع نباید معلق باشد، زیرا انتقال معلق رجوع از وصیت را نیز معلق می‌کند.

۳- موضوع انتقال همان موصی به باشد و موصی به باید عین معین باشد و همان عین معین را منتقل کند.

۴- تصرف باید در اموری باشد که موصی آن را اراده کند.

**🔗 مثال ۱۸:** کدام یک از موارد زیر با وصیت منافات ندارد؟

(۱) انشاء وصیت مخالف وصیت اول (۲) اتلاف موصی به (۳) انتقال موصی به (۴) از بین رفتن وصیت‌نامه

**✅ پاسخ:** گزینه «۴»؛ از بین رفتن وصیت‌نامه از اعمالی که منافای وصیت است، نمی‌باشد، زیرا از بین رفتن قهری است، نه به اراده‌ی موصی.

**🔗 مثال ۱۹:** در کدام یک از گزینه‌های زیر عین معین بودن موصی به شرط نیست؟

(۱) انشای وصیت مخالف (۲) از بین بردن جهت وصیت (۳) انتقال موصی به (۴) اتلاف موصی به

**✅ پاسخ:** گزینه «۲»؛ زمانی که جهت وصیت از بین می‌رود شرط نیست که موصی به عین باشد، اما در سه گزینه دیگر عین معین بودن موصی به شرط می‌باشد.

**🔗 مثال ۲۰:** محاسبه‌ی قیمت اموال موصی، به جهت تعیین ثلث چه زمانی به عمل می‌آید؟

(۱) حین وصیت (۲) حین وفات (۳) حین تقسیم ترکه (۴) بعد از قبول موصی له

**✅ پاسخ:** گزینه «۲» طبق ماده ۸۴۵ قانون مدنی که: «میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در زمان فوت موصی معین می‌شود، نه به اعتبار دارایی او در حین وصیت».

در محاسبه میزان ثلث دارایی خالص متوفی (پس از کسر دیون، هزینه کفن و دفن، واجبات مالی و دیون مالک است.

در مرحله دوم یعنی قیمت‌گذاری اموال موصی، معیار ارزیابی بهای ترکه، لحظه مرگ است و تغییر قیمت‌ها اثربخش نخواهد بود؛ زیرا تاریخ انتقال، لحظه مرگ است، اما ممکن است قیمت‌گذاری به تراضی ورثه انجام شود، مگر در مورد غایب و محجور که نیاز به نظارت دادگاه و کارشناس دارد.

**🔗 مثال ۲۱:** در مرحله‌ی قیمت‌گذاری اموال موصی معیار ارزیابی بهای ترکه چه زمانی است؟

(۱) حین تقسیم ترکه (۲) حین وصیت (۳) حین وفات موصی (۴) حین قبول موصی له

**✅ پاسخ:** گزینه «۳»؛ طبق ماده ۸۴۵ قانون مدنی: «میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در حین وفات معین می‌شود، نه به اعتبار دارایی او در زمان وصیت، پس در مرحله‌ی قیمت‌گذاری بر اموال موصی ملاک سنجش و ارزیابی میزان دارایی در زمان فوت موصی است. اما ممکن است قیمت‌گذاری به تراضی

ورثه انجام پذیرد، اما در مورد غایب و محجور با نظارت دادگاه و کارشناس منصوب از طرف دادگاه می‌باشد.

در نهایت، نوبت به ادای دیون می‌رسد تا در نتیجه آن، ترکه خالص متوفی به دست آید در واقع محاسبه شدن دیون نشانه تقدم آنها بر وصیت است همچنین هزینه‌های کفن و دفن و حفظ و اداره و تقسیم ترکه هم جزو دیون است، اما مالیات بر ارث جزو دیون خود وارثان است و به مورث ربطی ندارد.

**مثال ۲۲:** کدام یک از موارد زیر جزو دیون متوفی محسوب نمی‌شود؟

- (۱) مالیات بر ارث  
(۲) هزینه‌ی حفظ و اداره و تقسیم ترکه  
(۳) هزینه کفن و دفن میت  
(۴) مالیات‌ها و عوارض که بر عهده‌ی متوفی بوده است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ مالیات بر ارث جزو دیون متوفی محسوب نمی‌شود و جزو دیون وارثان می‌باشد و به موثر ربطی ندارد.

**مثال ۲۳:** در صورت کلی بودن موصی به، تعیین مصداق آن بر عهده ..... است.

- (۱) موصی له  
(۲) ورثه  
(۳) موصی  
(۴) عرف
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ اگر موصی به عین کلی و نامعین باشد. طبق ماده ۸۴۷ قانون مدنی: تعیین فرد با ورثه است، مگر در وصیت به گونه‌ای دیگر مقرر شده باشد.

**مثال ۲۴:** کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

- (۱) با توجه به وحدت ملاک وصیت و قیمومت، وصی مستحق حق الزحمه است.  
(۲) با توجه به نص قانون، وصی مستحق حق الزحمه است.  
(۳) وصی تنها در صورتی مستحق حق الزحمه است که در متن وصیت نامه شرط شده باشد.  
(۴) وصی مستحق حق الزحمه نیست چون وصیت رایگان است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ با توجه به این که اصل، عدم تبرع است هر کس برای دیگری اقدامی انجام دهد، مستحق حق الزحمه است؛ لذا ماده ۶۷۷ قانون مدنی می‌فرماید: «اگر در وکالت، مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد، محمول بر این است که با اجرت باشد». بنابراین هر چند وصیت عهدی ایقاعی مجانی است، وصی مستحق دریافت حق الزحمه می‌باشد؛ چرا که منظور از مجانی بودن وصیت عهدی آن است که موصی در قبال اعطای نیابت به وصی چیزی دریافت نمی‌کند. همچنین با توجه به ماده ۱۲۴۶ قانون مدنی: «قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومیت مطالبه‌ی اجرت کند. میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومیت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین می‌گردد».

**مثال ۲۵:** رد وصایت (وصیت عهدی) در چه زمانی معتبر است؟

- (۱) در زمان فوت موصی  
(۲) در زمان حیات موصی  
(۳) تا زمانی که قبول نکرده باشد.  
(۴) در زمانی که اهلیت داشته باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ در وصیت عهدی تا هنگامی که موصی زنده است وصی می‌تواند وصیت را رد کند، اما بعد از فوت موصی، حق رد کردن ندارد حتی اگر موجب عسر و حرج او شود.

**مثال ۲۶:** در کدام یک از حالت‌های اداره وصیت، وجود شرایط وصی در زمان انتقال از وصی قبلی به وصی جدید معتبر است (نه در زمان فوت موصی)؟

- (۱) حالت ترتیب  
(۲) حالت اجتماع  
(۳) حالت استقلال  
(۴) حالت اطلاق
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ در حالت ترتیب وصی باید در زمان انتقال از وصی قبلی، واجد شرایط باشد؛ بنابراین امکان دارد در زمان اعمال وظیفه وصی قبلی واجد شرایط نباشد.

**مثال ۲۷:** شخص بی‌سواد و کسی که قادر به نوشتن نیست از کدام وصیت‌نامه نمی‌تواند بهره ببرد؟

- (۱) رسمی و سری  
(۲) سری و غیرعادی  
(۳) غیرعادی و خودنوشت  
(۴) خودنوشت و سری
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ افراد بی‌سواد نمی‌توانند وصیت‌نامه‌ی خودنوشت تنظیم کنند؛ زیرا دستخط موصی لازم است و اشخاص بی‌سواد از نوشتن این نوع وصیت‌نامه منع شده‌اند.

**مثال ۲۸:** کدام نوع وصیت‌نامه، بیشتر در معرض خطر مفقود شدن یا تحریف قرارداد دارد؟

- (۱) خودنوشت  
(۲) رسمی  
(۳) سری  
(۴) غیرعادی
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ زیرا این نوع وصیت‌نامه در قبال ۲ وصیت‌نامه دیگر دارای تشریفات بسیار ساده‌ای است. به علاوه این که انجام آن در حضور مأمورین رسمی صورت نمی‌گیرد.

**مثال ۲۹:** ساده‌ترین و پیچیده‌ترین تشریفات تنظیم وصیت‌نامه مربوط به کدام وصیت‌نامه می‌باشد؟

- (۱) سری - خودنوشت  
(۲) رسمی - سری  
(۳) خودنوشت - سری  
(۴) رسمی - خودنوشت
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ ساده‌ترین تشریفات، مربوط به وصیت‌نامه خودنوشت و پیچیده‌ترین تشریفات، مربوط به وصیت نامه سری می‌باشد.



## آزمون فصل دوم

کله ۱- وصیت به ابراء ..... است و وصیت به هبه ..... است.

- (۱) عقد - عقد (۲) ایقاع - عقد (۳) عقد - ایقاع (۴) ایقاع - ایقاع

کله ۲- کدام گزینه در مورد موصی له صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) موصی له حق دارد که وصیت را رد کند.  
(۲) رد وصیت اثر ایجاب موصی را از بین می‌برد.  
(۳) قبول موصی له فقط باید با صراحت باشد.  
(۴) موصی له می‌تواند بخشی از موصی به را قبول کند و بخشی دیگر را رد نماید.

کله ۳- نظریه کشف حکمی بیانگر این است در .....

- (۱) اثر ملکیت از زمان فوت موصی منتقل می‌شود.  
(۲) اثر ملکیت از زمان قبول موصی له بعد از فوت موصی منتقل می‌شود.  
(۳) اثر ملکیت از زمان قبول موصی له منتقل می‌شود و اثر آن به تاریخ فوت موصی برمی‌گردد.  
(۴) اثر ملکیت از زمان قبول موصی له منتقل و از زمان فوت تا قبول، مال در دست وارث است.

کله ۴- اهلیت استیفا موصی و موصی له به ترتیب در چه زمانی معتبر است؟

- (۱) در زمان فوت - در زمان فوت وصی  
(۲) در زمان انشاء وصیت - در زمان فوت موصی  
(۳) در زمان حیات موصی - در زمان قبول وصیت  
(۴) در زمان انشاء وصیت - در زمان قبول وصیت

کله ۵- کدام یک از موارد زیر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) اگر موصی، مال غیر را برای مالکش وصیت کند نافذ است.  
(۲) اگر موصی، مال غیر را برای خودش با اجازه‌ی مالک آن وصیت کند صحیح نیست.  
(۳) اگر موصی، وصیت خود را منوط به تملک مال غیر کند باطل نیست.  
(۴) اگر موصی به، که متعلق به موصی است در تصرف دیگران باشد، وصیت به آن نافذ است.

کله ۶- اگر موصی در حین وصیت، اقرار به دینی نموده و سپس از وصیت خود رجوع کرد .....

- (۱) رجوع از وصیت در این حالت جایز نیست.  
(۲) وصیت باطل می‌شود اما اقرار نافذ است.  
(۳) وصیت و اقرار هر دو باطل است.  
(۴) همچون وصیت، باید از اقرار خود هم رجوع کند.

کله ۷- ائتلاف عمدی موصی به توسط موصی دلالت بر .....

- (۱) بطلان وصیت دارد.  
(۲) رجوع از وصیت دارد.  
(۳) بطلان وصیت و رجوع از آن دارد.  
(۴) هیچ کدام

کله ۸- در مورد رجوع از وصیت کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) انتقال موصی به در زمان حیات، وصیت را باطل می‌کند.  
(۲) اگر موصی به، به اجبار و اکراه ناگزیر به انتقال شود این اقدام رجوع ضمنی نیست.  
(۳) انتقال معلق، رجوع از وصیت را نیز معلق می‌کند.  
(۴) موضوع وصیت و انتقال باید متفاوت باشد.

کله ۹- در چه صورتی اجرای وصیت با مشکل مواجه می‌شود؟

- (۱) اگر موصی به بیشتر از مقدار ثلث باشد و ورثه آن را اجازه ندهد.  
(۲) اگر موصی به بیشتر از مقدار ثلث باشد و ورثه آن را اجازه دهد.  
(۳) اگر موصی به کمتر از مقدار ثلث باشد.  
(۴) اگر موصی به مساوی با مقدار ثلث باشد.

کله ۱۰- در مورد اهلیت و توانایی وصی کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) ناتوانی وصی در اجرای وصیت در حکم حجر او است.  
(۲) ناتوانی وصی شرط انعقاد وصایت است.  
(۳) ناتوانی وصی شرط اجرای وصیت است.  
(۴) بلوغ و رشد وصی شرط صحت وصایت است.



## فصل سوم

### «در ارث»

#### تست‌های تألیفی فصل سوم

**کله مثال ۱:** منظور از مفهوم ترکه کدام گزینه است؟

- (۱) دیون (۲) اموال و مطالبات (۳) تعهدات (۴) همه‌ی موارد
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ ترکه در واقع دارایی به جامانده از مورث می‌باشد که در برگیرنده اموال دیگری و دیون و مطالبات و تعهدات می‌شود.

**کله مثال ۲:** وجه اشتراک وصیت و ارث کدام گزینه می‌باشد؟

- (۱) هدف آن دو (۲) اراده‌ی متوفی در آن دو (۳) زمان تحقق آن دو (۴) هیچ کدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ تنها وجه اشتراک وصیت و ارث در زمان تحقق آن‌ها است که زمان تحقق بعد از فوت متوفی است.

**کله مثال ۳:** منظور از حقوق انتقالی کدام است؟

- (۱) استفاده از حکم قانون منسوخ (۲) مجموعه قواعدی که قوانین را فسخ کند.  
(۳) قواعدی که جابه‌جایی حکم از قوانین منسوخ به قوانین ناسخ را اداره می‌کند. (۴) به مجموعه قواعد ناسخ و منسوخ گفته می‌شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ منظور از حقوق انتقالی، انتقال قدرت از قانون منسوخ به قانون ناسخ است.

**کله مثال ۴:** در مورد موت فرضی غایب کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) تحقق ارث با فرض مرگ غایب ایجاد نمی‌شود.  
(۲) حکم دادگاه بر تقسیم ارث، با موت فرضی معتبر است.  
(۳) بر فرض موت غایب، اگر ارث تقسیم شود و غایب پیدا شود ارث برگردانده می‌شود.  
(۴) آثار موت فرضی تا زمانی است که مدت حقیقی غایب محرز نشده باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ اگر ده سال از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده گذشته باشد و سن او از ۷۵ سال نیز بگذرد، دادگاه حکم به موت فرضی غایب می‌دهد که به موجب این حکم اموال غایب به ارث می‌رسد.

**کله مثال ۵:** اگر تاریخ فوت و تقدم تاخر هر دو مجهول باشد در نتیجه .....

- (۱) از یکدیگر ارث می‌برند.  
(۲) اصل عدم توارث جاری می‌شود.  
(۳) اگر در یک حادثه مرده باشند توارث ایجاد می‌شود.  
(۴) اصل عملی می‌تواند حکم ظاهری را به دست آورد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ طبق ماده ۸۷۳: «اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تاخر هیچ‌یک معلوم نباشد اشخاصی مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند و ...» و این عدم توارث در نتیجه‌ی تعارض اصل تاخر حادث درباره‌ی هر یک از درگذشتگان است که تحقق شرط زنده‌بودن در زمان مورث را غیر ممکن می‌سازد.

**کله مثال ۶:** زن و شوهری بر اثر غرق شدن، فوت می‌کنند و فقط تاریخ فوت زن معلوم است:

- (۱) هیچ یک از دیگری ارث نمی‌برد.  
(۲) فقط زن از شوهر ارث می‌برد.  
(۳) هر دو از یکدیگر ارث می‌برند.  
(۴) فقط شوهر از زن ارث می‌برد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ مطابق ماده ۸۷۳ قانون مدنی: هرگاه تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول باشد، اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند؛ مگر این که موت به سبب هدم یا غرق باشد که در این صورت هر دو از یکدیگر ارث می‌برند. در این جا هر چند موت به سبب غرق است ولی چون تاریخ فوت یکی از آن‌ها معلوم می‌باشد، مسأله مشمول ماده ۸۷۴ قانون مدنی و اصل تاخر حادث می‌گردد. مطابق ماده اخیر که مبتنی بر اصل تاخر حادث است، هرگاه تاریخ فوت یکی معلوم و دیگری مجهول باشد، آن کسی که تاریخ فوتش مجهول است از دیگری ارث می‌برد.



**کلمه مثال ۷:** اگر پدر و پسر در حادثه هدم بمیرند و تقدم و تأخر تاریخ فوت هر دو مجهول باشد، در زنده تلقی شدن آن‌ها کدام یک مقدم فرض می‌شود و چرا؟

- (۱) پدر، زیرا ارث کمتری می‌برد.  
 (۲) پسر، زیرا ارث بیشتر می‌برد.  
 (۳) پدر، به خاطر احترام و جایگاه او  
 (۴) هیچ وجه رجحانی وجود ندارد و باید قرعه انداخت.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ در تقدم توارث پدر و فرزند پسر هیچ وجه رجحانی وجود ندارد و باید به ناچار بر اساس عرف و عادات و رسوم به قاعده قرعه متوسل شد و قرعه انداخت.

**کلمه مثال ۸:** ترکه زمانی شخصیت حقوقی دارد که .....

- (۱) به ملکیت ورثه در آمده است و تقسیم شده است.  
 (۲) از ملکیت متوفی خارج شده و به ورثه منتقل شده است.  
 (۳) از ملکیت متوفی خارج شده اما هنوز تقسیم نشده است.  
 (۴) به ملکیت ورثه در آمده اما هنوز به آن‌ها منتقل نشده است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ پس تا زمانی که اموال متوفی به ملکیت ورثه در نیاید، این اموال دارای شخصیت حقوقی نامستقری است و زمانی که دارایی متوفی به ملکیت ورثه درمی‌آید و دیون واجبات متوفی نیز مشخص و از آن خارج می‌شود دیگر دارای شخصیت حقوقی نمی‌باشد.

**کلمه مثال ۹:** کدام یک از موارد زیر می‌تواند محل تحقق ترکه محسوب شود؟

- (۱) محل فوت، آخرین اقامتگاه متوفی  
 (۲) محل تقسیم ارث - اقامتگاه ورثه  
 (۳) محل انتقال و تقسیم ارث  
 (۴) محل استقرار ترکه
- ☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ بر اساس ماده ۱۶۳ قانون امور حسبی، محل تحقق ترکه را آخرین اقامتگاه متوفی می‌داند.

**کلمه مثال ۱۰:** کدام گزینه از اسباب اصلی انتقال ترکه محسوب می‌شود؟

- (۱) رابطه قرابت مشروع  
 (۲) حیات بعد از مرگ مورث  
 (۳) فوت مورث  
 (۴) عدم وجود موانع ارث
- ☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ فوت شخص از اسباب انتقال ارث می‌باشد و تا زمانی که شخصی فوت نکند چیزی به عنوان ارث وجود نخواهد داشت تا به ورثه منتقل شود.

**کلمه مثال ۱۱:** کدام گزینه از شرایط ارث محسوب می‌شود؟

- (۱) فوت مورث  
 (۲) حیات وارث بعد از مرگ مورث  
 (۳) عدم وجود موانع ارث  
 (۴) رابطه قرابت نامشروع
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ طبق ماده ۸۷۵ قانون مدنی: شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر عملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد. شرط اصلی وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است.

**کلمه مثال ۱۲:** ضابطه اصلی در تعیین وراثت چیست؟

- (۱) زنده بودن بعد از فوت مورث  
 (۲) اقریبیت به میت  
 (۳) حاجب نداشتن  
 (۴) تصریح مورث
- ☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ بر اساس ماده ۸۸۸ قانون مدنی «ضابطه‌ی حجب از اصل ارث رعایت اقریبیت به میت است ...»؛ بنابراین هر طبقه از وراث طبقه‌ی بعدی را از ارث محروم می‌کند و درجه نزدیک درجه دورتر را از ارث محروم می‌کند، مگر در مورد حکم استثنایی ماده ۹۳۶ (با وجود اعمام یا احوال اولاد آن‌ها ارث نمی‌برند، مگر در صورت انحصار وارث به یک پسر عمومی ابوینی با یک عمومی ایی تنها که فقط در این صورت پسر عمو، عمو را از ارث محروم می‌کند، لیکن اگر با پسر عمومی ابوینی خال یا خاله یا اعمام متعدد باشند ولو ایی تنها، پسر عمو ارث نمی‌برد).

**کلمه مثال ۱۳:** کدام یک از گزینه‌های ذیل بیانگر معنای حجب حرمانی است؟

(۱) محروم شدن مادر از ثلث به سدس ترکه

(۳) محرومیت از بخشی از ارث

(۲) محرومیت وارثی به واسطه فوت قبل از مورث

(۴) محرومیت کامل یک ورثه به واسطه وجود وارث در طبقه یا درجه مقدم

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ حجب حرمانی یعنی این که وارثی به واسطه بودن وارث دیگر از ارث کلاً محروم گردد، مصادیق حجب حرمانی در قانون ۵ تا است:

(۱) هر طبقه، حاجب حرمانی طبقه بعد می‌باشد (مواد ۸۶۳ و ۸۸۸ قانون مدنی).

(۲) در هر طبقه و در هر دسته (گروه) درجه نزدیک‌تر، حاجب حرمانی درجه دورتر است (مواد ۸۸۸ و ۸۸۹ قانون مدنی).

(۳) اخوه (کلاله) ابوینی، حاجب حرمانی اخوه (کلاله) ابی است (مواد ۹۱۸ و ۹۲۶ قانون مدنی).

(۴) اعمام ابوینی، حاجب حرمانی اعمام ابی می‌باشند (ماده ۹۳۰ قانون مدنی).

(۵) احوال ابوینی، حاجب حرمانی احوال ابی می‌باشند (ماده ۹۳۰ قانون مدنی).

در طبقه اول و دوم، فرزندان (نوادگان متوفی) به قائم مقامی پدر و مادر (فرزندان متوفی) ارث می‌برند. در واقع؛ آن‌ها سهم پدر و مادر خود را در فرض زنده بودنشان، می‌برند. این فرزندان، که به جای والدین خود ارث می‌برند به طور مستقیم وارث نیستند تا این ادعا مطرح شود که وارثان درجه دوم هم عرض وارثان طبقه اول ارث برده‌اند و در نتیجه، قائم مقامی اولاد وارث، استثنایی بر قاعده تقدم وارث نزدیک‌تر نیست.

**کلمه مثال ۱۴:** کدام یک از موارد زیر، استثنایی بر اصل «تقدم اقرب» است؟

(۱) تقدم عمو بر برادرزاده‌ها

(۳) تقدم فرزندان بر برادران و خواهران

(۲) تقدم اجداد و عمام

(۴) تقدم پسرعمو ابوینی بر عمومی ابی در صورت وحدت هر دو

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ بر اساس ماده ۹۳۶ قانون مدنی «با وجود اعمام یا احوال اولاد آنها ارث نمی‌برند، مگر در صورت انحصار وارث به یک پسر عمومی ابوینی با یک عمومی ابی تنها، که فقط در این صورت پسر عمو، عمو را از ارث محروم می‌کند...» که حکمی استثنایی است. بر اساس قاعده چون عمومی ابی از حیث درجه نزدیک‌تر از پسر عمومی ابوینی است باید حاجب او می‌شد، ولی قانون با صراحت، پسر عمومی ابوینی را بر عمومی ابی مقدم دانسته است.

(۲) **حجب نقصانی:** این نوع حجب طبق ماده ۸۸۶ قانون مدنی: حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر، از حد اعلاهی حصه‌ی خود به حد ادنی نازل می‌گردد. مثل **حصه شوهر** که در صورت وجود فرزند از سهم اعلاهی خود که  $\frac{1}{4}$  است به سهم ادنی خود که  $\frac{1}{4}$  است کاهش می‌یابد. در اینجا وجود فرزند باعث نقصان در سهم الارث شوهر شده است بنابراین فرزند حاجب نقصانی شوهر است.

**کلمه مثال ۱۵:** اگر مردی که دارای چند فرزند و ۲ همسر دائم می‌باشد فوت کند، سهم الارث هر یک از همسران چه قدر است؟

(۱) یک چهارم

(۲) یک شانزدهم

(۳) یک هشتم

(۴) یک دوم

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ مطابق ذیل بند الف ماده ۸۹۲ قانون مدنی و نیز ماده ۹۰۱ که می‌گوید: «ثمن، فریضه زوجه یا زوجه‌ها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد». در این جا چون متوفی دو زوجه دارد، ثمن  $(\frac{1}{8})$  ترکه میان آن دو به تساوی تقسیم می‌شود؛ لذا سهم هر یک از همسران  $\frac{1}{16}$  می‌باشد.

**کلمه مثال ۱۶:** کدام یک از موارد ذیل مورد حجب نقصانی قرار می‌گیرد؟

(۱) پدر

(۲) برادر

(۳) دختر

(۴) پسر

**پاسخ:** گزینه «۱»؛ مطابق ماده ۸۹۲ قانون مدنی، اولاد، حاجب پدر و مادر و زوج و زوجه قرار می‌گیرد، یعنی اولاد متوفی، پدر او را به جای قرابت بر، فرض بر کرده و موجب می‌شوند که تنها یک ششم به فرض به پدر متوفی متعلق گیرد. اولاد متوفی، فرض مادر او را از یک سوم به یک ششم، فرض زوج را از یک دوم به یک چهارم و فرض زوجه را از یک چهارم به یک هشتم کاهش می‌دهند.

**کلمه مثال ۱۷:** کدامیک از گزینه‌های زیر از شروط حاجب شدن اخوه برای مادر به حساب نمی‌آید؟

(۱) پدر آنها زنده باشد.

(۳) ابوینی یا ابی تنها باشند.

(۲) از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل

(۴) یک برادر و یک خواهر

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ حجب از بعضی از فرض ۴ شرط دارد. طبق بند ب ماده ۸۹۲ قانون مدنی: اولاً؛ لااقل دو برادر، یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشد، ثانیاً؛ پدر آنها زنده باشد، ثالثاً؛ از ارث ممنوع نباشند مگر به سبب قتل رابعاً؛ ابوینی یا ابی تنها باشند اما گزینه چهارم شامل این شروط نمی‌باشند.



**مثال ۱۸:** کدام یک از موارد زیر، از موانع ارث قائم مقام محسوب می‌شود؟

- (۱) قتل - لعان (۲) ولادت از زنا - کفر (۳) قتل - کفر (۴) ولادت از زنا - لعان

☒ پاسخ: گزینه «۴»؛ کفر و قتل به قائم مقام وارث سرایت نمی‌کند و او را از ارث محروم نمی‌سازد اما لعان و ولادت از زنا مثل قتل و کفر نیست و به قائم مقام سرایت می‌کند و او را از ارث ممنوع می‌نماید.

**مثال ۱۹:** ورثه متوفی، پدر و مادر و نوه دختری هستند، با فرض اینکه دختر متوفی قبل از او فوت شده باشد، سهم هر یک را مشخص کنید.

(۱) سهم پدر  $\frac{1}{3}$ ، سهم مادر  $\frac{1}{6}$  و سهم نوه دختری  $\frac{1}{3}$

(۲) سهم پدر  $\frac{1}{3}$ ، سهم مادر  $\frac{1}{3}$  و سهم نوه دختری به دلیل اینکه در درجه دورتر است ارث نمی‌برد و بقیه به قرابت به پدر می‌رسد.

(۳) سهم پدر  $\frac{1}{6}$ ، سهم مادر  $\frac{1}{6}$  و سهم نوه دختری  $\frac{1}{3}$

(۴) سهم پدر و مادر  $\frac{1}{3}$  و بقیه به نوه دختری می‌رسد.

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ در فرض که دختر متوفی زنده بود، سهم پدر  $\frac{1}{6}$  و سهم مادر  $\frac{1}{6}$  و سهم دختر  $\frac{1}{3}$  بود حال همانطور که گفته شد نوه دختری سهم نسل واسطه خود (یعنی مادرش را که دختر متوفی است) را می‌برد، نه اینکه قائم مقامها در ارتباط با یکدیگر ارث ببرند.

**مثال ۲۰:** در صورت فوت شوهری که فرزند دارد برای کدامیک از ورثهها، حجب نقصانی و حرمانی به وجود می‌آید؟

- (۱) فرزندان - زوجه (۲) پدر - فرزند (۳) زوجه - خواهر مورث (۴) برادر مورث

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ در صورت فوت شوهری که فرزند دارد جهت حرمانی برای خواهر مورث به وجود می‌آید؛ زیرا فرزند شوهر در طبقه‌ی نزدیک‌تر به میت واقع شده و بر اساس قاعده‌ی (أَلْأَقْرَبُ يَمْنَعُ الْأَبْعَدَ)، خواهر مورث (یعنی همان خواهر همسر) از ارث محروم باشد و برای زوجه او جهت نقصانی به وجود می‌آید که سهم  $\frac{1}{4}$  او به سهم ادنی ( $\frac{1}{8}$ ) تبدیل می‌شود.

**مثال ۲۱:** در مورد توارث زن و شوهر، کدام مورد صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) زن و شوهر با تمام طبقات ارث می‌برند. (۲) شوهر و زن از تمام اموال هم ارث می‌برند.

- (۳) تساوی در توارث در صورت نداشتن فرزند (۴) عقد بین آنها باید دائم باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ طبق ماده ۸۴۶ و ۸۴۷: اگر زن بمیرد و تنها وارث او شوهر باشد مرد از تمام اموال زن ارث می‌برد، اما اگر مرد بمیرد و تنها وارث او زوجه باشد، تنها زوجه  $\frac{1}{4}$  سهم اعلی خود را می‌برد و مابقی برای دولت (بیت‌المال) است، (سهم زوجه به موجب اصلاحیه سال ۸۷) زن  $\frac{1}{8}$  اموال منقول و  $\frac{1}{8}$  از قیمت عرصه و اعیان به ارث می‌برد.

**مثال ۲۲:** کدامیک از گزینه‌های زیر جزو اسباب سببی قرابت محسوب نمی‌شود؟

- (۱) اخوت (۲) زوجیت (۳) ضمانت (۴) ولاء عتق

☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ از اسباب سببی دیگر وراثت که قانون از آن سخنی به میان نیاورده، ولاء عتق، ضمان جریره است و اخوت جزو این اسباب به حساب نمی‌آید و به نظر می‌رسد، قانون حاکم می‌خواهد، دولت یا حاکم را جایگزین ولاء عتق کند.

**مثال ۲۳:** محمد با دخترخاله خود ازدواج می‌کند و وارثی جز همسر خود ندارد، حال سهم الارث همسر محمد را مشخص کنید.

(۱) سهم همسر محمد  $\frac{1}{4}$  است؛ زیرا سهم همسر در صورت نبودن فرزند می‌باشد.

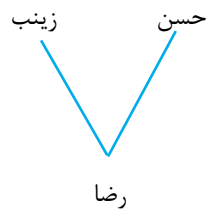
(۲) سهم همسر محمد  $\frac{1}{2}$  است؛ زیرا فرزند نداشت است.

(۳) سهم همسر محمد  $\frac{1}{4}$  است؛ زیرا سهم همسر در صورت نبودن فرزند می‌باشد و بقیه را به قرابت می‌برد.

(۴) سهم همسر محمد  $\frac{1}{4}$  است؛ زیرا سهم همسر در صورت نبودن فرزند می‌باشد و بقیه به خزانه دولت به عنوان مال بلاصاحب واریز می‌شود.

☒ پاسخ: گزینه «۳»؛ زیرا همسر محمد دارای دو سبب می‌باشد از یک طرف همسر متوفی می‌باشد که چون دارای فرزند نیست  $\frac{1}{4}$  از ارث را به فرض می‌برد و از طرف دیگر، دخترخاله متوفی می‌باشد که چون در طبقات بالاتر کسی وجود نداشته باز نوبت به دخترخاله متوفی که همان همسر او می‌باشد می‌رسد و بقیه را به قرابت می‌برد که اگر همسر متوفی، نسبت دخترخاله با متوفی نداشت فقط سهم  $\frac{1}{4}$  خود را به عنوان همسر می‌برد و بقیه به خزانه دولت واریز می‌شد.

**مثال ۲۴:** حسین و حسن برادرند. حسین با زینب ازدواج می‌کند و فرزند آنها علی متولد می‌شود سپس زینب طلاق گرفته و با حسن ازدواج می‌کند و فرزند آنها رضا متولد می‌شود.



همانطور که ملاحظه می‌کنید علی با رضا از ۲ جهت خویشاوند است:

۱- پدر علی (حسین) با پدر رضا (حسن) هستند (پسرعموی ابی) ← درجه دوم از طبقه سوم

۲- مادر علی و رضا و زینب است (برادر امی) ← درجه اول از طبقه دوم

حال اگر رضا فوت کند و علی وارث باشد، فقط از جهت این که برادر امی رضا است ارث می‌برد و از جهت پسرعموی ابی بودن ارث نمی‌برد، چرا که خویشاوندی در درجه و طبقه نزدیک‌تر مانع ارث بردن خویشاوند در درجه و طبقه دورتر می‌شود.

**مثال ۲۵:** در ارتباط با گواهی حصر وراثت کدام گزینه نادرست است؟

(۱) صدور گواهی حصر وراثت در صلاحیت شورای حل اختلاف است و جنبه اعلامی دارد.

(۲) اعتبار گواهی حصر وراثت فقط بین وراث است نه سایرین.

(۳) گواهی حصر وراثت، تصدیقی است که شمار وارثان و نسبت وارثان و متوفی و سهم هر کدام را در ترکه معین می‌کند.

(۴) در گواهی حصر وراثت ذی‌نفع اصلی آن وارث است.

☒ پاسخ: گزینه «۲»؛ با توجه به توضیحات فوق گواهی حصر وراثت، نشان اثبات و احراز نزد مقام رسمی است و اعتبار آن در برابر همه است.

**مثال ۲۶:** کدامیک از گزینه‌های زیر به ترتیب سبب انتقال و شرط وراثت است؟

(۱) مرگ مورث - زنده بودن وارث در زمان مرگ مورث (۲) زنده بودن وارث بعد از مرگ مورث - ولد زنا نبودن وارث

(۳) کافر نبودن مورث - مسلمان بودن وارث (۴) مرگ مورث - قاتل نبودن وارث

☒ پاسخ: گزینه «۱»؛ در تحقق ارث، مرگ مورث سبب انتقال وارث است و زنده بودن وارث در زمان فوت مورث را شرط وراثت قرار داده است.



**مثال ۲۷:** از نظر قانون مدنی وجود حمل و بهره‌مندی او از حقوق مدنی، از چه زمانی است؟

(۱) از زمان تولد

(۲) از زمان احراز حمل

(۳) از زمان انعقاد نطفه

(۴) حمل قبل از به دنیا آمدن از حقوق مدنی بهره‌مند نمی‌باشد.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ بر اساس ماده ۸۷۵ قانون مدنی: «..... اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه‌ای او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد». پس شرط اصلی وراثت حمل، زنده بودن یا وجود او در زمان فوت مورث است.

**مثال ۲۸:** در مورد حمل کدام یک از مواد ذیل نادرست است؟

(۱) زنده به دنیا آمدن حمل شرط تملک میراث است.

(۲) شرط زنده متولد شدن حمل جهت تملک ارث، به گذشته سرایت می‌کند و باید نطفه او حین الموت مورث منعقد شده باشد.

(۳) زنده به دنیا آمدن حمل سبب تملک میراث است.

(۴) سقط حمل در اثر جرم، موجب می‌شود که سهم الارث او به وارث برسد.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ در تحقق ارث شرط و سبب را نباید یکی پنداشت که مرگ مورث سبب ارث و زنده متولد شدن حمل شرط ارث‌بری است. همچنین علاوه بر شرط زنده به دنیا آمدن، باید نطفه منعقد قبل از موت مورث باشد.

**مثال ۲۹:** کدام گزینه در مورد حمل صحیح نمی‌باشد؟

(۱) زنده بودن حمل پیش از تولد دلیل زنده به دنیا آمدن او نیست.

(۲) اگر حمل در جریان تولد و قبل از انفصال کامل از بدن مادر، بمیرد دیگر وارث محسوب نمی‌شود.

(۳) اگر حمل در جریان تولد و قبل از انفصال کامل از بدن مادر بمیرد، باز هم وراثت است.

(۴) اگر حملی پس از تولد فوراً بمیرد حکم به وراثت او می‌شود.

**پاسخ:** گزینه «۳»؛ لزومی ندارد که حمل پس از زنده متولد شدن به زندگی ادامه دهد، ولی باید قابل زیستن باشد و زنده به دنیا آمدن نشانه همین قابلیت زیستن است، اما امکان ادامه زندگی ضرورتی ندارد.

**مثال ۳۰:** کدام گزینه از موارد اباحه قتل مورث محسوب می‌شود؟

(۱) به حکم قانون باشد.

(۲) در دفاع مشروع وارث باشد.

(۳) به خواسته مورث باشد.

(۴) موارد ۱ و ۲

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ طبق ماده ۸۸۱ قانون مدنی: «در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع مشروع باشد. مفاد ماده ۸۸۰ قانون مدنی مجری نخواهد بود».

**مثال ۳۱:** قتلی که باعث حرمان قاتل می‌شود باید چه شرایطی داشته باشد؟

(۱) آلات کشنده باشد - قانونی باشد.

(۲) عمدی باشد - نامشروع باشد.

(۳) بدون مباشرت باشد - مورث محکوم به اعدام نباشد.

(۴) قاتل مجنون باشد - مورث در صحنه قتل مرده باشد.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ قتل باعث حرمان قاتل می‌شود که عمدی باشد و نامشروع مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. گزینه ۱ هم درست می‌باشد. چون وقتی آلات کشنده باشد و غیرقانونی هم صورت گرفته باشد، قتل عمدی است و موجب حرمان است؛ لذا بجای «غیرقانونی باشد» عبارت «قانونی باشد» قید گردد.

**مثال ۳۲:** کدام گزینه از مصادیق کافر نمی‌باشد؟

(۱) مسیحیان

(۲) اهل تسنن

(۳) یهودیان

(۴) همه‌ی موارد

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ در واقع کسی که به خداوند و پیامبرش (ص) ایمان ندارد یا یکی از ضرورت‌های دین را انکار می‌کند کافر است، اما اختلافات مذهبی مثل شیعه و سنی ... به کفر و ایمان ربطی ندارد.

**🔗 مثال ۳۳:** کدام گزینه در مورد کافر صحیح نمی‌باشد؟

(۱) کفر و ایمان در زمان تحقق ارث اعتبار دارد.

(۲) اگر کافری پس از تملک ترکه و قبل از تقسیم آن اسلام بیاورد ارث می‌برد.

(۳) وارث مسلمان حاجب وارث کافر است هر چند از نظر خویشی، دورتر باشد.

(۴) اگر شخصی کافر شود خویشان مسلمان از او ارث نمی‌برند.

✅ **پاسخ:** گزینه «۴»؛ از آثار ارث محروم شدن خود کافر از ارث است و طبق ماده ۸۸۱ قانون مدنی: در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مفاد ماده فوق ۸۸۰ مجری نخواهد بود. مسلم از کافر ارث می‌برد، اما کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، پس گزینه ۴ غلط است.

**🔗 مثال ۳۴:** یکی از موانع ارث، کفر است، در ارتباط با آن کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح است؟

(۱) در صورت اسلام آوردن خویش کافر قبل از تقسیم ترکه موجب می‌شود ترکه را به ارث ببرد.

(۲) در صورت اسلام آوردن خویشاوندان کافر قبل از تقسیم ترکه تغییری در وضعیت ارث نمی‌دهد.

(۳) اگر خویش یا خویشاوندان کافر به طمع تحصیل ارث و ماترک مورث مسلمان اسلام آورند، تأثیری در ارث آنها نخواهد داشت.

(۴) اگر متوفی کافر باشد و دارای یک پسر کافر و یک دخترعموی مسلمان باشد، تنها پسر او ارث می‌برد.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳»؛ گفتیم که اگر اسلام آوردن و ارث کافر قبل از تقسیم ترکه باشد و یک نفر هم باشد، تغییر در وضعیت ارث نمی‌دهد؛ زیرا بر اثر فوق مورث اموال او قهراً به وارث مسلمان منتقل می‌شود و اسلام آوردن اگر اسلام آوردن خویشاوند مورث قبل از تقسیم ترکه باشد ولی متعدد باشند اگر از حیث وراثت مقدم بر خویشاوندان مسلمان باشند، تمام ترکه را به ارث می‌برند و در ارتباط با گزینه ۴ نیز باید گفت در صورتی وارث کافر از مورث کافر خود ارث می‌برد که در میان طبقات ارث‌بر، مسلمان وجود نداشته باشد.

**🔗 مثال ۳۵:** اثر رجوع پدر از لعان بعد از انجام لعان چیست؟

(۱) پسر از ارحام و خویشاوندان پدری ارث نمی‌برد.

(۲) پسر تنها از ارحام ارث می‌برد.

(۳) ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.

(۴) گزینه‌های ۱ و ۳

✅ **پاسخ:** گزینه «۴» مطابق ماده ۸۸۳ قانون مدنی: «هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد، لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.»

**🔗 مثال ۳۶:** وسیله اخراج دیون و وصایا و انحلال شخصیت حقوقی ترکه و آماده ساختن آن برای پیوستن به دارایی ورثه ..... نام دارد.

(۱) تحریر ترکه

(۲) ترکیب ترکه

(۳) تصفیه ترکه

(۴) اداره ترکه

✅ **پاسخ:** گزینه «۳»

**🔗 مثال ۳۷:** در ارتباط با دیه نظریه کامل است؟

(۱) دیه، کیفر جرم قتل است ولی به ترکه نمی‌پیوندد.

(۲) دیه، نوعی جبران خسارت ولی به ترکه متوفی می‌پیوندد.

(۳) دیه، در حکم مال میت است لذا مانند سایر اموال به ترکه می‌پیوندد و پس از تصفیه ترکه و پرداخت دیون متوفی اگر چیزی ماند، به وراثت می‌رسد.

(۴) دیه، در حکم اموال وارثان است و طلبکاران حقی بر آن ندارند؛ زیرا هدف آن جبران ضرر معنوی داده بر وراثت است.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳»؛ در اینکه دیه نوعی جبران خسارت است و یا کیفر جرم اختلاف نظر است ولی آنچه مسلم است، دیه قتل مورث وارد دارایی و ترکه می‌شود و در حکم مال میت است و مانند سایر اموال متوفی وسیله پرداخت دیون و واجبات مالی متوفی و یا حتی انجام وصیت می‌شود و در نهایت به عنوان ارث وارد دارایی ورثه با توجه به سهم الارث آنها می‌شود.

**❧ مثال ۳۸:** وجه بیمه عمر از سوی بیمه‌گر در چه صورتی به ترکه می‌پیوندد؟

- (۱) اگر تعهد بیمه‌گر به نفع شخص معینی باشد.  
 (۲) اگر تعهد بیمه‌گر به نفع وارثان بیمه‌گذار باشد.  
 (۳) هر گاه سهم وارثان از وجه بیمه معین نگردد.  
 (۴) قبل از تحقق شرط پراخت سرمایه به بیمه‌گذار

❑ پاسخ: گزینه «۲»؛ اگر وجه بیمه‌ی عمر به سود و نفع وارثان بیمه‌گذار باشد جز ترکه محسوب شود، در غیر این صورت، اگر ذی‌نفع معینی داشته باشد جز ترکه محسوب نمی‌شود.

**❧ مثال ۳۹:** در چه شرایطی درخواست تحریر ترکه از سوی قیم یا امین اجباری است؟

- (۱) قبل از درخواست اختلاف به وجود می‌آید.  
 (۲) اتحاد تمام ورثه در تقاضای درخواست تحریر ترکه  
 (۳) وجود غایب یا محجور در میان ورثه  
 (۴) زمان ادای دین متوفی فرا رسیده باشد.

❑ پاسخ: گزینه «۳»؛ اگر در میان وارثان غایب یا محجور باشد یا ترکه متعلق حق عموم قرار بگیرد. چون حقوق آنها در معرض خطر است درخواست قیم یا امین اجباری است.

**❧ مثال ۴۰:** کدام مورد از آثار دوران تحریر ترکه برای ورثه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) تصرف ترکه در دوران تحریر ممنوع است.  
 (۲) عملیات اجرایی به بدهی متوفی در دوران تحریر معلق می‌شود.  
 (۳) مرور زمان نسبت به بدهی متوفی در دوران تحریر جاری نمی‌شود.  
 (۴) فقط دعاوی راجع به ترکه در دوران تحریر بررسی می‌شود.

❑ پاسخ: گزینه «۴»؛ دعاوی راجع به ترکه یا بدهی در مدت تحریر ترکه توقیف می‌شود و این توقیف برای تامین نظم مقرر قانون در تصفیه ترکه است، برای دستیابی به ترکه خالص باید آن را تصفیه کرد و حقوق و دیونی را که به آن تعلق می‌گیرد از ترکیب ناخالص کاست. ماده ۸۶۹ قانون مدنی دیون ترکه را شامل قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق به اعیان ترکه است؛ مثل عینی که متعلق رهن است، دیون و واجبات مالی و وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و بیش از ثلث با اجازه ورثه می‌داند.

**❧ مثال ۴۱:** از نظر قانون مدنی، ترتیب قانونی پرداخت دیون از ترکه به چه ترتیب است؟

- (۱) طلب‌های موجد - هزینه‌ی کفن و دفن - وصایا - طلب‌های عادی - ارثیه  
 (۲) هزینه‌های کفن و دفن - طلب‌های با وثیقه - طلب‌های عادی - وصایا - ارثیه  
 (۳) طلب‌های با وثیقه - طلب‌های عادی - هزینه‌ی کفن و دفن - وصایا - ارثیه  
 (۴) هزینه‌ی کفن و دفن - وصایا - طلب‌های موجد - طلب‌های با وثیقه - طلب‌های عادی - ارثیه  
 ❑ پاسخ: گزینه «۲»؛ ابتدا هزینه کفن و دفن میت سپس طلب‌های با وثیقه، بعد طلب‌های عادی و سپس وصایا و در آخر ارث

**❧ مثال ۴۲:** کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

- (۱) تحریر ترکه اقدام احتیاطی صرف است که پس از تصفیه ترکه انجام می‌شود.  
 (۲) تحریر ترکه همان تصفیه ترکه است که در قانون امور حسبی به دو لفظ به کار رفته است.  
 (۳) درخواست تصفیه ترکه را فقط وراث می‌توانند از دادگاه بنمایند.  
 (۴) تحریر ترکه از وظایف مدیر تصفیه است.

❑ پاسخ: گزینه «۴»؛ تحریر ترکه اقدامی است که قبل از تصفیه ترکه توسط مدیر تصفیه به عمل می‌آید؛ یعنی ابتدا باید اموال و دارایی، مطالبات و دیون متوفی مرقوم و تعیین می‌شود که همان تحریر ترکه است. پس از تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی (تحریر ترکه)، عمل تصفیه ترکه یعنی پرداخت آنها و خارج کردن مورد وصیت از ما ترک توسط مدیر تصفیه یا وصی انجام می‌شود. قابل ذکر است که درخواست تصفیه ترکه را وصی و هر یک از وارثان می‌توانند از دادگاه بنمایند.

**❧ مثال ۴۳:** نظریه درست در مورد وضع حقوقی ترکه در دوران انتقال کدام است؟

- (۱) در حکم مال میت است.  
 (۲) جزو اموال ورثه است.  
 (۳) دارای شخصیت حقوقی مستقل از وارث، طلبکاران و موصی‌له است.  
 (۴) مالکیت آن متزلزل است.

❑ پاسخ: گزینه «۳»؛ نظر جامع و صحیح در ارتباط با وضع حقوقی ترکه در دوران انتقال (بعد از فوت مورث و قبل از استقرار مالکیت و ارث بر آن) این است که گفته شود که ترکه در این دوران دارای یک شخصیت فرضی به نام شخصیت حقوقی می‌باشد.

**مثال ۴۴:** در ارتباط با دعاوی بر ترکه کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) هر کس که ادعای حقی بر ترکه دارد باید به طرفیت وارثان اقامه دعوی کند.
- (۲) در موردی که برای دیون، وصی تعیین شده است دعا تنها به طرفیت وصی صورت می‌گیرد.
- (۳) در موردی که مدعی بخواهد علیه کسی که مالی از متوفی در دست دارد، اقامه دعوا کند باید بر وارثان نیز طرح دعوی کند.
- (۴) اگر طلب از متوفی محرز نباشد، مدعی باید طلب خود را از متوفی به طرفیت ورثه اثبات کند و سپس دعوا را بر علیه مدیون متوفی طرح کند.
- پاسخ:** گزینه «۲»؛ در موردی که برای ادای دیون، متوفی وصی تعیین کرده است، هر کس ادعای حقی بر ترکه دارد، اقامه دعوی به طرفیت وصی نیز علاوه بر وارثان ضروری است و همچنین است که ماده ۲۳۵ قانون امور حسبی می‌گوید: «بستانکار از متوفی نیز در صورتی که ترکه به مقدار کافی برای ادای دیون در ید ورثه نباشد، می‌تواند بر کسی که او را مدیون متوفی می‌داند یا مدعی است که مالی از ترکه متوفی در ید اوست اقامه دعوا کند». همچنین ماده ۲۳۶ قانون امور حسبی می‌گوید: «در مورد ماده قبل اگر طلب از متوفی محرز نباشد مدعی باید طلب خود را از متوفی به طرفیت ورثه اثبات و پس از آن دعوی خود را بر کسی که مدیون متوفی یا مالی از متوفی نزد او می‌داند، اقامه کند و می‌تواند بر هر دو در یک دادخواست اقامه دعوی نماید».

**مثال ۴۵:** کدام مورد از مشخصات قبول صریح ترکه توسط وارث نمی‌باشد؟

- (۱) صریح باشد.
- (۲) شفاهی باشد.
- (۳) خطاب به دادگاه باشد.
- (۴) حاوی بیان قبول ترکه به طور مستقیم باشد.
- پاسخ:** گزینه «۲»؛ قبول صریح ترکه باید به صورت کتبی و خطاب به دادگاه و حاوی بیان قبول ترکه به صورت مستقیم باشد.

**مثال ۴۶:** کدام مورد از شروط نفوذ رد ترکه محسوب نمی‌گردد؟

- (۱) باید دادگاه اعلام شود.
- (۲) منجز و مطلق باشد.
- (۳) در مهلت معین اعلام شود.
- (۴) باید کتبی باشد.
- پاسخ:** گزینه «۴»؛ فقط گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ جزو شروط رد ترکه هستند و کتبی و شفاهی بودن از شروط نفوذ رد ترکه محسوب نمی‌شود.

**مثال ۴۷:** سهم کدام یک از ورثه در زیر بر اساس فرض است و سهم او چقدر است؟

- (۱) زوج - در صورت وجود فرزند برای متوفی  $\frac{1}{3}$
- (۲) زوج - در صورت وجود فرزند برای متوفی  $\frac{1}{4}$
- (۳) دختر  $\frac{1}{3}$
- (۴) مادر در صورت وجود فرزند برای متوفی  $\frac{1}{6}$
- پاسخ:** گزینه «۴»؛ مادر متوفی، در صورتی که برای متوفی فرزندی نباشد  $\frac{1}{3}$  به فرض می‌برد و اگر برای متوفی فرزند باشد  $\frac{1}{6}$  به فرض می‌برد.

**مثال ۴۸:** اگر متوفی ۱۲ میلیون تومان پول از خود برجا گذاشته باشد و بعد از مرگ یک مادر و دو دختر داشته باشد، سهم هر کدام را مشخص کنید؟

- (۱) سهم مادر  $\frac{2}{4000000}$  و سهم هر یک از دختران  $\frac{4}{8000000}$
- (۲) سهم مادر  $\frac{3}{10000000}$  و سهم هر یک از دختران  $\frac{4}{5000000}$
- (۳) سهم مادر  $\frac{2}{10000000}$  و سهم هر یک از دختران  $\frac{5}{10000000}$
- (۴) سهم مادر  $\frac{2}{6000000}$  و سهم هر یک از دختران  $\frac{4}{7000000}$
- پاسخ:** گزینه «۱»؛ سهم مادر با وجود فرزند  $\frac{1}{6}$  می‌باشد و سهم دو دختران  $\frac{2}{3}$  و هر کدام  $\frac{1}{3}$  می‌باشد.

$$\text{سهم مادر} = \frac{2}{4000000} = \frac{1}{2000000}$$

$$\text{سهم دختران} = \frac{12000000}{3} \div \frac{2}{3} = \frac{12000000}{2} = 6000000$$

$$\text{سهم یک دختر} = 6000000 \div 2 = 3000000$$

$$\text{کل سهم مادر و دختران} = \frac{2}{3} + \frac{1}{6} = \frac{4+1}{6} = \frac{5}{6}$$

$$\frac{5}{6} - \frac{1}{6} = \frac{4}{6} = \frac{2}{3}$$

باقیمانده که باید به مادر و دختران تقسیم شود.

$$\frac{2}{3} + \frac{2}{3} = \frac{4}{3}$$

$$\frac{4}{3} - \frac{2}{3} = \frac{2}{3}$$

که باید یک قسمت به مادر و چهار قسمت به دختران داده شود.

$$\text{سهم مادر} = \frac{2}{3} \div 5 = \frac{2}{15}$$



سهم دختران  $\frac{400}{1000} \times 4 = \frac{1600}{1000}$

سهم یک دختر  $\frac{1600}{1000} \div 2 = \frac{800}{1000}$

سهم مادر  $\frac{2000}{1000} + \frac{400}{1000} = \frac{2400}{1000}$

سهم هر یک از دختران  $\frac{400}{1000} + \frac{800}{1000} = \frac{1200}{1000}$

نکته دیگر اینکه؛ اگر در میان ورثه زوج و زوجه باشند زیادی از فرض به آنها رد نمی‌شود، اما اگر شوهر وارث منحصر باشد و خویشاوند نسبی در کنار او ارث نبرد ترکه به او داده می‌شود که در این حالت می‌گویند  $\frac{1}{4}$  به فرض ارث برده و باقی را به رد برده است؛ بنابراین به زن هیچ وقت به رد ارث نمی‌رسد.

#### 🔗 مثال ۴۹: در کدامیک از حالات زیر تعصیب به وجود می‌آید؟

(۱) مادر، دو دختر (۲) دختر، زوج، پدر و مادر (۳) زوجه، دو دختر، پدر و مادر (۴) زوج، دو دختر، پدر و مادر

✅ پاسخ: گزینه «۱»؛ تعصیب به معنای اضافه یا بیشتر آمدن ترکه نسبت به سهم، صاحبان فرض مثلاً وقتی دو دختر و مادر وارث باشند، مادر  $\frac{1}{6}$ ، دو

دختر  $\frac{2}{3}$  می‌برند،  $\frac{1}{6}$  اضافه می‌آید که به این  $\frac{1}{6}$  اضافه بر سهم صاحبان فرض تعصیب می‌گویند.

#### 🔗 مثال ۵۰: در صورتی که ورثه، پدر و مادر، شوهر و دو دختر باشد و عول به وجود بیاید، کاستی ترکه بر کدام ورثه تحمیل می‌شود؟

(۱) پدر (۲) مادر (۳) شوهر (۴) دودختر

✅ پاسخ: گزینه «۴»؛ طبق ماده ۹۱۴ قانون مدنی، «اگر به واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه میت کفایت نصیب آنها را نکند نقص بر دختر یا دخترها وارد می‌شود.....».

همچنین ماده ۹۲۷ قانون مدنی می‌گوید، «هرگاه به واسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد، نقص بر کلاله ابوینی یا ابی یا بر اجداد ابی وارد می‌شود». طبق حکم اگر متوفی دارای شوهر و چند کلاله امی و ابوینی باشد فرض شوهر  $\frac{1}{4}$  فرض کلاله امی  $\frac{1}{6}$  و بقیه به برادران و خواهران ابوینی داده می‌شود. در طبقه سوم هم این قاعده رعایت می‌شود؛ یعنی هرگونه نقصی که لازم باشد بر متقربین به پدر وارد می‌شود، در نتیجه همسر و خویشان مادری در تمام حالت‌ها فرض کامل خود را می‌برند.

#### 🔗 مثال ۵۱: کدام یک از سهام‌های زیر تنها برای یکی از ورثه مقدر شده است؟

(۱) ربع (۲) ثمن (۳) سدس (۴) دوثلث

✅ پاسخ: گزینه «۲»؛ ثمن برای یک گروه است و فقط فرض زوجه یا زوجه‌هاست؛ در صورت فوت شوهر با بودن اولاد برای شوهر.

#### 🔗 مثال ۵۲: در صورتی که متوفی ۱ پسر و ۲ دختر را داشته باشد و وصیت کند که دختران به اندازه پسران و به صورت مساوی ارث ببرند، سهم ارث دختران و پسر به چه صورتی می‌باشد؟

(۱) دختران و پسر به صورت مساوی ارث می‌برند.

(۲) وصیت باطل می‌باشد زیرا قواعد ارث امری می‌باشد و پسر دو برابر دختران ارث می‌برد.

(۳) وصیت تا  $\frac{1}{3}$  صحیح می‌باشد، یعنی تا ثلث پسر و دختران به صورت مساوی ارث می‌برند و مازاد آن پسر دو برابر دختران ارث می‌برد.

(۴) وصیت تا  $\frac{1}{3}$  صحیح می‌باشد، یعنی تا ثلث پسر و دختران به صورت مساوی ارث می‌برند مگر اینکه وراثت پسر اجازه دهد در غیر این صورت مازاد آن را پسر دو برابر دختران ارث می‌برد.

✅ پاسخ: گزینه «۴»؛ وصیت تا  $\frac{1}{3}$  صحیح می‌باشد و بیشتر از آن در صورت اجازه پسران به وصیت عمل می‌شود و گرنه پسران دو برابر دختران ارث می‌برند.

اگر برای متوفی فرزند نبود نواده‌ها به قائم مقامی پدر یا مادر خویش ارث می‌برند و تقسیم ترکه بر حسب نسل انجام می‌شود و هرگونه از نوادگان میراث کسی را می‌برد که به وسیله او به متوفی یا نسل نزدیک تر متصل شده است، مثلاً اگر متوفی یک فرزند دختر و یک فرزند پسر داشته که پیش از او مرده‌اند

فرزندان دختر  $\frac{1}{3}$  ارث و فرزندان پسر  $\frac{2}{3}$  ارث را تملک می‌کنند و بین خودشان نیز طبق قاعده یعنی پسر دو برابر دختر تقسیم می‌کنند.

**مثال ۵۳:** اگر ورثه میت پدر و مادر و یک دختر او باشند سهم هر کدام به ترتیب کدام است؟

$$(۴) \frac{۳}{۶}, \frac{۱}{۶}, \frac{۱}{۶}$$

$$(۳) \frac{۳}{۶}, \frac{۱}{۵}, \frac{۱}{۵}$$

$$(۲) \frac{۳}{۵}, \frac{۱}{۵}, \frac{۱}{۵}$$

$$(۱) \frac{۱}{۶}, \frac{۱}{۶}, \text{ مابقی مال}$$

پاسخ: گزینه «۲» ☒

$$\text{دختر مادر پدر} \\ \frac{۱}{۶} + \frac{۱}{۶} + \frac{۱}{۲} = \frac{۱+۱+۳}{۶} = \frac{۵}{۶}$$

$$\frac{۱}{۶} \div \frac{۵}{۶} = \frac{۱}{۳۰} \times ۱ = \frac{۱}{۳۰} \rightarrow \frac{۱}{۳۰} + \frac{۱}{۶} = \frac{۱}{۵} \text{ سهم پدر}$$

$$\frac{۱}{۶} \div \frac{۵}{۶} = \frac{۱}{۳۰} \times ۱ = \frac{۱}{۳۰} \rightarrow \frac{۱}{۳۰} + \frac{۱}{۶} = \frac{۱}{۵} \text{ سهم مادر}$$

$$\frac{۳}{۶} \div \frac{۵}{۶} = \frac{۳}{۳۰} \times ۱ = \frac{۱}{۱۰} \rightarrow \frac{۱}{۱۰} + \frac{۱}{۲} = \frac{۳}{۵} \text{ سهم دختر}$$

**مثال ۵۴:** منظور از حبه چیست و مصداق آن کدام است؟

(۱) سهم مخصوصی که از ارث به پسر بزرگتر داده می‌شود - شمشیر

(۲) عطیه‌ای است که به تمام فرزندان ذکور داده می‌شود - لباس‌های شخصی میت

(۳) عطیه‌ای است که به پسر بزرگتر داده می‌شود - قرآن

(۴) تمام وسایل شخصی پدر است که به پسران او می‌رسد - انگشتری

پاسخ: گزینه «۳» ☒؛ مطابق با ماده ۹۱۵ قانون مدنی «انگشتری که میت معمولاً استعمال می‌کرده و همچنین قرآن، لباس‌های شخصی و شمشیر به پسر بزرگتر او می‌رسد، بدون اینکه از حصه‌ی او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه‌ی میت منحصر به این اموال نباشد».

**مثال ۵۵:** در صورتی که برای متوفی اجداد ابوینی و اجداد امی باقیمانده باشند، سهم الارث آنان به چه صورت تقسیم می‌شود؟

(۱) برای اجداد ابوینی  $\frac{۲}{۳}$  و بالسویه تقسیم می‌شود و برای اجداد امی  $\frac{۱}{۳}$  و جد دو برابر جده ارث می‌برد.

(۲) برای اجداد ابوینی  $\frac{۱}{۳}$  و به صورت بالسویه تقسیم می‌شود برای اجداد امی  $\frac{۲}{۳}$  و جد دو برابر جده ارث می‌برد.

(۳) برای اجداد ابوینی  $\frac{۲}{۳}$  و جد دو برابر جده ارث می‌برد و برای اجداد امی  $\frac{۱}{۳}$  و به صورت بالسویه تقسیم می‌شود.

(۴) برای اجداد ابوینی  $\frac{۲}{۳}$  و جد دو برابر جده ارث می‌برد و برای اجداد امی  $\frac{۱}{۳}$  و به صورت بالسویه تقسیم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» ☒؛ در صورت وجود اجداد ابوینی و امی، اجداد ابوینی  $\frac{۲}{۳}$  و اجداد امی  $\frac{۱}{۳}$  ارث می‌برند و ارث بین اجداد ابوینی به صورت اینکه ذکور دو برابر اناث بگیرند تقسیم می‌شود و برای اجداد امی به صورت بالسویه تقسیم می‌شود.

**مثال ۵۶:** کدام گزینه در مورد ارث کلاله‌ها در طبقه دوم صحیح نمی‌باشد؟

(۱) اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد، اخوه ابی ارث نمی‌برد.

(۲) اخوه ابوینی اخوه امی را از ارث محروم می‌کند.

(۳) اخوه امی همیشه بر فرض ارث می‌برند، اما فرض آن‌ها در صورت انفراد و تعدد متفاوت است.

(۴) اگر هر سه کلاله با هم جمع باشند تنها کلاله ابی از ارث محروم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» ☒؛ مطابق با ماده ۹۲۶ قانون مدنی: در صورت اجتماع کلاله ابوینی، امی و ابی، کلاله ابی ارث نمی‌برند، از مفهوم آن ماده متوجه می‌شویم که کلاله‌ی ابوینی فقط کلاله ابی را از ارث محروم می‌کند، اما باعث حرمان کلاله امی نمی‌شود.



**مثال ۵۷:** در صورتی که برای متوفی تنها اجداد پدر و مادری باقی‌مانده باشد سهم الارث آنان به چه صورت می‌باشد؟

- (۱) اجداد پدری و مادری به صورت مساوی از ارث سهم می‌برند.
- (۲) اجداد پدر و مادری سهم کسی را می‌برند که به واسطه او به میت می‌رسند.
- (۳) اجداد پدری و مادری سهمی از ارث نمی‌برند.
- (۴) تنها اجداد پدری از ارث سهم می‌برند.

**پاسخ:** گزینه «۲»؛ در صورت نبودن اجداد متوفی سهم ایشان به اجداد پدری و مادری می‌رسد که هر نسل سهم کسی را می‌برد که به واسطه او به میت می‌رسد.

**مثال ۵۸:** در صورتی که وراثت جد و جدۀ ابی و خواهر و برادر ابوینی و یک کلاله امی می‌باشند، سهم الارث بین آنان به چه صورت تقسیم می‌شود؟

- (۱)  $\frac{1}{3}$  ترکه به کلاله امی و بقیه ترکه به جد و جدۀ ابی و خواهر و برادر ابوینی به صورت بالسویه تقسیم می‌شود.
- (۲)  $\frac{1}{3}$  ترکه به کلاله امی و بقیه ترکه به جد و جدۀ ابی و خواهر و برادر ابوینی به صورت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.
- (۳)  $\frac{1}{6}$  ترکه به کلاله امی و بقیه ترکه به جد و جدۀ ابی و خواهر و برادر ابوینی به صورت بالسویه تقسیم می‌شود.
- (۴)  $\frac{1}{6}$  ترکه به کلاله امی و بقیه ترکه به جد و جدۀ ابی و خواهر و برادر ابوینی به صورت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

**پاسخ:** گزینه «۴»؛ در چنین فرضی کلاله امی  $\frac{1}{6}$  ترکه را می‌برد و بقیه به صورت ذکور دو برابر اناث بین جد و جدۀ ابی و خواهر و برادر ابوینی تقسیم می‌شود.

**مثال ۵۹:** در صورتی که برای متوفی یک پسرعموی ابوینی و یک عموی ابی باقیمانده باشد چه کسی ارث می‌برد؟

- (۱) پسرعموی ابوینی
  - (۲) عموی ابی
  - (۳) هر دو با هم و بالسویه بین آنها تقسیم می‌شود.
  - (۴) هر دو با هم و عموی ابی دو برابر پسرعموی ابوینی ارث می‌برد.
- پاسخ:** گزینه «۱»؛ با توجه به ماده ۹۳۶ قانون مدنی که در بالا توضیحات لازم داده شد.

**مثال ۶۰:** در صورتی که وراثت متوفی دایی و خاله و عمو و عمه ابوینی باشند سهم الارث آنان به چه صورت می‌باشد؟

- (۱) سهم خویشان مادری  $\frac{1}{3}$  می‌باشد که به صورت قاعده ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود و سهم خویشان پدری  $\frac{2}{3}$  می‌باشد که به صورت قاعده ذکور دو برابر اناث می‌باشد.
  - (۲) سهم خویشان مادری  $\frac{1}{3}$  می‌باشد که به صورت مساوی تقسیم می‌شود و سهم خویشان پدری  $\frac{2}{3}$  می‌باشد که به صورت قاعده ذکور دو برابر اناث می‌باشد.
  - (۳) سهم خویشان مادری و پدری مساوی می‌باشد که بین خویشان مادری به صورت مساوی تقسیم می‌شود و بین خویشان پدری به صورت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.
  - (۴) سهم خویشان مادری  $\frac{1}{3}$  می‌باشد که به صورت مساوی تقسیم می‌شود و سهم خویشان پدری  $\frac{2}{3}$  می‌باشد که به صورت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.
- پاسخ:** گزینه «۲»؛ زیرا سهم خویشان مادری  $\frac{1}{3}$  و بقیه که  $\frac{2}{3}$  باشد سهم خویشان پدری است که بین خویشان مادری به صورت بالسویه و بین خویشان پدری به صورت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

**مثال ۶۱:** کدام گزینه در مورد ارث خنثی صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) اگر علائم رجولیت در او غالب باشد، سهم الارث یک پسر از طبقه خود را به او می‌دهیم.
  - (۲) اگر علائم انائیت در او غالب باشد، سهم الارث یک دختر از طبقه خود را به او می‌دهیم.
  - (۳) اگر هیچ یک از علائم رجولیت و انائیت در او غالب نبود، به او ارث تعلق نمی‌گیرد.
  - (۴) اگر هیچ یک از علائم رجولیت و انائیت در او غالب نبود، نصف مجموع سهم پسر و دختر را به او می‌دهیم.
- پاسخ:** گزینه «۳»؛ اگر هیچکدام از علائم رجولیت و انائیت در خنثی غالب نباشد، در نهایت نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد.



**❏ مثال ۶۲:** کدام یک از ورثه زیر نه حاحب دیگر ورثه می‌شود و نه ورثه دیگر حاحب او می‌شوند؟

- (۱) همسر (۲) مادر (۳) فرزند (۴) پدر

❏ پاسخ: گزینه «۱»؛ همسر شخص نه حاحب وارثان نسبی می‌شود و نه هیچ وارثی می‌تواند مانع از ارث بردن او شود.

**❏ مثال ۶۳:** کدام گزینه از شرایط توارث دو همسر نمی‌باشد؟

- (۱) ازدواج دائمی باشد. (۲) ممنوع از ارث نباشد.

- (۳) توارث را شرط کرده باشند. (۴) پیوند زناشویی در لحظه تحقق ارث محقق باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۳»؛ زیرا زن هنگامی که با مرد پیوند زناشویی دائمی می‌بندند، اتوماتیک‌وار توارث بین آنها برقرار می‌شود و ماده ۹۴۰ قانون مدنی اعلام کرده: «زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند»، پس نیازی به شرط توارث نمی‌باشد.

**❏ مثال ۶۴:** اگر شوهر تنها وارث زن باشد و اگر در فرض دیگر زن تنها وارث شوهر خود باشد سهم هر کدام به ترتیب در دو فرض چقدر است؟

- (۱) سهم شوهر کل ترکه زن - سهم زن  $\frac{1}{4}$  از ترکه مرد (۲) سهم شوهر  $\frac{1}{4}$  از ترکه زن - سهم زن  $\frac{1}{4}$  از ترکه مرد

- (۳) سهم شوهر کل ترکه زن - سهم زن کل ترکه مرد (۴) سهم شوهر  $\frac{1}{4}$  ترکه زن - سهم زن  $\frac{1}{4}$  ترکه مرد.

❏ پاسخ: گزینه «۱»؛ اگر شوهر تنها وارث همسر باشد فرض او  $\frac{1}{4}$  است و باقی‌مانده هم به او رد می‌شود، اما اگر زن تنها وارث شوهر متوفی خود باشد تنها  $\frac{1}{4}$  ترکه به او و بقیه برای دولت است.

**❏ مثال ۶۵:** کدام گزینه در مورد تقسیم ترکه به اعتبار تعیین سهم وارثان صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) در این تقسیم بندی تراضی شرط نیست. (۲) قواعد آن ماهوی است.

- (۳) هدف آن تعیین سهم مشاع هر وارث است. (۴) نظر دادرس در آن اهمیت بسزایی دارد.

❏ پاسخ: گزینه «۴»؛ زیرا قواعد ارث امری و ماهوی می‌باشد و نظر دادرس در آن نقشی ندارد.

**❏ مثال ۶۶:** کدام گزینه سلسله مراتب تقسیم ترکه را به ترتیب نشان می‌دهد؟

- (۱) تقسیم به رد - تقسیم به تعدیل - افراز - فروش مال و تقسیم ثمن

- (۲) افراز - تقسیم به تعدیل - تقسیم به رد - اجبار به فروش و تقسیم ثمن

- (۳) فروش مال - تقسیم به تعدیل - تقسیم به رد - افراز

- (۴) تقسیم به تعدیل - افراز - فروش مال - تقسیم به رد

❏ پاسخ: گزینه «۲»؛ ۱- افراز ۲- تقسیم به تعدیل ۳- تقسیم به رد ۴- اجبار به فروش و تقسیم به ثمن که رعایت این سلسله مراتب اجباری است.

## آزمون فصل سوم

۱- معیار مهم برای تمیز قانون حاکم بر ارث کدام است؟

- (۱) تاریخ تملک وارث یا تحقق ارث  
(۲) قانون محل فوت متوفی  
(۳) قانون محل اقامت متوفی  
(۴) تاریخ تقسیم ترکه

۲- از چه زمانی ترکه میت در ملکیت ورثه مستقر می‌شود؟

- (۱) از زمانی که ترکه معلوم شود.  
(۲) از زمانی که ترکه تقسیم شود.  
(۳) از زمان فوت مورث  
(۴) از زمانی که دادگاه تعیین می‌کند.

۳- کدام گزینه جزء شروط استثنایی توارث محسوب نمی‌شود؟

- (۱) جهل به سبب خارجی یا مشترک باشد.  
(۲) جهل به تاریخ فوت و تقدم و تأخر  
(۳) تقارن مرگ در تاریخ معلومی باشد.  
(۴) برقراری حالت توارث میان متوفیان

۴- کدام یک از موارد زیر، جزء استثنائات ماده ۸۷۳ قانون مدنی که توارث در غرق یا هدم شدن را جایز می‌داند، نمی‌باشد؟

- (۱) فرود اضطراری هواپیما در اقیانوس  
(۲) خرابی ناشی از بمباران  
(۳) افتادن درخت  
(۴) کشته‌شدن در مسابقه ورزشی

۵- اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته باشد، کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی به امور ترکه را دارد؟

- (۱) دادگاه محل فوت در خارج ایران  
(۲) دادگاه محل اموال غیرمنقول متوفی  
(۳) دادگاه مقدم در شروع امور ترکه  
(۴) آخرین محل سکونت متوفی

۶- اگر وراثت متوفی پدر و مادر یک دختر باشند سهم هر کدام به ترتیب چقدر است و چقدر می‌ماند؟

- (۱) سهم هر کدام از پدر و مادر  $\frac{1}{3}$  و سهم دختر  $\frac{2}{3}$  و چیزی باقی نمی‌ماند.  
(۲) سهم پدر و مادر هر کدام  $\frac{1}{6}$  و سهم دختر  $\frac{2}{3}$  و  $\frac{1}{6}$  باقی می‌ماند.  
(۳) سهم پدر و مادر هر کدام  $\frac{1}{6}$  و سهم دختر  $\frac{1}{3}$  و  $\frac{1}{6}$  باقی می‌ماند.  
(۴) سهم هر کدام از پدر و مادر  $\frac{1}{3}$  و سهم دختر  $\frac{1}{3}$  و در باقی می‌ماند.

۷- در صورتی که ورثه‌ی مورث، پدر و مادر و چند دختر باشد، سهم دختران چقدر است و چگونه تقسیم می‌شود؟

- (۱)  $\frac{1}{4}$  سهم آنها - بالسویه  
(۲)  $\frac{2}{3}$  سهم آنها - بالسویه  
(۳)  $\frac{1}{4}$  سهم آنها - بالتفاوت  
(۴)  $\frac{1}{4}$  سهم آنها - بالتفاوت

۸- کدام گزینه در مورد وراثت قائم مقام نسل دورتر، شرط نمی‌باشد؟

- (۱) قائم مقام باید نزدیکترین نسل به نسل بی‌واسطه‌ی پدر و مادر باشد تا اقرب به میت محسوب شود.  
(۲) قائم مقام نباید از ارث محروم باشد.  
(۳) نسل واسطه باید وصف وراثت را داشته باشد.  
(۴) نسل واسطه اگر بنابر تقصیری ممنوع از ارث شود، قائم مقام او هم ارث نمی‌برد.

۹- اهلیت تملک در حمل از چه زمانی آغاز می‌شود؟

- (۱) زمان تولد  
(۲) از زمان انعقاد نطفه  
(۳) از زمان نزدیکی  
(۴) از زمان احراز علایم حمل

۱۰- در نسبت بین فرزندان لعان شده و پدر و مادر او کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

- (۱) پدر و مادر فرزندان از هم ارث نمی‌برند، اما فرزندان و مادر از هم ارث می‌برند.  
(۲) فرزندان از پدر ارث می‌برند، اما پدر از او ارث نمی‌برد.  
(۳) فرزندان از مادر ارث می‌برند، اما مادر از فرزندان ارث نمی‌برد.  
(۴) تنها فرزندان از پدر و مادر در ارث می‌برند، پدر و مادر از فرزندان ارث نمی‌برند.

۱۱- در کدام مورد، قتل باعث حرمان وارث می‌شود؟

- (۱) قتلی که در اثر بی‌احتیاطی وارث رخ می‌دهد.  
(۲) قتلی که به دستور مورث برای رهایی از درد و رنج و بدنامی رخ می‌دهد.  
(۳) قتلی که در نتیجه مبارزه‌ی تن به تن تا سر حد مرگ  
(۴) قتل در صورت زدن یک ضربه که نوعاً کشنده نیست، ولی اتفاقاً وارث منتهی به مرگ شود.



### کدام یک از موارد زیر جزء ترکه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) اموال غیر منقول  
(۲) دیه قتل مورث  
(۳) جایزه حساب بانکی مورث  
(۴) طلب‌های معلق قبل از تحقق شرط آن

### حقوق بازنشستگی.....

- (۱) در زمره ارث می‌آید  
(۲) مستحقان آن را به طور مساوی تقسیم می‌کنند.  
(۳) بر طبق قواعد ارث تقسیم می‌شود.  
(۴) فقط به فرزندان و همسر متوفی می‌رسد.

### هدف از تحریر ترکه چیست؟

- (۱) تعیین ورثه و طلبکاران  
(۲) تعیین مقدار ترکه و دیون  
(۳) ایجاد زمینه قبول یا رد ترکه برای وارثان  
(۴) حفظ حقوق طلبکاران

### کدام گزینه از وظایف مدیر تصفیه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) تحریر ترکه  
(۲) رسیدگی و تجزیه‌ی حقوق ذینفعان  
(۳) تأدیه‌ی دیون و اخراج وصایا  
(۴) جلوگیری از اختلاف ورثه

### از نظر قانون مدنی در صورت کمبود ترکه بر پرداخت دیون، کدام راه حل اتخاذ می‌شود؟

- (۱) ترکه به نسبت طلب‌ها بین تمام طلبکاران تقسیم می‌شود.  
(۲) برخی از طلب‌ها را باید بر برخی دیگر مقدم نمود.  
(۳) هیچگونه تقدم و تأخر را نمی‌پذیرد.  
(۴) از اموال ورثه باید آنها را تأدیه نمود.

### کدام مورد از خصوصیات شخصیت حقوقی ترکه در دوران انتقالی نیست؟

- (۱) حق مالکیت وارثان و موصی له و بستانکاران در مجموعه دارایی به هم آمیخته است.  
(۲) وارثان و موصی له به منزله شریکان و اعضای شرکتند.  
(۳) پس از تصفیه این شرکت قهری و شخصیت حقوقی منحل می‌شود.  
(۴) قبل از تصفیه ترکه به دارایی وارثان می‌پیوندد.

### اثر اصلی قبول ترکه کدام است؟

- (۱) عهده دار شدن پرداخت دیونی که بر عهده مورث است.  
(۲) تملک ترکه و شرکت قهری با ورثه دیگر  
(۳) به عهده گرفتن مدیریت تصفیه و تحریر ترکه  
(۴) تمام موارد فوق

### معنای اصلی رد ترکه.....

- (۱) خودداری از تملک ترکه و فرار از مسئولیت تأدیه دیون متوفی  
(۲) خودداری از تصفیه ترکه  
(۳) رد سمت مدیریت اداره ترکه  
(۴) موارد ب و ج

### منظور از تعصیب و عول به ترتیب کدام است؟

- (۱) ترکه بیشتر از فروش باشد، ترکه مساوی با فروش باشد.  
(۲) ترکه با فروش مساوی باشد، ترکه کمتر از فروش باشد.  
(۳) ترکه بیشتر از فروش باشد، ترکه کمتر از فروش باشد.  
(۴) ترکه کمتر از فروش باشد، ترکه بیشتر از فروش باشد.

### اگر ورثه میت، مادر، پدر و دو برادر او باشند سهم هر یک به ترتیب چقدر می‌شود؟

- (۱)  $\frac{1}{3}$ ،  $\frac{1}{3}$ ،  $\frac{2}{3}$  مابقی  
(۲)  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{5}{6}$  مابقی- ارث نمی‌برند.  
(۳)  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{4}{6}$  مابقی  
(۴)  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{1}{6}$  مابقی را می‌برد.

### اگر وارثان میت کلاله‌ی ابوینی، کلاله‌ی ابی و کلاله‌ی امی با هم باشند کدام مورد صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) کلاله‌ی امی در صورت تعدد  $\frac{1}{3}$  و در صورت انفراد  $\frac{1}{6}$  ترکه را به فرض می‌برد.  
(۲) کلاله‌ی ابی و کلاله‌ی ابوینی مابقی ترکه از  $\frac{1}{3}$  یا  $\frac{1}{6}$  که کلاله‌ای برده بود را ارث می‌برند.  
(۳) کلاله‌ی ابوینی، کلاله‌ی ابی از ارث محروم می‌شود.  
(۴) اگر کلاله‌ی امی متعدد باشند،  $\frac{1}{3}$  و  $\frac{2}{3}$  باقی‌مانده به کلاله‌ی ابوینی می‌رسد.



**۲۳- اگر در فرضی کلاله امی، کلاله ابوینی و زوج وارث باشند آیا عول بوجود می‌آید یا خیر؟ و اگر به وجود می‌آید بر کدام گروه تحمیل می‌گردد؟**

- (۱) عول به وجود می‌آید - کلاله امی
- (۲) عول به وجود نمی‌آید - سهام و فروض برابرند.
- (۳) عول به وجود می‌آید - کلاله ابوینی
- (۴) عول به وجود نمی‌آید و سهام از فروض بیشتر است.

**۲۴- در صورتی که چند عمو و عمه با چند دایی و خاله با هم وارث باشند، سهم آن‌ها چگونه است؟**

- (۱) سهم عمو و دایی دو برابر سهم عمه و خاله است.
- (۲) سهم عمو و عمه دو ثلث و سهم دایی و خاله ثلث ترکه است.
- (۳) سهم عمو و عمه و خاله و دایی با هم برابر است.
- (۴) سهم خاله و دایی سدس و مابقی برای عمو و عمه است.

**۲۵- راه حل فقها در تعیین جنسیت خنثی کدام گزینه است؟**

- (۱) او را پسر فرض می‌کنیم.
- (۲) او را دختر فرض می‌کنیم.
- (۳) او را دو جنسی فرض کرده و نصف مجموع سهم پسر و دختر را به او می‌دهیم.
- (۴) اگر علایم مردانگی و زنانگی در او غالب نبود قرعه می‌اندازیم.

**۲۶- در مورد ارث زن از شوهر کدام مورد صحیح نیست؟**

- (۱) زنی که در عده طلاق رجعی است از شوهر خود ارث می‌برد.
- (۲) اگر خود زن مرد را مجبور به طلاق کند از او ارث نمی‌برد.
- (۳) شوهر می‌تواند برای اضرار به ورثه در لحظات بیماری زنی را به عقد خود در آورد تا به او ارث برسد.
- (۴) اگر مردی، زنی را در حال مرض عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی‌برد.

**۲۷- اگر میت، یک خواهر ابوینی و یک خواهر امی داشته باشد، ترکه بین آنان به چه صورتی تقسیم می‌شود؟**

- (۱)  $\frac{1}{4}$  ترکه سهم خواهر امی و  $\frac{3}{4}$  ترکه سهم خواهر ابوینی است.
- (۲)  $\frac{1}{3}$  ترکه سهم خواهر امی و بقیه سهم خواهر ابوینی است.
- (۳)  $\frac{1}{6}$  ترکه سهم خواهر امی و بقیه سهم خواهر ابوینی است.
- (۴) بالسویه

**۲۸- در مورد چه کسانی رد صورت نمی‌گیرد؟**

- (۱) دختر و مادر
- (۲) زوجه، مادر، دختر
- (۳) اولاد مذکر
- (۴) پدر و پسر

**۲۹- آگهی مربوط به دادن اموال به تصرف ورثه باید:**

- (۱) سه مرتبه متوالی و هر کدام به فاصله یک ماه از تاریخ اولین آگهی باشد و یکسال از تاریخ اولین آگهی باشد.
- (۲) سه مرتبه متوالی و هر کدام به فاصله یک ماه از تاریخ اولین آگهی باشد و دو سال از تاریخ آخرین آگهی باشد.
- (۳) دو مرتبه متوالی و هر کدام به فاصله یک ماه و یکسال از تاریخ اولین آگهی باشد.
- (۴) سه مرتبه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر گردد و یکسال از تاریخ اولین آگهی گذشته باشد.

**۳۰- منظور از افراز در تقسیم ترکه چیست؟**

- (۱) دادگاه ناچار شود تعدیل را بوسیله پرداخت پول یا مال اضافی انجام دهد.
- (۲) جدا نمودن مال و فروش آن جهت رهایی از اشاعه.
- (۳) تعیین حصه معین از هر نوع مال برای هر یک از ورثه.
- (۴) برابر کردن بهای سهام هر چند موضوع آنها مختلف باشد.



## فصل اول: در اخذ به شفعه

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۴» | ۲- گزینه «۴» | ۳- گزینه «۳» | ۴- گزینه «۳» | ۵- گزینه «۱»  |
| ۶- گزینه «۳» | ۷- گزینه «۴» | ۸- گزینه «۱» | ۹- گزینه «۲» | ۱۰- گزینه «۱» |

## فصل دوم: در وصایا

|              |              |              |              |               |
|--------------|--------------|--------------|--------------|---------------|
| ۱- گزینه «۲» | ۲- گزینه «۳» | ۳- گزینه «۳» | ۴- گزینه «۴» | ۵- گزینه «۱»  |
| ۶- گزینه «۲» | ۷- گزینه «۳» | ۸- گزینه «۴» | ۹- گزینه «۱» | ۱۰- گزینه «۲» |

## فصل سوم: در ارث

|               |               |               |               |               |
|---------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| ۱- گزینه «۱»  | ۲- گزینه «۲»  | ۳- گزینه «۳»  | ۴- گزینه «۴»  | ۵- گزینه «۴»  |
| ۶- گزینه «۳»  | ۷- گزینه «۲»  | ۸- گزینه «۴»  | ۹- گزینه «۲»  | ۱۰- گزینه «۱» |
| ۱۱- گزینه «۳» | ۱۲- گزینه «۴» | ۱۳- گزینه «۲» | ۱۴- گزینه «۲» | ۱۵- گزینه «۴» |
| ۱۶- گزینه «۲» | ۱۷- گزینه «۴» | ۱۸- گزینه «۱» | ۱۹- گزینه «۴» | ۲۰- گزینه «۳» |
| ۲۱- گزینه «۲» | ۲۲- گزینه «۲» | ۲۳- گزینه «۳» | ۲۴- گزینه «۲» | ۲۵- گزینه «۴» |
| ۲۶- گزینه «۳» | ۲۷- گزینه «۱» | ۲۸- گزینه «۲» | ۲۹- گزینه «۴» | ۳۰- گزینه «۳» |